

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۷۶، شنبه اول آبان ۱۳۹۵ - ۲۲ اکتبر ۲۰۱۶

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * در سوگ درگذشت دو مادر پایدار و فداکار - مهدی سامع...ص ۲
- * داعش می رود، بحران می ماند - منصور امان...ص ۳
- * اعتراف به عدم بهبود در وضعیت مردم - زینت میرهاشمی...ص ۶
- * دومین خصوصی سازی بزرگ سال جاری، افزایش بیکارسازی کارگران - لیلا جدیدی...ص ۷
- * سیمای اقتصاد مقاومتی در فاجعه شبکه فاضلاب - زینت میرهاشمی...ص ۸
- * اسلام هراسی و دین ستیزی؛ برخورد "تبعیض گرانه" راست و "انقلابی نماهای" چپ - لیلا جدیدی...ص ۹
- * مقدس یا کثیف؟ - امید برهانی...ص ۱۳
- * ما نمی توانیم از جایمان تکان نخوریم و بلند نشویم - برگردان: بابک...ص ۱۷
- * در دومین سالگرد پرواز ریحانه - شعله پاکروان...ص ۲۱
- * دو سوال و یک جواب روشن - ارژنگ داوودی...ص ۲۳
- * مقام معظم عامل اصلی قطب بندی - مهدی سامع...ص ۲۴
- * زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری...ص ۲۷
- * چالشهای معلمان در مهر ماه - فرنگیس بایقره...ص ۳۱
- * درندگان اقتصادی در شکارگاه صندوق ذخیره فرهنگیان - منصور امان ۳۳
- * دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد...ص ۳۴
- * کارورزان سلامت - امید برهانی...ص ۳۷
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۵ - زینت میرهاشمی...ص ۴۱
- * رویدادهای هنری ماه - فتح الله کیانیها...ص ۵۲
- * مدیر ارشاد قُم را زدوبند از شهر بیرون کرد - منصور امان...ص ۵۵
- * اعتراف سرکرده سپاه به دخالت جنایتکارانه در حلب - زینت میرهاشمی...ص ۵۶
- * در مسیر سوریه ای کردن یمن - منصور امان...ص ۵۷
- * گفتمان راسان بخشی از مبارزه برای دمکراسی در ایران است - مهدی سامع...ص ۵۸
- * به جنبش دادخواهی جانباختگان قتل عام ۱۳۶۷ پیوندیم...ص ۶۰
- * شهدای فدایی در آبان ماه...ص ۶۱
- * انتشارات تصویری سازمان...ص ۶۲

در سوگ درگذشت دو مادر پایدار و فداکار

با تأثر و تأسف بسیار در روز چهارشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۵،

دو مادر فداکار و دو انسان پایدار، بانوان نیر اقدس رازانی و سلطنت خانم اعظمی ما را ترک کردند.

رفیق نیر اقدس رازانی در روز چهارشنبه ۱۴ مهر، در سن ۸۶ سالگی در بیمارستانی در کرج درگذشت. رفیق نیر از معلمان



فعال در درود بود که در سال ۱۳۶۰ توسط رژیم مورد تصفیه قرار گرفت و به علت ارتباط با فدایی شهید رفیق مریم دژآگاه و فعالیت در کانون معلمان این شهر دستگیر و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ زندانی شد. پس از آزادی همراه با خانواده به شهر کرج نقل مکان کرد. یکی از دامادهای او به خاطر جانبداری از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به وسیله مزدوران رژیم در سال ۱۳۶۱ به جوخه های اعدام سپرده شد. زنده یاد بانو نیر اقدس رازانی، زنی فداکار بود که با بسیاری از فعالان سیاسی اجتماعی ارتباط و خود در فعالیتهای فرهنگی مشارکت داشت. در مراسم خاکسپاری و آخرین دیدار با این رفیق در روز جمعه ۱۶ مهر ۱۳۹۵، تعداد زیادی از رفقای چپ و فعالان سیاسی و اجتماعی شرکت کردند.

از جانب خود و رفقاییم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت رفیق نیر اقدس رازانی را به فرزندان اقوام و آشنایان وی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به تمام آزادیخواهان تسلیت می گویم.



چند ماه پس از درگذشت زنده یاد آقای پرویز اعظمی بیرانوند، همسر و پشتیبان همیشگی پرویز خان، بانو سلطنت اعظمی در روز چهارشنبه ۱۴ مهر، در تهران درگذشت. زندگی این بانوی بزرگوار از زمانی که در کودکی شاهد اعدام پدرش شد، تا وقتی فرزندش رفیق فریدون اعظمی و دامادش رفیق توکل اسدیان به دست جلادان خمینی به شهادت رسیدند و تا هنگامی که در قتل عام زندانیان سیاسی داماد دیگرش، رفیق هبت الله معینی و تعدادی دیگر از خویشاوندان اش سربزه دار شدند، همراه با درد و رنج و البته استواری و پایداری بود. بانو سلطنت اعظمی همه دشواریها و رنجها را با عشق به انسانها و محبت به اطرافیان تحمل می کرد. پیکر زنده یاد سلطنت اعظمی در روز جمعه ۱۶ مهر ۱۳۹۵ در آرامگاه دارالسلام بروجرد با حضور انبوهی از مردم به خاک سپرده شد.

از جانب خود و رفقاییم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت بانو سلطنت اعظمی را به فرزند و خانواده بزرگ اعظمی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به تمام آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

یکشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۵ - ۹ اکتبر ۲۰۱۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

داعش می رود، بحران می ماند

منصور امان

دو سال پس از اشغال غیر مُنتظره موصل، دُومین شهر بزرگ عراق، توسط بُنیادگرایان "دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، حمله نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا برای بازپس گیری این متروپُل در کنار رود دجله آغاز شده است. نتیجه این جنگ از دید نظامی از هم اکنون آشکار است؛ "خلافت اسلامی"، نامی که داعش پس از اشغال موصل بر خود نهاده، توانایی حفظ این موضع را در برابر برتری فاحش کمی و کیفی مُهاجمان ندارد. اما پایان اشغال موصل، تنها فاکت روشن در مُعادله ای که روز ۲۶ مهر گشوده شد باقی می ماند. ابهامهای انسانی و سیاسی مُهمی که بر این اقدام نظامی سایه افکنده، جای زیادی برای خوش بینی نسبت به نتایج آن در دو پهنه یاد شده باقی نمی گذارد.

یک ائتلاف ناهمگون پنج ضلعی مُتشکل از آمریکا، جمهوری اسلامی، ترکیه، کردها، شبه نظامیان شیعی و قبایل سنی جنگ در موصل را پیش می برند که هر یک هدف مُتفاوتی را از شرکت در ائتلاف پی گرفته اند و منافع ویژه خود از آن را در چشم انداز قرار داده اند. در نظر به این واقعیت، چنین می نماید که موصل جایگاهی بیشتر از یک پلاتفرم برای پروژه های درازمدت و به این اعتبار بحرانهای بیشتر با قُدرت تخریب بیشتر ندارد.

جمهوری اسلامی

رژیم ولایت فقیه که یکی از فاکتورهای اصلی در شکل گیری داعش به شمار می رود، در کنار رژیم اسدها در سوریه تاکنون بیشترین بهره را هم از نقش آفرینی آن برده است. عملیات موصل می تواند به گونه کیفی حجم سود ولایت از خلافت را دوچندان سازد.

پدرخوانده داعش پیش از آنکه حتی یک گُلوله به سوی آن در موصل شلیک شود، از طریق جریانهای بُنیادگرای شیعی همچون بدر، کتائب حزب الله، عصائب الاهل الحق و نزدیک به چهل باند و دسته محلی دیگر، توانست زیر پوشش جنگ با داعش دهها هزار نفر را سازماندهی و مُسلح کند. ایجاد، تدارک، و تغذیه مالی، نظامی و فکری این نیرو مُستلزم ایجاد ساختارها و تامین پیش شرطهایی است که خود به نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی در عراق کُموک شایانی کرده است.

"حشد الشعبی" که یک تلاش سیاسی - تشکیلاتی برای کُنترل بخشهای مُختلف این نیرو به حساب می آید، اینک با کُموکهای مُستقیم و غیر مُستقیم آمریکا تبدیل به ارتش خُصوصی حاکمان ایران در عراق گردیده است. نیروی مزبور به مُوازات نیروی نظامی رسمی این کشور فعالیت می کند و در بخشهایی از پلیس و دستگاه امنیتی نیز نُفوذ کرده است.

سازماندهی علنی این نیرو و مشروعیت دادن به مُداخله آشکار اربابان خارجی آن در عراق زیر عنوان "جنگ با داعش"، یک تحول درونمایه ای در نقش جمهوری اسلامی در این کشور از نگاه اشغالگران غربی به وجود آورده است، بدین گونه که مُداخله گری فرقه گرایانه و بحران ساز رژیم مُلاها به مثابه یک فاکتور همسو به رسمیت شناخته شده است.

غرب به رهبری ایالات مُتحد در حالی که مایل نیست نیروی زمینی خود را قُربانی جنگهای بی پایان خاورمیانه سازد، بیش از پیش برای مُداخله گری نظامی و حل و فصل چالشهای مُبتنی بر آن به مُشارکت نیروهای بومی وابسته شده است. در این راستا، غرب منابع تامین سیاست خود را به گونه پراگماتیستی انتخاب می کند و از به خدمت گرفتن نیروهای سیاه و مُخرب نیز پروایی ندارد. باندهای بُنیادگرای وابسته به رژیم مُلاها اگرچه انتخاب مطلوب واشنگتن برای جایگزین سازی با نیروی زمینی خود نیستند، اما از نظر عملی این امتیاز را دارند که در دسترس بوده و حاضر به عهده گرفتن نقش آن هستند.

نخستین تجربه جدی این رویکرد در عملیات مُشترک آمریکا و رژیم مُلاها در اُستان سنی نشین "الانبار" شکل گرفت. شبه نظامیان شیعه ی گوش به فرمان مُلاها در حالی که از سوی هواپیماهای آمریکایی پُشتیبانی می شدند، شهر رمادی؛ مرکز اُستان و فلوجه، یک پایگاه مُهم سنیها را که به تصرف داعش درآمده بود، زیر کُنترل خود درآوردند.

هلال شیعی

پیدا شدن امکان ایجاد ارتش خصوصی از یکسو و جنگ در الانبار به کمک آمریکا از سوی دیگر، نه فقط پتانسیلی که حضور خلافت اسلامی در عراق برای رژیم ولایت فقیه داشت را آشکار ساخت، بلکه نخستین دستاوردهای آن را نیز به حسابش ریخت.

جنایاتی که بنیادگرایان ولایتی علیه ساکنان غیرنظامی شهرها و روستاهای الانبار مرتکب شدند، اگرچه رویه ای جنایی دارد، در عمق اما از خواست و نقشه ای سیاسی سرچشمه می گیرد که در معادله تازه، با تمام توان در پی تغییر ترکیب جمعیتی استانهای سنی نشین و پاکسازی قومی است. هدف سیاست مزبور توسعه جغرافیایی مناطق شیعه نشین به منظور کسب یک ابزار فشار تعیین کننده و دایمی برای تاثیرگذاری تعیین کننده در روندهای جاری و آتی سیاسی در عراق و منطقه است.

برای رژیم مَلاها جنگ موصل مرحله دیگری از سیاست مزبور و مسیر تازه پیشروی و گسترش نفوذ به شمار می رود که در مرکز آن تصرف مناطقی در غرب این شهر و در امتداد مرز سوریه قرار گرفته است. جمهوری اسلامی از طریق کنترل نظامی این مناطق خواهد توانست گردوری ارتباطی به سمت سوریه بگشاید که شاهراگ تدارکاتی و نقل انتقالی طرح هلال شیعی ترسیم شده از ایران، عراق، سوریه و لبنان خواهد بود. تحول مزبور این پروژه سیاسی - ایدئولوژیک را به یک واقعیت جغرافیایی بدل خواهد ساخت.

در بخش سوری این طرح، اقدامات برای پاکسازی قومی و تغییر دموگرافیک مناطق مرزی با لبنان در شمال غربی این کشور مدتهاست که آغاز گردیده و به طور عمده بر تخریب زیرساختهای زندگی در شهرهای و روستاهای هدف و آواره سازی انبوه ساکنان متمرکز گردیده است.

دستیابی رژیم ولایت فقیه به این هدف در موصل و غرب آن، یک گام آن را به تحقق پروژه هلال شیعی نزدیک تر کرده و امکانات حاکمان ایران برای مداخله گری، باجگیری و تولید فشار و بحران در سطح منطقه را گسترش خواهد داد. ایجاد این محور جنگی، همزمان یک تضمین امنیتی برای رژیمی است که در میان جامعه خود منفور، بین همسایگانش مُنزوی و در پهنه بین المللی در دسرافین شناخته می شود.

ترکیه

مانع مهم بر سر راه پیشروی رژیم مَلاها در موصل، ترکیه است که از سوی جبهه ای از کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی پشتیبانی می شود. نقش آفرینی در کشاکش نظامی موصل جایگاه مهمی در طرحهای منطقه ای ترکیه چه در سوریه و چه در عراق دارد. اسلام گرایان حاکم در آنکارا، در بحران جاری در هر دو نقطه شانس برای برکشیدن ترکیه به یک قدرت منطقه ای تراز اول و کسب دوباره جایگاه رهبری "جهان اسلام" یافته اند؛ موقعیتی که این کشور با تلاشی امپراتوری عثمانی از دست داد.

اوایل شهریور، زمانی که ترکیه به همراه متحدان سوری خود شهر شمالی جرابلس را به تصرف درآورد، علامت تازه ای از اراده سیاسی آنکارا برای توسعه نفوذ منطقه ای خود و سیاست خارجی سازگار با آن ارسال کرد. مشارکت در حمله به موصل، زیر علایق نو - عثمانی رژیم اردوغان خط تاکید می کشد. اهمیت شرکت در این مداخله نظامی را از پرهیز نداشتن آنکارا از درگیری لفظی مستقیم با بغداد و از این طریق با جمهوری اسلامی بر سر آن می توان دریافت. ترکیه سرانجام نیز برخلاف تمایل دولتهای عراق و ایران، حضور خود را تحمیل کرد.

پیشتر نزدیک به دو هزار تن از نیروهای نظامی ترکیه در خاک عراق؛ در شمال این کشور استقرار یافته بودند. ترکیه همچنین به سازماندهی و آموزش شبه نظامیان سنی عراق که خود را "حشد اوطنی" می نامد و شمار آنها شش هزار تن تخمین زده می شود، پرداخته است.

در نقشه های ترکیه برای تبدیل شدن به بازیگر بزرگ منطقه ای، مشارکت در جنگ موصل و سهمیم شدن در نتایج شکست خلافت اسلامی نقش مهمی ایفا می کند. نخست از این زاویه که مانع قدرت گرفتن دو جریان گردی پ. ک. ک و

حزب اتحاد دموکراتیک در مناطقی شود که از تصرف داعش خارج می‌گردد و به طور عمده در امتداد مرزهای جنوبی آن قرار گرفته. آنکارا از این فرصت برای انهدام کانتون‌ها در کردستان سوریه و برچیدن زمینه‌های شکل‌گیری آن در قلمرو خود سود خواهد جست.

سپس، ترکیه تلاش می‌کند موقعیت حکومت اقلیم کردستان را در برابر بغداد و پ.ک.ک. تحکیم بخشد و سرآخر، از ایجاد پایگاه‌های جمهوری اسلامی در موصل و پیرامون آن مانند سنجار و تلعفر جلوگیری کند. با توجه به آنکه دو شهر مزبور نقاط گرهی در طرح هلال شیعی به شمار می‌روند، می‌توان پیش‌بینی کرد که یکی از نخستین بحران‌های پس از شکست داعش، تصادم منافع جمهوری اسلامی و ترکیه باشد.

اقلیم کردستان

اقلیم کردستان در عملیات موصل چند هدف کوتاه مدت و یک هدف درازمدت را نشانه گرفته است. به خوبی روشن است که سهم شدن اقلیم در معادله نظامی، موقعیت بین‌المللی آن را بهبود بخشیده و آن را چند گام به جلوی صحنه بازی، جایی که دیگر بازیگران غربی و منطقه‌ای مشغول اجرای نقش هستند، می‌آورد. این امر به ویژه در جلب کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی متحدان خارجی اقلیم تاثیر به‌سزایی خواهد داشت و در حقیقت رابطه مثبتی بر آن را به سطح مناسبات استراتژیک فراز خواهد داد؛ بدین گونه که فاکتور اقلیم جای خالی نیروی نظامی ایالات متحده در شمال عراق را پر کرده و به پایگاهی برای ثبات این منطقه چه در برابر دست‌درازی رژیم ملاحا و چه در مقابل پ.ک.ک. بدل می‌کند.

از سوی دیگر، تعیین تکلیف موصل برای اقلیم اهمیت کلیدی دارد. موصل پس از تشکیل دولت در اربیل و در بغداد، موضوع ستیز ارضی بوده است. اقلیم، موصل را که از گذشته دور شهری گردنشین به شمار می‌آمده، بخشی از قلمرو خود می‌داند. کنترل موصل یک فاکتور مهم در دفاع سرزمینی اقلیم کردستان از مناطق زیر اختیار خود محسوب شده که از این رهگذر پای پروژه دولت محلی کردستان را نیز سفت‌تر می‌کند.

این در حالی است که بغداد و متحدان آن در تهران دادن هر گونه امتیازی به کردها فراتر از آنچه که آنها پس از اشغال عراق توسط آمریکا به دست آورده‌اند را موجب تضعیف قدرت مرکزی و در نتیجه تهدیدی علیه حکمرانی و نقشه‌های خود ارزیابی می‌کنند.

از این زاویه، اگرچه چنین می‌نماید که یک توافق چندجانبه بین اقلیم و بغداد از یکطرف و آمریکا و جمهوری اسلامی از طرف دیگر پیرامون وارد نشدن نیروی پیشمرگه و حشد الشعبی به موصل و تعیین مرزهای پیشروی آنها صورت گرفته باشد، اما این تفاهم ایستگاهی به هیچ وجه مسیر طرفها را تغییر نمی‌دهد و مساله موصل به مثابه یک کانون بحران در مناسبات آنها، پس از آزادسازی، جایگاه پر خطر تری می‌یابد.

برآمد

خلافت اسلامی داعش یک روی سکه فاجعه‌ای است که موصل را در کام خود فرو برد. داعش از شهر بیرون رانده می‌شود اما بحران بر جا می‌ماند و آتش آن آکسیژن تازه‌ای برای زبانه کشیدن می‌یابد؛ چرا که تضادهای اجتماعی و سیاسی که اربابه جنگ و بربریت بنیادگرایی مذهبی بر زمین هموار آن می‌تازد، حل نشده بر سر جای خود باقی است و تضاد منافع بازیگران تازه‌نمایش، صحنه تازه‌ای برای پدیدار شدن و ستیز یافته است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

اعتراف به عدم بهبود در وضعیت مردم

زینت میرهاشمی

وعده های حسن روحانی نه تنها در عمل هیچ جایی در زندگی مردم جا باز نکرد، بلکه حتا در حرف هم توسط کارگزاران دولتش به چالش کشیده شد. اعتراف معاون اول حسن روحانی به ناکارایی راهبردهای اقتصادی دولت پیرامون بحران اقتصادی، تورم، فقر و واقعیت زندگی فلاکتبار مردم، پوچ بودن شعارهای روحانی را نشان می دهد.

همه پایوارن رژیم، از ریز و درشت، در سیاستگذاری و راهبردهای اقتصادی بدون مشارکت مردم، در فقدان سندیکاها، اتحادیه و تشکلهای مردمی و بدون در نظر گرفتن نظر کارشناسان با صلاحیت، عمل می کنند.

طبقه حاکمه در جایگاه سرمایه دار بزرگ حتا شعور برنامه ریزی اقتصادی دراز مدت به نفع طبقه خودش را هم ندارد. بلکه همه راهبردهای آنها مقطعی، سود بیشتر در زمان کوتاه تر، انباشت سرمایه از طریق رانت، چپاول و در نهایت انتقال سرمایه به خارج از مرزها و تعیین جای امن برای آینده شان است. ماجرای دو تابعیتی بودن شمار زیادی از مسئولان بالای حکومت، تحصیل فرزندان آنها در خارج از ایران و استفاده از دموکراسی در کشورهای میزبان در شیوه زندگی، ماهیت طفیلی گری سرمایه داری حاکم را نشان می دهد.

اسحاق جهانگیری روز ۲۶ مهر گفت: «ماشین اقتصاد کشور در گودالی افتاده که خروج از آن زمانبر است». وی مانند ولی فقیه، هزینه خروج اقتصاد از چاله را بر دوش مردم گذاشت و «مردم را به تحمل و صبر» دعوت کرد. وی صریحاً اعتراف کرد که دولت نتوانسته «سطح رفاه مردم را به قبل از سال ۹۰ بازگرداند».

ایران با داشتن منابع طبیعی نفت و گاز در رتبه ۹۱ فهرست کشورهایی که بیشترین گرسنگان را دارد، قرار دارد. بر اساس خبر درج شده در سایت رادیو آلمان به تاریخ ۲۶ مهر سال جاری، در اطلس «موسسه آلمانی کمک به گرسنگان جهان» در اکتبر ۲۰۱۶، فهرستی از کشورهایی که بیشترین آسیب را از گرسنگی دیده اند منتشر شده است. این موسسه کشور ایران را در رتبه ۹۱ از نظر میزان گرسنگی مردم به ثبت رسانده است.

معاون اول روحانی در روز سه شنبه ۱۳ مهر گفت: «بیش از ۱۰ هزار واحد صنعتی در سراسر کشور با استفاده از تسهیلات بانکی از وضعیت رکود خارج شده اند». بخش عظیمی از تعطیلی واحدهای تولیدی در روند خصوصی سازی، و به بیان دقیق تر شبه دولتی (خصولتی) شدن انجام گرفته است. واحدهای تولیدی دولتی که به رانت خواران، آقازاده ها و خودیها با ارزانترین قیمت سپرده شد که بسیاری از این واحدها پس از مدتی تعطیل شدند. در سیستم بانکی و فساد اداری و مالی جمهوری اسلامی، معلوم است که چه کسانی استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی هستند و خواهند بود. اسامی برخی از آنها در اختلافهای جناحی از تاریکخانه اشباح به بیرون درز کرده است. راهبرد مورد نظر معاون روحانی، همچنان به روند نابودی واحدهای تولیدی کمک خواهد کرد. از سویی دیگر، نرخ افزایش بیکاری این ادعای کارگزار دولت روحانی را بی معنا می کند.

جلالی رئیس مرکز پژوهشهای مجلس رژیم گفت: «تا سال ۱۴۰۰ افراد بیکار به ۱۱ میلیون نفر می رسد». وی تاکید کرد که بیکاری «در برخی از قشرهای جنسی، سنی و قومیتی در حدود ۵۰ درصد است» (مشرق - چهارشنبه ۷ مهر) بنا به گزارش ایلنا دوشنبه ۱۲ مهر؛ بر اساس سالنامه آماری سازمان تامین اجتماعی «فقط ۷ درصد از بیکاران کشور بیمه بیکاری می گیرند.» می توان تصور کرد که رشد بیکاری و عدم برخورداری از بیمه های اجتماعی چه تعداد از نیروی کار را به سمت خانه خرابی و نیستی سوق می دهد.

ارائه آمار واقعی از طرف منابع رسمی در جمهوری اسلامی امری رایج نیست و بر همین مبنا آمارهای گوناگون در مورد بیکاری ارائه می شود. اما همین آمارهای ارائه شده از لابلای مجادلات جناحی و با رسانه های حکومتی از یک سونامی بیکاری حکایت می کند که زنان پیشقراولان آن هستند.

به عنوان مثال، خبرگزاری حکومتی تسنیم در تاریخ ۱۷ مهر، گزارشی از آمار مرکز ایران در مورد نرخ بیکاری داده است. بر اساس این گزارش «جمعیت بیکار کشور از ۲ میلیون و ۶۴۷ هزار نفر در بهار پارسال به ۳ میلیون و ۱۴۹ هزار نفر در بهار

سال ۹۵ افزایش یافته است که از رشد ۱۹ درصدی شمار رسمی بیکاران خبر می دهد. بر اساس این داده آماری، یک ساعت کار در هفته شاغل به حساب می آید.

یکی از آسیبهای اجتماعی در پی افزایش بیکاری، نبود چشم انداز و بحران اقتصادی، افزایش خودکشی به ویژه در میان جوانان و زنان است. خودکشی تبدیل به یک سونامی در ایران شده است.

رئیس اورژانس اجتماعی رژیم در روز سه شنبه ۳۰ شهریور اعلام کرد که در سال ۹۴، ۴ هزار و ۲۰ نفر در اثر خودکشی جان شان را از دست داده اند. وی بیشترین بخش این آمار را متعلق به افراد بین ۱۵ تا ۲۰ سال اعلام کرد. رئیس اورژانس گفت که در کشورهای آمریکایی و اروپایی بیشتر افراد در سنین بالا دست به خودکشی می زنند در حالی که در ایران بیشترین خودکشی در میان جوانان است.

دومین خصوصی سازی بزرگ سال جاری، افزایش بیکار سازی کارگران

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۲ مهر

نزدیک به سه دهه است که رژیم جمهوری اسلامی سیاست خصوصی سازی را در تابعیت از نو - لیبرالیسم اقتصادی که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول آن را در سطح جهانی هدایت می کنند، دنبال می کند. سیاست واگذاری اموال ملی، کارخانه ها و شرکتها و مراکز تولیدی از رفسنجانی تا خاتمی و احمدی نژاد و اکنون روحانی همچنان بی وقفه تداوم و گسترش یافته و اکنون یکی از عامل عمده فساد و رانت خواری و از سوی دیگر بیکاری و فقر کارگران و زحمتکشان ایرانی به حساب می آید. جعفر سبحانی، مشاور رییس سازمان خصوصی سازی، برگزاری دومین مزایده بزرگ سال جاری را که شامل حراج ۹ بنگاه و شرکت می شود، اعلام کرد.

خصوصی سازی به ویژه در شهرستانها که با بیشترین معضل بیکاری روبرو هستند، آثار وخیم تری به جا می گذارد و با این حال کماکان به جلو برده می شود و حتی تشدید شده است. این بار هم در حراج بزرگ سال، موسسات دولتی در شهرستانها هدف قرار گرفته اند که شامل چهار کشتارگاه در شهرهای اقلید (فارس)، یاسوج (کهگیلویه و بویراحمد)، ایلام و جونقان (شهرکرد)، شرکت بزرگ نساجی قائمشهر، مجتمع صنعتی اسفراین، شرکت لوله گستر اسفراین و شرکت پالایش پارسین سپهر می باشند.

یک علت خصوصی سازی همان بحران اقتصادی است که چون دولتهای جمهوری اسلامی توانایی بروز کردن و مدرن سازی صنعت کشور را ندارند، از زیر بار حمایت تولید داخلی شانه خالی می کنند، موسسات و بنگاه های اقتصادی را به حراج گذاشته و آنها را به نهادها و اشخاصی می سپارند که بتوانند از آن سودجویی کنند.

نتیجه آنکه، خریداران یا اعلام ورشکستگی می کنند و از چرخه تولید خارج می شوند، یا مرکز تولید را تعطیل و با فروش زمینهای آن و ساختمان سازی به سودهای کلان دست می یابند. روش متداول دیگر کسب سود از موسسات خصوصی سازی شده، فشار بر کارگران برای پایین آوردن هزینه تولید از طریق اخراج کارگران، ایجاد شرایط سخت و مشقت بار کاری، حذف هزینه های رفاهی، بهداشتی و ایمنی و به روز سیاه نشاندن کارگران در هنگام بیکاری و بازنشستگی است. دولت به بهانه خصوصی سازی در قبال این دسته از کارکنان هیچ مسوولیتی را به عهده نمی گیرد.

این اقدام خیانتکارانه که دست فاسدان و تبهکاران اقتصادی و سودجویان تجاری را به روی کار و زندگی کارگران و زحمتکشان کشور باز می کند، با اعتراضات آنها روبرو خواهد شد. اعتراضات و اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر معدن بافق یزد نمونه بارزی از بیشمار اعتراضات کارگران ایران علیه بیکار سازی به نام خصوصی سازی می باشد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

سیمای اقتصاد مقاومتی در فاجعه شبکه فاضلاب

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۲۳ مهر

بازبینی معضل شبکه فاضلاب، خبر ریزش چند باره زمین در تهران و مرگ دو نفر در پی آن و افزایش چاله های زمینی در برخی از استانها و نداشتن بودجه برای حل آن، بدهکاری برای خرید کتاب و نیز تحویل موشکهای اس - ۳۰۰ به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار از طرف روسیه به رژیم، نمایی از یک حکومت فاسد، چپاولگر، جنگ طلب و متجاوز به حقوق مردم ایران و منطقه را نشان می دهد.

مدیر کل منابع طبیعی استان فارس از افزایش چاله ها در این استان و خسارات آن به کشاورزان و ساکنان این استان حرف می زند و می گوید: «جولوگیری از ادامه نابودی منابع آبهای زیرزمینی استان فارس نیازمند دست کم ۶۵۰ میلیارد تومان بودجه اختصاصی است.» بنا به اظهارات وی دستگاههای اجرایی «طی سالهای اخیر با کمبود دائمی بودجه روبرو بوده اند.» گفته های مدیر دفتر نظارت بر بهره برداری از طرحهای فاضلاب وزارت نیرو، عمق منجلاب حکومت فاسد را برملا می کند.

بهنام وکیلی، روز چهارشنبه ۲۱ مهر در رابطه با مشکل تاسیسات فاضلاب گفت: «به طور متوسط حدود ۴۴,۵ درصد جمعیت شهری در ایران تحت پوشش تاسیسات فاضلاب هستند» (خبرگزاری حکومتی مهر ۲۱ مهر ماه) روستاهایی که اصلا از این تاسیسات بهره ای نبرده اند در این آمارها به حساب نمی آیند. می توان تصور کرد که اگر سیاست افزایش جمعیتی ولی فقیه ارتجاع پیش رود، مردم با چه فاجعه غیر بهداشتی روبرو خواهند شد.

به دنبال تهدید خانواده های دانش آموزان کتک خورده در استان کرمان و تکذیب آن از طرف آموزش و پرورش، مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان از عدم پرداخت پول کتاب درسی توسط چهار هزار دانش آموز در سال تحصیلی جاری خبر داد. وی همچنین از بدهکاری ۱۰۰ میلیون تومانی مدیران مدارس این مناطق جهت پول کتاب به شرکت چاپ و نشر کتاب صحبت کرد. البته وی از خیرانی هم صحبت کرد که برای پول کتاب به دانش آموزان کمک کرده اند. پس کتک زدن دانش آموزان جهت بدهکاری پول کتاب و شهریه بر اساس قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی قابل تکذیب نمی تواند باشد. رژیم که برای فاجعه فاضلاب و کتاب دانش آموزان بودجه اختصاص نمی دهد، پول مردم را صرف خرید تسلیحات می کند. بر اساس قراردادی که بین رژیم ایران و روسیه منعقد شده است، مسکو متعهد شده بود که ۵ سامانه دفاع موشکی میان برد اس - ۳۰۰ به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار به رژیم تحویل دهد. سرانجام به گزارش خبرگزاریها، روسیه اعلام کرد که سامانه دفاعی فوق را به طور کامل به رژیم تحویل داده است.

منتشر شد

زیر محک زمان

قطعه نامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا
(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو.....هزینه پستی ۲ یورو



اسلام هراسی و دین ستیزی برخورد "تبعیض گرانه" راست و "انقلابی نماهای" چپ

لیلا جدیدی

اسلام هراسی یا اسلاموفوبیا و رفتار ناعادلانه ای که در سالهای اخیر در اروپا و آمریکا علیه مسلمانان که مانند بخشهای دیگر این جوامع به کار و تلاش و زندگی روزانه خود می پردازند، گرایشی نفرت آفرین، متعصبانه و نقض حقوق بشر است. از سوی دیگر، رویکرد برخی از مدعیان چپ و سوسیالیست علیه مذهب آن طور که لنین و انگلس بارها و به تفصیل توضیح داده اند، آنارشیستی و در تضاد با آموزشهای مارکسیسم است. در سالهای اخیر خشونت علیه مردم مسلمان و تحقیر و آزار آنان همچنان در حال گسترش بوده است. سال ۲۰۱۶ بی سابقه ترین اوج این روند را شاهد بوده.

گروهها و دولتهای ارتجاعی و حامیان امپریالیستی آنان که برای دستیابی به ثروت و قدرت و سود و سرمایه بر غرایز بدوی موجود در جامعه و عوامفریبی تکیه زده اند، به این رفتار تنفر آمیز دامن می زنند و به موازات آنها، جریانهای راست و نژادپرست با آزار و تحقیر مسلمانان، مَبْلَغ خصومت، تبعیض و خشونت علیه آنان هستند. همزمان از موضعی دیگر، برخی از مدعیان چپ به جای تمرکز بر مبارزه طبقاتی و رهایی بخش جهت محو بنیادگرایی و تروریسم کور مذهبی، به ستیزه ورزی و مرزبندی با اسلام روی آورده اند. در این نوشتار به طور مختصر به هر دو جبهه اسلام هراسی و دین ستیزی پرداخته می شود.

اسلام هراسی، برخورد تبعیض گرایانه راست در آمریکا و اروپا

برخی از محققان علت رفتار خشونت آمیز و تبعیض گرایانه در جوامع اروپایی و آمریکایی را نژادپرستی فرهنگی توصیف کرده اند. در آمریکا، از تازه ترین نمونه ها انتخابات ریاست جمهوری و برخی از گفته های دونالد ترامپ علیه مسلمانان



است که جریانهای راست و فاشیستی را علیه مسلمانان ساکن آمریکا به صحنه کشانده، به طوری که حتی پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر نیز چنین موج دشمنانه ای وجود نداشته است.

از جمله، در ایالت جورجیا، گروههای راست و مسلح، صدها مسلمان اهل سومالی را که در یک منطقه زندگی می کنند، مورد تهدید مسلحانه و آزار قرار داده اند. آنها مردم را تهدید به بمب گذاری و خراب کردن خانه و کاشانه بر سرشان می کنند.

گروه دیگری به نام "۳ درصدیها" نیز در شهر کانزاس که اکثریت جمعیت آن از ترامپ طرفداری می کنند، به تهدید مسلمانان و اذیت و آزار و تحقیر زنان و به آتش کشیدن لباس آنان دست زده اند. این گروه ادعا می کند تنها ۳ درصد در جنگهای انقلابی آمریکا علیه انگلیس جنگیدند و پیروز شدند.

این تنها دو نمونه از بیشمار رفتارهای متعصبانه دیگر مانند تبعیض در محل کار، مدرسه، دانشگاه و کوچه و خیابان در آمریکای شمالی است.

در اروپا، به ویژه در فرانسه، دهها سال است که مسلمانان مورد تبعیض قرار گرفته اند. اگر چه شدت آن در دوره های گوناگون متغیر بوده، اما با تهاجم مسلمانان بنیادگرا در پاریس در ماههای ژانویه و نوامبر سال پیش و در "نیس" و "لیون" در سال جاری به اوج رسیده است. مجله "ژاکوبین" در این باره به ۳۵۰۰ مورد حمله به خانواده ها و افراد مسلمان اشاره کرده است.

همچنین، در ماه مه سال جاری در اولین گزارش تهیه شده به پارلمان اتحادیه اروپا پیرامون اسلاموفوبیا، این پدیده در ۲۵ کشور عضو اتحادیه مزبور "هولناک" توصیف شده است. این گزارش حاکی از آن است که اسلام هراسی در سال ۲۰۱۵ و پس از حمله به مجله فکاهی "شارلی ابدو"، پانصد برابر شده و ۷۵ درصد آن متوجه زنان مسلمان که پوشش آنان هویت شان را آشکار می سازد، بوده است.

اکنون ما در قرن بیست و یکم می بینیم که در اروپای متمدن، با پرتاب سر خوک یا حتی نارنجک در یک مسجد، حمله به زن مسلمانی که روسری به سر دارد، تظاهرات علیه ساخت یک مسجد و یا در برابر سوپرمارکتی که مواد غذایی حلال می فروشند، مسلمانان به طور روزانه مورد آزار قرار می گیرند.

این موج نفرت با این استدلال که آزار یک زن مسلمان را نمی شود با حملات مرگبار مسلمانان در پاریس و آلمان و غیره مقایسه کرد، کم اهمیت جلوه داده می شود. توجیه می شود: "پرتاب سر خوک در مسجد در حالی که بسیار احمقانه است، قابل مقایسه با سر انسانها بر چوب دار داعش نیست." توجیه گران به این امر بدیهی توجه نمی کنند که آن زن مسلمان مسوول جنایتهای داعش نیست و اگر هم فرد مسلمان یا غیر مسلمانی اعمال جنایتکارانه بنیادگرایان مذهبی را تبلیغ و ترویج کند، بی شک باید مورد تعقیب قانونی قرار گیرد و نه اینکه آماج یورش افراد و دستجات خودسر قرار گیرد. مسلمانانی که اقدام به درخواست پناهندگی کرده اند، وضعیت بدتری داشته اند. نمونه ای از آن تصمیم اتحادیه اروپا به سپردن سرنوشت پناهجویان به دست حکومت ترکیه و یا انتقال پناهندگان از جزایر یونان به این کشور است.

اما اسلام هراسی پیش از جنایتهای تروریستی نیز وجود داشته. برای نمونه در کشورهایی مانند مجارستان و لیتوانی که دارای اقلیت کوچکی از مسلمانان هستند، اسلام هراسی همواره ابزار سیاسی موفق برای بسیج توده ها بوده است. دستگاه سیاسی در این کشورها تبلیغ می کند که مسلمان به طور عام جنایتکار و خشن هستند، اگر چه آمار جرم و جنایت خلاف آن را به اثبات می رساند.

آنچنان که روشن است، اسلام هراسی با سیاستهای امپریالیستی گره خورده و همچنان در حال گسترش است. این نه تنها در خیابانها و در دل جامعه، بلکه درون پارلمانهای اروپایی و بین سیاستمداران آمریکایی نیز رایج است.

دین ستیزی، برخورد خودمدارانه عده ای از "چپ" ها

"مذهب افیون توده هاست"، مارکس اگرچه مذهب را اینگونه توصیف کرده، اما همچنین توضیح داده است که "این به معنی سرکوب معتادان نیست، بلکه پایان دادن به روابطی است که بین فروشندگان و صاحبان قدرت وجود دارد تا از این راه از غالب شدن افیون بر اذهان جلوگیری شود".

در جامعه ما در داخل و یا خارج از ایران، افراد و نیروهایی هستند که با وجود اینکه ادعای کمونیست یا مترقی بودن دارند، به ستیز با باورهای مردم از راه تمسخر و تحقیر و دشمنی با آن پرداخته اند. از این همین رو، مرور آموزه های مارکس و انگلس در رابطه با برخورد با مذهب ضروری به نظر می رسد. در این نوشتار به بخشهایی از مقاله ای که لنین در نشریه "پرولتری" به تفصیل پیرامون مبحث "سوسیالیسم و مذهب" و روش حزب کارگران به مذهب نوشته است، می پردازیم.

لنین در رد قطعی مذهب می گوید: "مذهب افیون جامعه است". این گفته مارکس سنگ بنای تمام فلسفه مارکسیسم در مورد مذهب است. مارکسیسم همواره به تمام مذاهب و کلیساهای مدرن و همه سازمانهای مذهبی به مثابه ابزار بورژوازی ارتجاعی که قصدش دفاع از استثمار به وسیله تخریب طبقه کارگر است، می نگریسته. او همزمان اما برداشت عامیانه از این نظرگاه را نقد می کند و می افزاید: "انگلس به کرات آنها را که می خواهند از سوسیال دموکراسی "بیشتر انقلابی" باشند و تلاش می کنند آنتیسم را در برنامه حزب کارگران بگنجانند و یا به عکس، آنها را که کوشش می کردند علیه مذهب اعلام جنگ کنند را محکوم می کند."



لنین همچنین به نقد انگلس از بلانکیستها در باره برخورد با مذهب اشاره کرده است: "انگلس اعلامیه پر سر و صدای بلانکیستها (فراریان کمون) مبنی بر جنگ علیه مذهب را بی معنی خوانده و گفته است چنین اعلام جنگی بهترین وسیله برای احیای علاقه نسبت به مذهب و جلوگیری از محو تدریجی آن است. انگلس، بلانکیستها را به خاطر عدم درک این موضوع محکوم می کند.

وی می گوید که تنها مبارزه طبقه کارگر و درگیر کردن وسیع ترین اقشار پرولتری در تمام اشکال آگاهانه و انقلابی عمل اجتماعی خواهد توانست توده های تحت ستم را از زیر یوغ مذهب رها سازد. حال آنکه اعلام جنگ علیه مذهب صرفاً یک ژست آنارشیستی است."

لنین در این مقاله به "انقلابی نمایی" اشاره کرده و می گوید: "انگلس در آنتی دورینگ درحالی که به هر امتیاز کوچکی که دورینگ به ایده آلیسم و مذهب می داد اعتراض می کرد، اعتقاد انقلابی نمایانه دورینگ را که مذهب در جامعه سوسیالیستی باید ممنوع شود را هم با همان قاطعیت رد می کرد."

لنین توضیح می دهد: "به گفته انگلس اعلام چنین جنگی علیه مذهب به مفهوم "بیش از بیسمارک بیسمارکیست بودن؛ است؛ یعنی تکرار مجدد حماقت مبارزه بیسمارکیستی علیه روحانیت. وی بدین وسیله کاتولیکها را تقویت نمود و آموزش فرهنگی واقعی را تخریب کرد. او به جناح بندی مذهبی به جای جناح بندی سیاسی رو کرد و بدین وسیله بخشی از طبقه کارگر را از وظایف مبرم مبارزه طبقاتی و انقلابی به وظایف بسیار سطحی و ساختگی بورژوازی کشانده و منحرف کرد. انگلس "دورینگ ماورای انقلابی" را به دلیل اینکه مزخرفات بیسمارک را در شکل دیگری تکرار می کند، مورد سرزنش قرار می دهد. انگلس اصرار دارد که حزب کارگران وظیفه متشکل ساختن و آموزش کارگران را در مبارزه طبقاتی در پیش بگیرد و از این راه مذهب به تدریج کنار گذاشته می شود. باید از در افتادن با هر گونه جنگ سیاسی ماجراجویانه علیه مذهب خودداری کرد."

در بخشی دیگر از این مقاله آمده است: "مارکسیسم ماتریالیست است. بنابراین به طور خستگی ناپذیر با مذهب مخالفت می ورزد. همانگونه که ماتریالیسم انحلال طلبان قرن هیجده یا ماتریالیسم فویرباخ چنین بود. اما ماتریالیسم دیالکتیک مارکس و انگلس از این دو فراتر می رود، آنها فلسفه ماتریالیستی را در میدان تاریخ و در عرصه علوم اجتماعی به کار می برند. ما باید علیه مذهب مبارزه کنیم، این الفبای تمام ماتریالیسم و در نتیجه مارکسیسم است. ولی مارکسیسم ماتریالیستی نیست که به الفبا اکتفا کند. مارکسیسم از آن نیز فراتر می رود. ما باید با مذهب مبارزه کنیم و جهت چنین کاری باید از دیدگاه ماتریالیستی توضیح دهیم که مبارزه علیه مذهب نباید به موعظه ایدئولوژی تجریدی محدود باشد یا تنزل یابد. این مبارزه باید با جنبش عملی مشخص طبقه کارگر پیوند داشته باشد و هدف آن نفی ریشه های اجتماعی مذهب باشد.

بنابراین سر دادن شعار "مرگ بر مذهب" و "زنده باد بی مذهبی" وظیفه مرکزی ما نیست. و مارکسیست‌ها می گویند چنین درکی بیان محدودیتهای سطحی فرهنگ بورژوازی و محدودیت اهداف آن است و ریشه های مذهب را نه به طریق ماتریالیستی، بلکه ایده آلیستی توضیح می دهد.

در مجموع لنین نفی مذهب را از کانال "تکامل دادن مبارزه طبقاتی توده های استثمار شده علیه استثمارگران" واقعی می داند. وی تاکید می کند: "این تصور که در جامعه ای که بر پایه سرکوب بی پایان و تقلیل شرایط توده های کارگر بنا گردیده، می توان تعصبات مذهبی را با شیوه های صرفا ترویجی کنار زد ابلهانه است. فراموش کردن اینکه یوغ مذهب بر دوش بشریت تنها محصول و انعکاس یوغ اقتصاد درون جامعه است، تنگ نظری بورژوایی است. هر چقدر جزوه چاپ کنیم و موعظه کنیم، پرولتاریا را نمی توان روشن ساخت، او فقط با مبارزه خودش علیه نیروهای سیاه سرمایه داری، روشن می شود."

او تاکید می کند: "یک مارکسیست باید ماتریالیست یعنی دشمن مذهب باشد. اما یک ماتریالیست دیالکتیک گرا مبارزه علیه مذهب را انتزاعی و بر اساس یک تبلیغ آبستره و صرفا نظری که همواره یکسان باشد انجام نمی دهد، بلکه آن را به طور مشخص بر پایه مبارزه طبقاتی که در عالم واقعیت توده ها را بیشتر و بهتر آموزش می دهد، پیش ببرد. یک مارکسیست باید بتواند موقعیتهای را بشناسد و همواره مرز با آنارشیسم و اپورتونیسم را تشخیص دهد (این مرز نسبی، متحرک و تغییر پذیر است)."

آنچه سوسیالیست‌ها باید بدان تمرکز داشته باشند و بر آن پافشاری کنند، اعلام مذهب به عنوان یک امر خصوصی است. لنین در جای دیگری از این نوشته تاکید می کند که این موضوع باید به طور دقیقی تعریف شود تا از هر گونه سوءتفاهمی جلوگیری شود. وی می گوید: "تا جایی که به دولت مربوط می شود، مذهب یک امر خصوصی است. اما آنجا که به حزب ما مربوط می شود، امری خصوصی نیست. مذهب نباید به دولت ربط داشته باشد و جامعه مذهبی نباید هیچگونه ارتباطی با مراجع حکومتی داشته باشد. همه کس باید مطلقا آزاد باشد تا هر مذهبی که مایل است داشته باشد و هیچگونه تبعیضی بین او و خدانشناسان نباید قایل شد. حتی ذکر تعلق مذهبی در اسناد رسمی باید حذف شود. هیچگونه کمکی نباید به مراکز رسمی مذهبی پرداخت شود و همینطور امتیازات دولتی به جامعه مذهبی و روحانی نباید تعلق گیرد. آنها باید اجتماعات به طور مطلق آزاد و مستقل از دولت را داشته باشند."

در همین زمینه، انگلس نیز در نقد برنامه حزب سوسیال دمکرات آلمان فرمول زیر را پیشنهاد کرده است: "جدایی کامل کلیسا از دولت. رفتار دولت با همه جوامع و گرایشهای مذهبی بدون استثنا باید همچون رفتار آن با انجمنهای خصوصی باشد. آنها نباید کمکی از منابع دولتی دریافت کنند و باید به نفوذ آنها در آموزش و پرورش پایان داده شود."

وظایف چه در برابر مذهب مشخص است. مبارزه برای گسترش مبارزه طبقاتی، حمایت از آزادیهای فردی و همزمان حذف باورهای مذهبی از امور دولتی.

چه وظیفه دارد مردم ایران را که سالها از حکومت استبدادی - مذهبی فاسد و ورشکسته جمهوری اسلامی رنج برده اند، در مبارزه برای دمکراسی و سکولاریسم همراهی کرده و خود نمونه ای علیه رفتار متعصبانه و تبعیض گرایانه نسبت به ادیان، دگراندیشان و ملیتها باشد.

چه باید با ریشه های اجتماعی و طبقاتی خرافات، فساد و تبعیض به وسیله تلاش بی وقفه برای پایان دادن به فشارهای اقتصادی و سیاسی و نقض حقوق بشر مبارزه کند.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

مقدس یا کثیف؟

امید برهانی



آخرین روز شهریور و روزهای آغازین مهر ۱۳۵۸ آسمان دستکم ۱۰ شهر ایران شاهد حمله و حضور هواپیماهای ارتش عراق شد که فرودگاهها و مکانهای نظامی و صنعتی را هدف گرفته بودند. این آغاز یک جنگ رسمی و کلاسیک بین یک قلدر نظامی منتظر فرصت و یک ارتجاع منتظر صدور بود که هر دو کشور را به خاک سپاه نشاند و ژئوپولیتیک منطقه را تا به امروز به کانون دستکم دو جنگ خارجی دیگر، دو جنگ داخلی و گسترش سکتاریسم مذهبی، خشونت و تروریسم تغییر داد. نوشته حاضر نگاهی دارد به تاریخ این جنگ.

جنگ عراق با ایران که از سوی رژیم ایران با "جنگ تحمیلی" یا "دفاع مقدس" و در زمان صدام در عراق با نام "قادسیه صدام" نامیده شد، طولانی ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین

جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیریهای پراکنده مرزی دو کشور با یورش همزمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها، به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد؛ هرچند مقامات عراقی معتقد بودند که جنگ از ۴ سپتامبر با حملات توپخانه ای ایران به شهرهای مرزی عراق آغاز شده است.

قرارداد: میراث سگهای زرد برای شغال

پیمان ۱۹۷۵ الجزایر میراثی برای خمینی و جمهوری ابداعی او از دو شخصیت مورد تنفر وی بود، یکی شاه که خمینی دستکم از خرداد ۱۳۴۲ با او در ستیز بود و دیگری صدام که حتی تبعید خمینی در نجف را هم تحمل نکرد و سرانجام وی را از عراق بیرون راند.



ششمین اجلاس رهبران جنبش عدم تعهد که یک سازمان برآمده از جنگ سرد بود و اعضای آن را کشورهای مستقل تشکیل می دادند، از

سوم تا هفتم اکتبر ۱۹۷۹ در کوبا نزدیک می شد، ولی موضع دولت موقت در برابر عهدنامه در جریان دیدار وزیر خارجه آن با صدام و هیات حاکمه عراق معلوم و مشخص نبود.

مقامهای عراق که با نگرانی از تاثیر انقلاب ایران بر شیعیان عراقی، تحولات کشور همسایه خود را دنبال می کردند، به دنبال گرفتن نظر رژیم ایران درباره عهدنامه بودند.

حدود پنج سال پس از امضای این عهدنامه و کمتر از یک سال پس از دیدار صدام حسین با وزیر خارجه موقت ایران، نگرانیها درباره نیت صدام حسین و حزب بعث به واقعیت پیوست.

صدام حسین مدعی بود که نظام بعثی از همان ابتدای انعقاد قرارداد مرزی ۱۹۷۵ در زمان شاه، خود را زیان خورده می دیده است. به نظر می رسد که باور عمومی در میان مقامات عراق این بود که پس از انقلاب، ایران دچار ضعف شده و برای عراق فرصت مناسبی فراهم آورده تا توازن قبلی قوا در خلیج فارس را با یک حمله نظامی برهم زده و همزمان راه حل جدیدی برای مشکلات عراق با شیعیان جنوب و کردهای شمال این کشور جلوی پای آنان بگذارد.

آغاز تنش

پیش از آغاز جنگ، روابط دو کشور به شدت تیره شده بود که خصومت شخصی صدام حسین و خمینی و مهمتر از آن، جاه طلبیهای سیاسی و اختلافات مرزی و ایدیولوژیکی دو کشور دلایل اصلی آن بودند.

پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷، عراق برخی ناآرامیهای سیاسی را زیر سر سید محمد باقر صدر و با حمایت و تشویق ایران می دانست. صدام حسین، از وجود یک رژیم مذهبی شیعه در مرزهای شرقی خود احساس خوبی نداشت. رهبران ایران نیز به طور رسمی اعلام می کردند که به سیاست صدور انقلاب ایران به سایر کشورها می اندیشند. خمینی معتقد به صدور انقلاب اسلامی به دیگر ملل بود و در نخستین سالگرد به قدرت رسیدن خود (۲۲ بهمن ۱۳۵۸) اظهار داشت: "ما انقلاب مان را به تمام جهان صادر می کنیم."

همچنین او در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ در پیامی که درباره قطع رابطه آمریکا با ایران داد، به حکومت عراق اشاره کرد و گفت: "صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهره قبیح غیراسلامی و انسانی خود را نشان داده و به هدم اسلام و حوزه مقدسه نجف کمر بسته و با مسلمانان مظلوم برای رضای کارتر آن کند که مغول کرد و با علمای اسلام خصوصاً حضرت آیت الله آقای سید محمد باقر صدر آن کند که رضاخان و محمد رضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بداند که

با این اعمال ضد اسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی غیرانسانی و غیر قانونی بعث را با دست خود می کند."

کمی بعد در ۲۸ فروردین ۱۳۵۹، خمینی در جمع فرماندهان بسیج، ارتش عراق را به کودتا علیه صدام تشویق کرد و در پیامی که به مناسبت کشته شدن سید محمد باقر صدر منتشر کرد، بار دیگر مردم و ارتش عراق را به قیام علیه صدام حسین فراخواند.



عراق مدعی بود که وارد یک جنگ دفاعی شده و از

حق مشروع خود برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی و بازپس گیری اراضی اش با توسل به زور استفاده می کند. عراقیها معتقد بودند که حکومت ایران تمام راههای حل مسالمت آمیز اختلافات دو کشور را مسدود کرده است. عراق پیش از آغاز یورش، بارها ایران را به اقدامات تجاوزگرانه و دخالت در امور داخلی خود از جمله حمایت از حزب غیرقانونی الدعوه کرد.

رهبران ایران هم در بخش عربی رادیو دولتی این کشور به بدگویی شدید از حکومت بعث عراق پرداخته و آن را یک حکومت ضد اسلامی و دست نشانده قدرتهای امپریالیستی معرفی می کردند. حکومت عراق متهم می شد که به اقدامات تجاوزگرانه از جمله حمایت علنی از شورشیان جدایی خواه در خوزستان و قول کمک به آنها برای آزادی "عربستان"، نامی که حکومت عراق بر این استان نهاده بود، می دهد. دریادار احمد مدنی، استاندار وقت خوزستان، گفته بود که عراق برای شورشیان سلاح ارسال می کند. در چندین مورد حتی نیروهای عراق حملاتی را به شهرهای مرزی ایران ترتیب دادند که یکی از آنها یورش به شهری در کردستان ایران در ژوئن ۱۹۷۹ و دیگری به شهر صالح آباد در جنوب بود که چندین کشته به جا گذاشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۰ (زمستان ۵۸ و بهار ۵۹) چندین درگیری مرزی دیگر هم بین دو کشور رخ داد.

چگونه گذشت؟

جنگ ایران و عراق از لحاظ استراتژیک یکی از مهمترین برخوردهای نظامی دوران معاصر بود که منافع تقریباً همه کشورهای جهان را بدون استثنا تهدید کرد و تاثیر مستقیم بر کشورهای گدازشت که بیشترین ذخایر نفتی جهان را داشتند. در طول جنگ ثابت شد که پیروزی هر یک از دو کشور، ایران یا عراق، موجب برهم خوردن ثبات و توازن قوا در

منطقه خواهد شد. به همین دلیل ابرقدرتها کوشیدند تا هیچکدام از آن دو پیروز نشوند و هر دو را با زخمهایی عمیق و طولانی رها کنند.

اتحاد شوروی یکی از دو ابرقدرت آن دوران، از سال ۱۹۸۰ تامین نظامی هر دو کشور را متوقف کرده بود، اما از سال ۱۹۸۲ به منبع اصلی عراق برای خرید سلاحهای پیشرفته تبدیل شد. آمریکا نیز در سال ۱۹۸۵ در جریان مذاکراتی پنهانی اقدام به فروش سلاح به ایران کرد. ایالات متحده آمریکا در اواخر جنگ به شکل مستقیم وارد درگیری با ایران شد. از سوی دیگر کشورهای سوریه، کره شمالی و لیبی نیز از ایران حمایت تسلیحاتی و تکنولوژیکی کردند.

از بعد نظامی عراق با استفاده از عنصر غافلگیری در ابتدای جنگ موفق شد بخشهایی از خاک ایران از جمله شهر خرمشهر را اشغال نماید. ایران در سالهای دوم و سوم جنگ موفق شد بیشتر مناطق اشغالی از جمله خرمشهر را آزاد نماید و از سال ۱۹۸۴ جنگ را به داخل خاک عراق کشاند. ایران در فوریه ۱۹۸۶ موفق به تصرف فاو، یکی از مهمترین بنادر صدور نفت عراق، شد و در ۸ ژانویه ۱۹۸۷، عملیات "کربلای ۵" را برای تصرف بصره، دومین شهر بزرگ، عراق به انجام رساند که در جریان آن ۶۵ هزار سرباز ایرانی و ۲۰ هزار سرباز عراقی کشته شدند. ایران در ۲۶ فوریه این عملیات را متوقف کرد و در شرایطی که بن بست نظامی در جبهه جنوبی جنگ کامل شده بود، جنگ نفتکشها با حملات دو طرف به سوی کشتیهای غیرنظامی در خلیج فارس به اوج خود رسید.

کشتیهای کویتی یکی از اهداف مورد علاقه رژیم ایران بود. حملات نیروهای ایران به نفتکشهای شوروی و آمریکا که در خدمت دولت کویت بودند و حمله غافلگیرانه یک جنگنده عراقی به کشتی جنگی آمریکایی که به آسیب شدید ناوچه "یو اس اس استارک" و مرگ ۳۷ سرباز آمریکایی انجامید، کشتیرانی بین المللی را در معرض خطر قرار داده و زمینه مداخله بیشتر هر دو ابرقدرت را فراهم کرد، به طوری که هر دو از قطعنامه های شورای امنیت که از دو طرف درخواست آتش بس داشت، حمایت کردند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در کل ۸ قطعنامه در این رابطه صادر نمود که همگی به جز قطعنامه ۵۹۸، توسط ایران رد شد. جنگ در نهایت پس از حدود ۸ سال در مرداد ۱۳۶۷ با قبول آتش بس از سوی دو طرف و پس از به جا گذاشتن یک میلیون نفر تلفات و ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارات به دو کشور خاتمه یافت. مبادله اسیران جنگی بین دو کشور از سال ۱۳۶۹ آغاز شد. ایران آخرین گروه از اسرای جنگی عراقی را در سال ۱۳۸۱ به عراق تحویل داد.

فرجام

در روز ۲۷ تیر ۱۳۶۷ رژیم جمهوری اسلامی در حالی قطعنامه آتش بس را پذیرفت که توان اقتصادی کشور تحلیل رفته و آثار خستگی ناشی از جنگ فرسایشی آشکار شده بود. همچنین نیروهای عراقی حملات گسترده ای را در جبهه های زمینی آغاز کرده بودند و شهرها، مراکز اقتصادی، سکوهای نفتی و نفتکشها را زیر آتش حملات موشکی و هوایی قرار داده بودند. به گفته کارشناسان، افزایش توان نظامی نیروهای عراقی عامل مهمی در پذیرش قطعنامه از سوی رژیم ایران حساب می آید، اما نقش تعیین کننده در فرونشستن آتش جنگی را ناتوانی حکومت از بسیج منابع انسانی از یکسو و کاهش قدرت اقتصادی و فشار تحریم اقتصادی از سوی دیگر داشت که بعد از گذشت ربع قرن از آغاز آن، هنوز رژیم جمهوری اسلامی از ارایه تصویری روشن از عواقب و پیامدهای اقتصادی این دوره اکراه دارد.

آمار تلفات انسانی

بنا بر اطلاعات بعضی منابع، در این جنگ طرف ایرانی ۲۱۰ هزار کشته، ۴۰۰ هزار معلول، و ۱۰ هزار مفقودالثر داد. ۴۸ هزار ارتشی، ۸۵ هزار پاسدار و بسیجی، بیش از ۳۳ هزار دانش آموز، بیش از سه هزار و ۵۰۰ دانشجو، سه هزار و ۳۱۷ روحانی، ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی کشته شدند. افزون بر این، ۲ هزار تبعه خارجی که همراه نیروهای ایرانی می جنگیدند نیز در جنگ هشت ساله کشته شدند.

به گفته مجتبی جعفری، جانشین ریاست "بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای جنگ"، پنج میلیون ایرانی در جنگ شرکت داشتند که ۱۹۰ هزار نفر از آنان کشته و ۶۷۲ هزار نفر زخمی شدند. ۴۲ هزار نفر از نیروهای ایرانی هم به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. در مجموع ۲۱۷ هزار نیروی ارتش، ۲ میلیون و ۱۳۰ هزار بسیجی به همراه ۲۰۰ هزار نیروی سپاه پاسداران، شهربانی و ژاندارمری در جنگ شرکت داشتند.



میراث جنگ

در عراق، جنگ به تاکید بیشتر بر ناسیونالیسم عربی از نوع صدام حسینی دامن زد. در ایران افتاده به دست ارتجاع شیعی، جنگ بهانه ای برای مقابله با مخالفان داخلی، سرکوبی خواسته های اجتماعی، ضدیت ورزی با ایدیولوژی سنی و اسرائیل، تقویت تفکر "صدور انقلاب" و در حقیقت صدور بربریت و تروریسم و به عهده گرفتن نقش مادرخواندگی برای گروههای مذهبی آشوب طلب و جنگ افروز در منطقه شد.

در این جنگ، نه شیعیان عراقی از ایران و نه اعراب ایرانی از عراق حمایت کردند. در ایران، جنگ و تبلیغات حکومت در جهت پرت کردن اذهان عمومی از داخل به سمت مرزها شد و بهانه لازم برای سرکوب داخلی گروههای سیاسی مخالف و تمرکز قدرت سیاسی رژیم را فراهم کرد. همچنانکه در عراق نیز به ایجاد نوعی ماشین جنگی منجر شد که به عنوان بخشی از زندگی روزمره درآمدی بود. در عراق، تا زمانی که لزوم دفاع در مقابل ایران مطرح نبود، هیچ وحدتی در مورد علت جنگ وجود نداشت.

جنگ ایران و عراق تاثیر بسیار ژرفی بر خاورمیانه، به طور عام و منطقه خلیج فارس به طور خاص بر جای گذاشت؛ چرا که خسارات مالی و جانی آن تنها محدود به دو کشور ایران و عراق نبوده و سالها بعد، سیر تحولات ناشی از این جنگ، به جنگ و درگیریهای دیگری در کل منطقه کشیده شد. در واقع، پیروز نشدن صدام حسین در جنگ علیه ایران، وی را به نوعی تلاش برای کسب افتخار و پیروزی در مقابل کویت و سپس قدرتهای فرامنطقه‌ای سوق داد؛ تلاشی شکست آمیز که نتایج مخرب آن به ویژه خود او را در بر گرفت.

در نتیجه این جنگ حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس ابعاد بی سابقه ای یافت. ورود مستقیم و مجدد دولت آمریکا با نصب پرچم این کشور بر فراز نفتکشهای کویتی در سال ۱۹۸۷ آغاز شد. مداخله مزبور در همین حد باقی نماند و به اعزام بیش از ۵۰۰ هزار نیرو به خلیج فارس برای بیرون کردن عراق از کویت و سپس جنگ دوم با عراق و اشغال این کشور انجامید؛ تحولی که آغازگر انتشار تروریسم اسلامی و جنگهای فرقه ای و نیابتی در سراسر منطقه شد.

منابع:

- کتاب "میراث جنگ" به ویراستاری لارنس پاتر، گری سیک
- آرشیو بی بی سی
- تارنمای بازتاب
- آرشیو خبرگزاری فرانسه
- ویکی پدیا
- تارنمای بنیاد حفظ ارزشهای دفاع مقدس

ما نمی توانیم از جایمان تکان نخوریم و بلند نشویم

رهبر "مادران پلازا دی مایو" * (Madres de Plaza de Mayo) پیرامون واکنش مردم به تلاش برای دستگیری وی

آمریکا ۲۱

برگردان: بابک



چونان همیشه "هبه دی بونافینی" (Hebe de Bonafini) با ۸۷ سال سن ثابت کرد که شهامت اش را کمتر کسی دارد. این بار او را یک رویداد غیر منتظره سیاسی به واکنش واداشت. او در برابر رای دادگاه که وی را موظف می کرد از حق دفاعش استفاده کند، دست به مقاومت زد.

آری، احضار او توسط قاضی "مارچلو مارتینز دی جورجیو" برای استماع، مرحله ای از روند محاکمه است که به نفع متهمان اندیشیده شده است. علیه رییس "انجمن مادران میدان دی مایو" به اتهام کلاهبرداری در برنامه ساخت مسکن مشهور به "رویای تقسیم شده"، پرونده ای به جریان افتاده است.

او اعلام کرد حاضر به دادن بازپرسی نیست، چون قبلا بازپرسی شده و مدارک لازم را تحویل داده است. قاضی حکم جلب او را صادر کرد و پلیسهایی که گویی برای رفتن به جنگ تجهیز شده بودند، مامور اجرای آن در هنگامی گردیدند که مادران مانند هر پنجشنبه دیگر راهی میدان دی مایو می شدند؛ نقطه ای در دنیا که احساس می کنند در آنجا می توانند دختران و پسران گم شده شان را ملاقات کنند.

جمعیتی به طور خودجوش گردهم می آید که مادران را در میان خود می گیرد، فراری داده و به پلیس مرز عملیات افراطی اش را نشان می دهد. روز بعد، قاضی حکم خود را تعدیل کرد و موافقت کرد که از بونافینی در خانه اش بازپرسی کند. او در واکنش با یک کاروان بزرگ راهی شهر "مار دی پلاتا" (Mar de Plata) شد و در آنجا با ما گفتگو کرد: "من راضی هستم، نه به خاطر آنچه که در این کشور دارد اتفاق می افتد، بلکه به این دلیل که مردم ثابت کردند خیلی کارها هستند که ما قادر به انجام آنها هستیم، اینکه خیابان به ما تعلق دارد و به خاطر آنچه که در طول مسیر روی داد. مردم خواسته های شان را که روی کاغذ نوشته بودند، به طرف ما پرتاب می کردند، چه زیبا! همه طرفدار "PRO" (حزب راست میانه متعلق به رییس جمهور "ماریتسیوس ماکری" (Mauricio Macri)) نیستند. نمی خواهیم شعار انجمن مان را تغییر دهیم، اما این "آری ما می توانیم" (Sí podemos) واقعا تعریف حال ماست. اما من از آن استفاده نخواهم کرد، چون نمی خواهم کپی کنم. شعار دیگری را فکر خواهیم کرد، اما ... ماکری! ما می توانیم!"

مثل اینکه شما هم مشاور ویژه دارید.

پناه بر خدا، نه! شعار به ذهنم می آید، چون من در وسط میدان هستم. آنچه که اتفاق افتاده، سرگیجه آور است. روحیه مردم ... همه جا در طول مسیر آنها با هدایای کوچک و پرچم از ما استقبال می کردند.

به مردم چه گفتید؟

آنها از من تشکر کردند. به آنها گفتم خودشان به انجام این کار موفق شده اند نه من! من فقط جرات انجام کاری را داشتم که کسی برایش پیش قدم نمی شد. ما باید بفهمیم که میدانها و خیابانها می توانند حق مان را به ما برگردانند. کاروان ما در شهرهای مختلف متوقف شد و در میدانهای ورودی جمع شدیم. در طول مسیر مردم پیاده، با موتور به دنبال ما راه می

افتادند و از آنچه روی می داد فیلم می گرفتند. غیرقابل توصیف بود، چنین استقبالی از یک زن روستایی را هرگز ندیده بودم، حتی از یک ستاره مشهور هم اینطور استقبال نمی شود. جای سوزن انداختن نبود، مردم سر از پا نمی شناختند. واقعا تحت تاثیر قرار گرفتم.

کریستینا کیرشنر، رییس جمهور سابق، با شما تماس گرفت. چه صحبتی با او داشتید؟

او چند بار تماس گرفت. نگران جان من بود. اولین یورش پلیس خیلی سنگین بود. سه ماشین آب پاش، افراد مسلح با لباس شخصی، دو ردیف نیروی ضد شورش، سه زره پوش و پلیس و پلیس فدرال خانه مادران را محاصره کرده بودند. با خودم گفتم حتما کشتار می شود، باید مواظب باشیم. به همین دلیل هم کلک زدیم و از طریق پیاده رو از محاصره خارج شدیم.

مردم پشت سر راه می افتند چون می خواهند کاری کنند و حال باید از آنها محافظت کرد. کریستینا می ترسید که پلیس مرا دستگیر کند و اتفاقی برایم بیفتد، چون مریض هستم و احتمال دارد بمیرم. او گفت: "مواظب خودت باش." به او جواب دادم: "من می دانم چکار می کنم. من همیشه به فرزندانم فکر می کنم که همه چیزشان را دادند و باور دارم زمان آن رسیده که من هم همه چیزم را بدهم. به آخر عمر من زمان زیادی نمانده. آن را باید صرف چه بکنم، اگر نه در این راه!" او گفت: "خیلی خوب، هر چه می خواهی بکن." بعدا دوباره تماس گرفت و خیالش راحت شده بود، چون همه چیز برخلاف آنچه که فکر می کردیم پیش رفت. اینطور نیست؟

شما اعلام کردید که حاضر به بازجویی پس دادن نیستید. فکر می کردید که چنین نیروی را علیه شما بسیج کنند؟

تا وقتی آنهايي که باید دستگیر شوند، دستگیر نشده اند، من هرگز بازجویی پس نمی دهم. آنها با سپر و تجهیزات جنگی آمدند. خانه مادران پر از اعضای سازمان ما بود. لباس شخصیهای مسلح هم آمده بودند.

لباس شخصی مسلح؟

بله، آدمهای که در لباس شخصی فرستاده می شوند، جاسوسها، همیشه می آیند. این بار تعدادشان خیلی زیاد بود. گاهی موقع راهپیمایی آنها را می شناسم و بیرون شان می اندازم و آنها فرار می کنند. گاهی خود را به شکل آدمهای مسن در می آوردند یا یک پسر جوان، یک دختر بدلباس را می فرستند و بعد تو می فهمی که آنها دارند جاسوسی ترا می کنند. آنها کنار من می ایستند و در نقاط استراتژیک میدان مستقر می شوند تا گوش کنند مردمی که آمده اند چه می گویند. من از پنجره به بیرون نگاه کردم و ماشینهای آب پاش را دیدم. "خوان مانوئل مورنته" (Juan Manuel Morente)، وکیل ما، فکر خوبی به سرش زد که ماموری که برای بازرسی خانه آمده بود را بیرون انداخت چون مجوز بازرسی نداشت. خوان مانوئل جوان بسیار هوشیاری است.

دادگاه نامه من، نامه یک زن را به بهانه حقوقی نبودن نمی خواست قبول کند. در حقیقت من همیشه به قانون احترام گذاشته ام. من چندین بار به دادگاه رفته ام، اینطور نیست که نخواسته ام بروم. می دانی، کافکا می گوید قانون، قانون بورژوازی است و آنچه که ما کرده ایم این است که کمی در برابر حق به جانب بودن بورژوازی برخیزیم.

بعد از این اتفاقات، از آمریکای لاتین، اروپا، از همه جای دنیا مدام با من تماس گرفتند. برخی می گفتند تو روند دادرسی را تغییر داده ای. نمی دانم، من زیاد از حقوق سر در نمی آورم. فقط می دانم خوب است که این اتفاق افتاده است و ما مردم مطمئن باید باشیم که اگر به خیابان برویم، برای حقوق مان بجنگیم، حق مان را هم می گیریم. اگر در خانه بمانیم، کار مشکل می شود.

در حال حاضر قاضی پس از واکنش مردمی به حکم بازداشتش، عقب نشینی کرده و می گوید که آماده است به خانه مادران بیاید. در باره این تصمیم حقوقی که آشکارا تفسیری سیاسی است، چه فکر می کنید؟

اگر قاضی به خانه مادران بیاید، او را می پذیریم. ما حتی درها را هنگام بازرسی خانه قفل نکردیم. آنها بارها خانه را بازرسی کرده اند، اما از آنجایی که ما چیزی برای پنهان کردن نداریم ... در اولین بازرسی، انبوهی از لباس شخصیها آمدند. مادران هم آمدند و من به آنها گفتم: "نترسید، ما چیزی برای پنهان کردن نداریم. اینها می توانند مبلها را از هم بشکافند، همه جا را بگردند. ما همینجا در آشپزخانه می نشینیم."

وقتی که آنها دیدند ما مانده ایم، یکی شان گفت: "من از آشپزخانه شروع می کنم." بعد درب یک قفسه را باز کرد و سه کتاب آبی را بیرون آورد. او فکر کرد اینها دفترهای حساب و کتابهای ما هستند، اما دفتر یادداشتهای روزانه مادران بودند. یارو یکی شان را باز کرد و چشمش به تیترا یکی از آنها افتاد که نوشته بود "دادگاه و مجازات برای مقصران". حالت او طوری شد که انگار نمی دانست چکار باید بکند. درب هر قفسه ای را که باز می کردند، وسایل مادران ظاهر می شد. آنها همه چیز را به هم زدند، اما چیزی را روی زمین نینداختند. چندین ساعت ماندند. ما هیچوقت با دستگاه قضایی مقابله نکرده ایم، بلکه برعکس در و دروازه را برایشان باز کرده ایم. بگذار حالا دنبال احضاریه بروند، اگر فکر می کنند که مجبورند مرا احضار کنند.

فکر می کنید برای چه کسی احضاریه نمی فرستند؟

برای بعضیها. صدها متهم وجود دارد، من با قاضی صحبت کردم. اینطور نیست که ما به بازرسی نرویم، برایم من مهم این است که بگویم "بس است" و یک "بس است" هم به آدرس ماکری بفرستم.

قصد داشتید به ماکریسم یک هشدار سیاسی بدهید؟

دقیقا. او نمی تواند هر کاری دلش می خواهد بکند. او پادشاه کشور نیست. این را یانکیها به او القا کرده اند، اما او مالک این سرزمین نیست. او برای اداره کشور آنجاست نه برای تصاحب آن. او از کشور غنیمت گرفته و حالا آن را می فروشد و هدیه می دهد. بیکاری جنایتی است که یکنفر باید توانش را بدهد. شبها می شود صفهای طولی از مردم را دید که دنبال غذا می گردند و آنها کسانی نیستند که در خیابان زندگی می کنند؛ کسانی که توانایی خرید غذا ندارند نه به خاطر اینکه پول گاز را نداده اند، بلکه به خاطر اینکه بیکار هستند.

کار دادگاه حساب نشده بود. فکر می کنید قاضی به پیامدهای صدور حکم جلب برای رهبران انجمن مادران میدان دی مایو فکر کرده بود؟

باعث اصلی دستگاه امنیتی است. آنها به تاریخ نگاه نمی کنند. قاضی فکر می کند من یک زن بیچاره هستم که هر پنجشنبه به میدان شهر می رود. او نمی داند ما مادران چه کارهایی کرده ایم، او نمی داند مردم ما را دوست دارند. این حاصل چهل سال کار است. من هیچوقت خویشتن داری نکرده ام. خیلیها به من می گفتند "هبه، می تواند بلایی به سرت بیاید." از هنگامی که فرزندانم را ناپدید کردند من رنج کشیده ام، اما من هیچوقت به خودم فکر نکرده ام.

هر وقت که انسان دست به کاری می زند، مثل به دنیا آوردن یک نوزاد است. انسان نباید به خودش فکر کند، بلکه به نوزادی که سالم به دنیا می آید. این هم مثل زایش بود و نتیجه اش هم باید خوب می بود. ده روز بعد از آنکه پسر را از من گرفتند، بعد از اینکه به من اطلاع دادند او را از ده روز پیش شکنجه می دهند، به کلانتری ۵ رفتم، چون قاضی نمی خواست به آنجا برود. او به من گفت "خانم عزیز، شما دیوانه هستید." و من واقعا مانند یک دیوانه وارد کلانتری شدم، آنها نمی توانستند مرا مهار کنند و سرآخر مرا به شدت کتک زدند و زیر رگبار باران به خیابان انداختند. من گریان در خیابان افتاده بودم و به خودم فکر نمی کردم، به پسر فکر می کردم که داخل کلانتری بود.



و این بار هم همینطور بود: من در این لحظه به فرزندانم فکر می کردم، به این فکر می کردم که چه تعداد دیگری از مردم را باید آگاه کرد، ما چقدر قدرت داریم که کاری را که می خواهیم و درست می دانیم، انجام دهیم. ما نمی توانیم از جایمان تکان نخوریم و بگوییم "ای وای، چقدر روزگارمان بد است. ای هوار، مرا اخراج کردند!". نه دوستان عزیز! خیلی کارها هست که می توان کرد، تخریب نکنید، چیزی پرتاب نکنید، تحریک نکنید. آنچه که آنها می خواهند یک جنازه است. چندی پیش نگرانی مرا در برگرفت و پیش خودم گفتم "اینها چه می خواهند؟ اینکه کسی در برابرشان مقاومت کنند و آنها بتوانند گلوله ای در سرش خالی کنند؟" تصور کن مردم چقدر برافروخته بودند، وقتی که از در و دیوار پلیس می ریخت. برای دستگیری یک زن ۸۷ ساله به چند نفر نیاز هست؟

رسانه های رسمی تبلیغ می کنند که مقاومت شما خشونت را هم در خود دارد.

دقیقاً. به همین دلیل هم باید مواظب بود چطور باید دست به عمل زد و تا چه اندازه باید پیش رفت. ما مادران عادت کرده ایم که از برابر پلیس جاخالی دهیم. چهل سال است که آنها را از خود دور نگه می داریم، چهل سال است که آنها را از میدان دی مایو می رانیم، چون نمی خواهیم آنجا باشند، به آنها نیازی نداریم. وقتی "فرناندو دلا رووا" (Fernando de la Rúa - رییس جمهور پیشین آرژانتین بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱) یک روز میدان را مسدود کرد و نمی خواست دیگر باز کند، ما دو نردبان آلومینیومی قرض کردیم و از یکی بالا رفته و از دیگری پایین آمدیم و اینطوری از روی حصارهای دور میدان گذشتیم.

آنوقتها هنوز می شد، ما خیلی جوان تر بودیم. ما مردم همیشه راهی پیدا می کنیم. امروز که من اینجا در شهر "مار دل پلاتا" هستیم، در این نشست اولین کارتهایی که ما مادران درست کردیم را همراه آورده ام. اوایل نمی خواستیم اعلامیه منتشر کنیم، ترس داشتیم، چون پخش اعلامیه اغلب دلیل دستگیری دختران و پسران مان بود. به این دلیل مادران دل پلاتا به این فکر افتادند که هر کس کارتی طبق سلیقه خودش درست کند. نمی شود توصیف کرد که این کارتها چقدر وحشتناک بودند، با قلب خونین، با صلیب، با مسیح به صلیب کشیده شده.

در کریسمس سال ۷۸ در گوشه خیابان ایستادیم و این کارتها را پخش کردیم، درست در بحبوحه دیکتاتوری. کارتها شخصی و از یک مادر بودند، اما مادران و کارتها بسیار بودند. من از آنها کپی گرفتم، از جمله برای جوانترهایی که امروز دانشجوی روزنامه نگاری هستند. به آنها می خواهم نشان دهم که به این همه دستگاههایی که امروزه وجود دارد، نیازی نیست. اگر انسان بخواهد دست به کاری بزند، اگر می خواهد خواسته ای را به زبان بیاورد، همیشه راهی پیدا می شود. اغلب ما را بعد از دستگیری در سلولهایی می انداختند که بوی مرده می داد؛ بوی کسی که می دانستیم فرزند یکی از ما بوده است. هدف ترساندن ما از رفتن به خیابان بود. حالا باید از چه بترسیم؟ از اینکه دستگیرمان کنند؟

در حال حاضر شما مشغول سازماندهی دوهزارمین تظاهرات در پنجشنبه هستید.

بله، دوهزارمین تظاهرات و این رقم کمی نیست. ما بسیار راضی هستیم، مردم زیادی می آیند. در بسیاری نقاط تظاهرات برپا خواهد شد. من حالا پیش دوستانم در مار دل پلاتا هستم. اینجا به این خاطر آمدم که یک روز استراحت کنم. انتظار این استقبال را نداشتم. کارهای زیادی در دست دارم. در کنار راهپیمایی در پنجشنبه و راهپیمایی مقاومت، ما در ۲۲ اوت کافه "انقلابی" را افتتاح می کنیم. در این روز ما برای اولین بار سند بنیانگذاری مان را امضا کردیم. یک محضر دار ما را در

خانه ای مسکن داد تا در ساعات مختلف سند را امضا کنیم. در ۱۴ اوت انتخابات داخلی را برگزار کردیم و در ۲۲ اوت ۱۹۷۹ انجمن را به ثبت رساندیم.

پانویس:

*چهل سال پیش، در ۲۴ مارس ۱۹۷۶، نظامیان آرژانتینی به رهبری ژنرال "خورخه رافائل ویدلا"، با یک کودتا قدرت را در این کشور به دست گرفتند. در هفت سالی که آنها بر آرژانتین فرمان راندند، بیش از سی هزار نفر ربوده، شکنجه، کشته و یا مفقود شدند. جستجو برای یافتن مفقود شده ها هنوز ادامه دارد، چرا که بیش از همه مادران و مادر بزرگها کوتاه نمی آیند. انجمن "مادران میدان دی مایو" در این دوران بنیان گذاشته شد.

زمانی که در ۳۰ آوریل ۱۹۷۷، در اوج دیکتاتوری خشن و خونین، چهارده مادر درست در برابر کاخ دولت، در سکوت گرد میدان چرخیدن گرفتند، آنها را "یک مشت زن دیوانه" نامیدند.

امروز، چهل سال بعد از کودتا و ۳۲ سال پس از بازگشت آرژانتین به دموکراسی پارلمانی، "مادران پلازا دی مایو" در سراسر جهان به عنوان یکی از موفق ترین جنبشهای حقوق بشری شناخته می شوند.



در دومین سالگرد پرواز ریحانه

شعله پاکروان

امروز در حالی که زیر لبم با ریحان حرف می زدم، با دلتنگی از خواب بیدار شدم. ساعت ۶ صبح بود. برایش نامه ای نوشتم که تکمیل کردنش تا رسیدن به بهشت زهرا ادامه یافت. با خواهرم وارد قطعه ۹۸ شدیم. مأموران بیشمار ایستاده بودند.



رؤسای شان صدایم کردند و پرس و جو از این که چه کسانی می آیند؟ گفتم نمی دانم.

دو مرد جوان از اصفهان آمده بودند که در همان دقایق اولیه هر دو را بردند. هر چه اصرار کردم رهای شان کنند گفتند شما برو. مهمانها آمدند و مادرم با سخنانش دومین سالگرد نوه اش را آغاز کرد. با یادی از امام حسین که پیامش محدود به زمان و مکان نیست. همو که می فرمود: ای مردم چون شکمهای شما از مال حرام پر شده حق را نمی پذیرید.

مادرم می گفت مردم از شرق و غرب عالم به هر وسیله ای که در دسترس داشتند از اجرای حکم ناعادلانه ریحانه ابراز انزجار کردند، اما اینان حکم را اجرا کردند. چرا که شکمهای شان از مال حرام انباشته است. او سپس به ضرب المثل مشهور فارسی «تخم مرغ دزد، شتر دزد می شود» اشاره کرده و گفت: «حال بگویید دکل دزد و کشتی دزد چه می شود؟»

من نیز گفتم، از دلتنگیهای فزاینده، از عذاب تبعیض در اجرای عدالت و از تجاوز به دختران و پسران. در خبرها خواننده بودم که در مهرماه ۹۳، همان زمان که در تب و تاب نجات ریحانه بودیم، پرونده تجاوز به پسران نوجوان حافظ قران مختومه شد. تنها نتیجه ای که از این دو مورد می توان گرفت این است که فرزندان مردم در مقابل تجاوز افرادی همچون سربندی ایمن نیستند.

ماموران به تب و تاب افتاده بودند و در کنار هر یک از میهمانان دو سه مامور ایستاده بود. دکتر ملکی که بیمار هم بود با صدایی آرام از مخالفتش با اعدام گفت. این که با اعدام ریحانه چه آتشی بر خانواده ام افتاد. وی ابراز امیدواری کرد که به زودی این مجازات از قانون حذف شود. سه یا چهار مامور زن جوان وارد جمع شده و با رفتاری خشونت بار چند تن از بانوان را بازداشت کرده و به درون یک خودروی ون بردند. از جمله خانمی که از شهرستان آمده بود و پسر بچه چهار پنج ساله اش با وحشت نظاره گر دستگیری مادرش بود. همچنین یکی از شاگردان مادرم که در شهر دیگری ساکن است و خود استاد قران است دستگیر شد. من نزد ماموران رفته و خواستم که مهمانان را آزاد کنند. به خصوص یکی از همبندیان سابق ریحان که سرطانی پیشرفته داشت با لوله ها و کیسه ها و کلاه گیزی که اثرات شیمی درمانی اش را پنهان می کرد. هر چه گفتم حداقل این بیمار سرطانی را بازگردانید نپذیرفتند.

در یک خودروی ون سفید دیگر آقای نوریزاد را دیدم که دستگیر کرده بودند. یکی از ماموران بسیار درشت هیکل و مهیب دستور داد تا ماموران زن مرا به داخل ون ببرند. سه مامور زن جوان که یکی صم بکم بود و دیگری ذکر می گفت! و سومی عصبی، همراه با سه مامور مرد، من و مادرم به اتفاق زن عموی میان سالم را نیز بازداشت و همراه باقی دستگیر شدگان از محل دور کردند.

به دوستانم گفتم به خیابان نگاه کنید. سعی کنید با چشم ریحان ببینید. او بارها نوشته که وقتی از داخل ماشین به مردمی نگاه می کردم که بی تفاوت از کنار ماشین رد می شوند با خود می گفتم که چند بار چنین ماشینی از جلوی چشمم عبور کرد و من نمی دانستم درونش چه حجمی از درد نهفته است؟ چند قطعه آن طرفتر تلفن یکی از ماموران زنگ خورد و بلافاصله همه مان را بازگرداندند. کمی بالاتر از خانه ابدی ریحان پیاپی مان کردند. گوشی همه را هم پس دادند. اما در غیاب ما به مهمانان حمله کرده و چادر و صندلیها را در هم کوفته بودند. حجم زیادی از تاج و دسته گل را به شکلی بیمارگونه روی گلهای باغچه ریحان تلنبار کرده بودند. شمعیهای آب شده را روی مانتوهای بانوان و از جمله یکی از دخترانم پاشیده بودند.

با چند دوست هنرمندم به خانه بازگشتم. در طول راه به این فکر می کردم که اگر ریحانه را در زمان یزید اعدام کرده بودند، با بازماندگانش چه می کردند؟ یا اگر امام حسین را در قرن ۲۱ به خون می کشیدند با کاروان بازماندگانش چه می کردند؟

بیش از پیش به حال مادرانی که پاره های تن شان خوراک ماشین اعدام شده اند می اندیشم و به نفرت فزاینده ام از عوارض مخرب خشونت به نام اعدام.

پنجشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۵

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و

جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

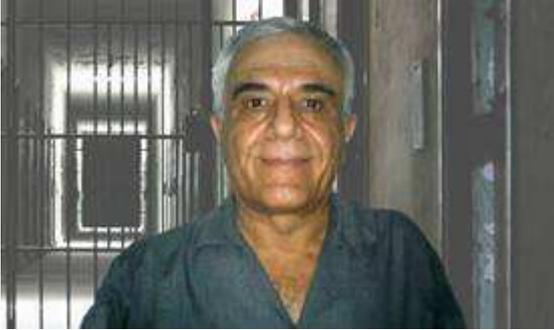
www.fadaian.org

دو سوال و یک جواب روشن

ارژنگ داوودی

هم میهنان

بیش از ۱۳ سال است که بر اساس احکام ستمگرانه عمال رژیم منحط خامنه ای و شرکا، زندانهای اوین، رجایی شهر، بندر



عباس و زابل را یکی پس از دیگری و بالاجبار دوره می کنم، حبس می کشم و رنج مضاعف می برم.

در این مدت طولانی، بارها به بهانه های واهی از بندگی به بند دیگر انتقال یافته و هر بار نیز بخشی از وسایل ضروری ام را از دست داده و برای مدتی در مضیقه و تنگنا قرار گرفته ام.

به منظور خسته و مستأصل نمودن اینجانب، عمال اطلاعاتی - امنیتی رژیم در بیدادگاههای انقلاب به طور متوسط سالی یکبار دستور انتقال

مرا از زندانی به زندان دیگر داده اند و در این رابطه تا کنون ۱۳ بار توسط انواع مزدوران در سپاه، وزارت اطلاعات و یا نیروهای انتظامی جابجا شده ام.

هر بار علاوه بر اینکه بخشی از وسایل ضروری خود را بناچار در زندان جا گذاشته و آنچه ضروری تر بوده را تا درب زندان حمل کرده ام، اما در آنجا نیز مأموران بدرقه به بهانه های گوناگون بخش دیگری از وسایل مرا پس زده اند. روی هم رفته فقط در ۹ مرحله از انتقالهای ۱۳ گانه خود توانسته ام یک دست لباس اضافی، خمیردندان، مسواک و اینگونه اقلام بسیار ضروری را با خود ببرم.

در سالهای ۹۰ و ۹۳ که بترتیب در تاریخ ۲۰ آبان ۹۰ از بند ۲۰۹ و ۱۷ اردیبهشت ۹۳ از بند ۲۴۰ زندان اوین توسط عوامل کینه توز وزارت اطلاعات به بندر عباس منتقل شدم، هر دو بار با همان لباسی که بر تن داشتم به زندان مقصد منتقل گردیدم. هر چند که در هر دو وعده قول دادند که وسایل مرا ظرف یک هفته بفرستند اما از آنجا که قول نامردمان قابل اعتنا نیست هرگز منتظر نماندم ولی حداقل اینکه آنان هزینه ای تحت عنوان هزینه انتقال یا به عبارت دقیق تر "باج" طلب نمی کردند.

اما امسال در تاریخ اول مهر ۹۵ یعنی در سیزدهمین مورد که برای تحمل ۵ سال حبس در تبعید از زندان رجایی شهر به زندان مرکزی زابل انتقال می یافتم پس از بازرسی وسایل مربوطه با دو مأمور بدرقه به مقصد شهر زابل از زندان خارج شدیم ولی چون حاضر به پرداخت باج تحت عنوان هزینه انتقال نشدم، مأموران بدرقه ابتدا مرا به یکی از مراکز فرماندهی نیروی انتظامی کرج موسوم به قرارگاه استانداز واقع در میدان سپاه بردند.

در آنجا نیز به علت امتناع از پرداخت باج به دستور خودسرانه سروان حسین بهاروند مرا بازداشت؟! و به کلانتری ۱۵ فرستادند، تا شاید تحت فشار مجبور گردم که وجه مورد مطالبه لاشخوران نیروی انتظامی، بالغ بر یک میلیون و دویست هزار تومان را بپردازم.

نهایتاً روز جمعه سرکرده لاشخوران قرارگاه با نام و عنوان پوشالی سرهنگ پاسدار شکیب که در طماعی و رذالت روی سیاه ژاندارمهای دوران شاه را سفید کرده، نگذاشت حتی یک دست لباس اضافی، خمیر دندان و مسواک همراه خود بیاورم. این در حالی است که به زندان مرکزی زابل در فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری از مرکز تبعید می شدم.

با یادآوری این حقیقت تأسفبار که مزدوران کپته توز و گدا صفت سپاه و اطلاعات رژیم پس از منحل نمودن مجتمع آموزشی - فرهنگی پرتو حکمت متعلق به اینجانب در بهار سال ۸۶ و نیز سرقت کلیه اسناد رسمی مالکیت، ساختمان سه طبقه موسوم به ساختمان مدرسه را پلمب و پس از مدتی به کمک عوامل خود فروخته آن را به فروش رساندند، اینکه به عنوان مشتی نمونه دو صد خروار دو سؤال خود را مطرح می نمایم:

سوال اول: آیا حق ندارم با صدای بلند اعلام نمایم که یک سرهنگ پاسدار در رژیم فقیه تنها با یک سرجوخه بدنام در رژیم شاه قابل مقایسه است و نه بیشتر؟!

سؤال دوم: آیا بر اساس همین قیاس منطقی نمی توان گفت سر کرده باند مافیایی حاکم بر تهران یعنی شخص علی خامنه ای که قبل از انقلاب به علی گدا معروف بود ولی پس از انقلاب ۵۷ همواره در مصدر امور قرار گرفته و تا همین چند سال پیش بوقهای تبلیغاتی رژیم او را در ملکوت می نشانندند، پس از ۳۸ سال هنوز آنقدر شأن و لیاقت پیدا نکرده تا در قد و قواره یک ملای متوسط الاحوال در زمان شاه ظاهر شود؟!

واقعاً که چه درست گفته اند که تربیت نا اهل را چون گردکان در گنبد است.

پیش به سوی انقلاب سوم، یعنی انقلاب دمکراتیک ایرانیان

زندانی سیاسی ارژنگ داودی. زندان مرکزی زابل ۱۵ مهرماه ۱۳۹۵



مقام معظم عامل اصلی قطب بندی

مهدی سامع

در چند ماه گذشته محمود احمدی نژاد اقدام به سفرهای گوناگون به برخی از شهرها کرد و در رویای ابلهانه «احمدی نژادی شدن» شرایط، برای کاندیدا شدن در نمایش انتخابات آتی ریاست جمهوری زمینه سازی کرد. احمدی نژاد فکر می کرد شرایط به گونه ای است که ولی فقیه این بار هم از او پشتیبانی خواهد کرد و می تواند نقش گماشته ولی فقیه در مصدر ریاست جمهوری را با اندکی یاغیگری بازی کند.

برآمد احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ و حمایت کامل خامنه ای از او در ۱۳۸۸ محصول مهندسی کلان تقلب از جانب باندهای نظامی امنیتی بود که در آن زمان برای تحقق «ریل گذاری جدید در ولایت» نیاز به یک گماشته بی دنده و ترمز داشتند. این ضرورت را فرصت حمله جورج بوش پسر به عراق و اشغال این کشور در دستور کار خامنه ای قرار داده بود. احمدی نژاد فکر می کرد با ناکامی حسن روحانی برای سر و سامان دادن به اوضاع اقتصادی، با درهم ریختگی باندهای موسوم به «اصولگرا» و با وجود شرایط بحرانی در خاورمیانه که ولایت خامنه ای را درگیر سه جنگ خارجی در عراق، سوریه و یمن کرده، او بهترین کارگزار برای پیشبرد سیاستهای ولی فقیه خواهد بود و لابد حدس می زد که چند یاغیگری او، منجمله خانه نشینی ۱۱ روزه اش، نمی تواند ضرورت برآمد مجدد او را منتفی کند.

احمدی نژاد که فکر می کرد قطعنامه ها در شعله اقدامات تروریستی خواهد سوخت و با باجگیری می توان شرایط آخرالزمانی را فراهم کرد، به ضربه «تحریم» و «فتنه» به رژیم و در راس آن مقام معظم بها نمی داد. او فکر می کرد با امتیازات کلانی که به سپاه پاسداران داده، این نیرو را همیشه در کنار خود خواهد داشت. او فکر می کرد ولی فقیه که به مشارکت با دشمن دیرینه احمدی نژاد یعنی باند رفسنجانی تن داده و مجبور به نوشیدن جام زهر شده، برای مهار اوضاع بازهم از او حمایت خواهد کرد.

با این محاسبات ابلهانه که البته در قد و قواره یک کوتوله سیاسی است، برای بازگشت به پاستور خیز برداشت.

اشتباه او بیش از همه در این بود که باور نداشت حتی اگر خامنه ای بخواهد و بتواند بر دوران «مشارکت» نقطه پایان بگذارد، مَهره سوخته ای مثل او آبی برای ولی فقیه گرم نخواهد کرد.

به همین دلیل ساده از میان دهها دلیل دیگر، خامنه ای در روز سه شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۵، جلسه ای با گماشته سابق اش برگزار می کند. در آن جلسه احمدی نژاد به گفته خودش «برنامه های تبیین انقلاب در سراسر کشور» را برای ولی فقیه «تشریح» کرده و خامنه ای با نگاه عاقل اندر سفیه به او «توصیه» می کند «مصلحت نیست» کاندیدا شود.

پس از این جلسه کارگزاران حکومت فکر می کردند که احمدی نژاد تسلیم شده است. اما احمدی نژاد یک پرده دیگر از یاغیگری خود را به نمایش گذاشت و در روز پنج شنبه ۲۵ شهریور با دذبده و کبکبه برای یک سفر انتخاباتی به گرگان رفت. ۳ روز پس از این سفر جنجالی، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، اعلام کرد که ولی فقیه کاندیداتوری احمدی نژاد را به صلاح نمی داند. با اعلام این خبر از جانب سایت مربوط به سپاه، احمدی نژاد و دار و دسته او در گوشه و



کنار و در شبکه های مجازی اعلام می کردند که اگر «آقا» چنین نظری داشت «پشت بلند گو» اعلام می کرد. خامنه ای در درس خارج خود گزارشی از جلسه با احمدی نژاد ارائه می دهد که سایت ولی فقیه روز دوشنبه ۵ مهر ۱۳۹۵ آن را پوشش می دهد.

«یک نفری، یک آقایی آمده پیش من، من هم به ملاحظه ی صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید. نگفتمیم هم شرکت نکنید، گفتیمیم صلاح نمی دانیم ما که شما شرکت کنید. این را گفتمیم. خب یک چیز عادی است. انسان بایستی آن چیزی را که می بیند و می فهمد و فکر می کند که به نفع برادر مؤمن اش است باید به او بگوید دیگر... با ملاحظه ی حال مخاطب و اوضاع کشور به یک آقایی انسان توصیه می کند که آقا شما اگر در این مقوله وارد شدید، این دو قطبی در کشور ایجاد می شود. دو قطبی در کشور مضر است به حال کشور. من صلاح نمی دانم شما وارد بشوید. بله، این چیز خیلی مهمی که نیست. این یک چیز خیلی طبیعی است، خیلی ساده است. بله، ما این توصیه را به یکی از آقایان، به یکی از برادران کردیم. خب حالا این مایه ی اختلاف بشود بین برادران مؤمن، یکی بگوید فلانی گفته، یکی بگوید نگفته، یکی بگوید چرا پشت بلندگو نگفته؟ خب حالا این هم پشت بلندگو... خب شما برادر مؤمن من هستی. یک چیز را مصلحت شما می دانم، می گویم به شما. این اشکالی که ندارد ظاهراً چیز خوبی است. لازم هم هست شرعاً لازم هم هست خیرخواهی. انسان باید نصیحت کند. نصیحت یعنی خیرخواهی. من به جنابعالی که مثلاً آقای آشیخ عبدالعالی اسمتان است، من باب مثال، علاقمندم. می دانم شما اگر وارد این مقوله شدی به ضررت است. به ضرر کشور هم هست. به شما می گویم وارد نشو. نمی گویم هم وارد نشو. امر و نهی نیست. حالا بعضی گفتند آقا دستور دادند، امر کردند، نه، گفتیمیم صلاح نمی دانیم. من صلاح نمی دانم.»

خامنه ای با گفتن این که «جنابعالی که مثلاً آقای آشیخ عبدالعالی * اسمتان است» و این که «صلاح حال خود آن شخص» هم نیست، به یاغیگریهای گماشته اش یک ضربه جدی در «پشت بلندگو» وارد کرد. احمدی نژاد فکر نمی کرد که خامنه ای این گونه وارد شود. اما خامنه ای به همان دلایلی که مطرح کرده مجبور شد مخالفت خود را این گونه علنی کند و به احمدی نژاد پشت بلندگو با طعنه هشدار دهد که حتی اگر مقامی همچون «آشیخ عبدالعالی» داشته باشد، کارت سوخته ای است و صلاح ولایت و سلطنت مطلقه ولی فقیه به کنار کشیدن اوست.

یک روز بعد احمدی نژاد طی یک نامه اعلام کرد که «در این دوره» از «توصیه» ولی فقیه تبئیت می کند.

سوالی که در این مورد مطرح می شود این است که آیا با کناره گیری احمدی نژاد قطبی شدن شرایط منتفی شده است؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید تاکید کرد که منظور خامنه ای، قطبی شدن در درون هر م قدرت است و نه در جامعه. در جامعه ما با وجود استبداد مذهبی حاکم، دو قطب مردم و رژیم وجود دارد که هر یک نافی دیگری است و امکان

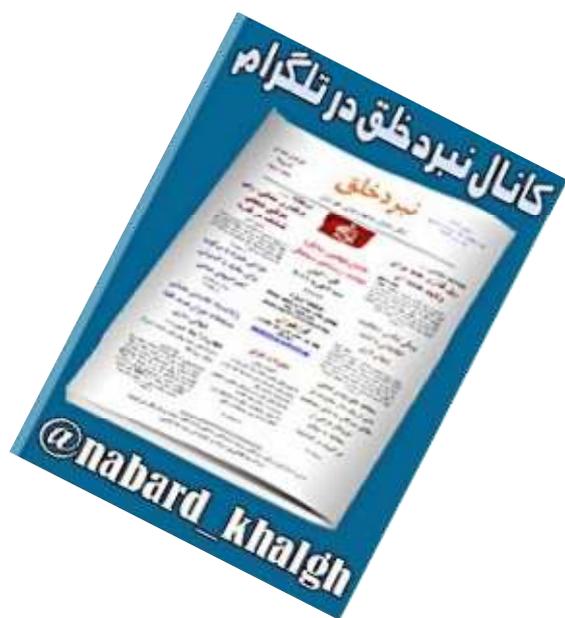
همزیستی بین این دو قطب وجود ندارد. خامنه ای خود بهتر از همه می داند که چنین قطب بندی وجود دارد و تهدید اصلی ولایت او قطب مقابل یعنی مردم است. برای همین او نسبت به قطب بندی در درون هرم قدرت هشدار می دهد. زیرا تکامل قطب بندی در درون قدرت، شرایط برای قیام را هرچه بیشتر فراهم می کند. خامنه ای قیامهای سال ۱۳۸۸ را به چشم خود دید و با گوش خود فریاد «مرگ بر اصل ولایت فقیه» را شنید. از آن زمان به بعد مهمترین ملاحظه او در تصمیمات اساسی اش، جلوگیری از به وجود آمدن شرایط قیام است و برای همین مجبور شد به حسن روحانی و نوشیدن جام زهر رضایت دهد. اما خروجی این تن دادن به رسمیت شناختن قطب بندی در درون ولایت است. قطب بندی که در دوره دوم صدارت احمدی نژاد بین طرفداران «ولایت مطلقه فقیه» و «ولایت مشروطه فقیه» شکل گرفت و در تکامل آن منجر به صدارت حسن روحانی و نوشیدن جام زهر از جانب خامنه ای شد.

اکنون مساله اصلی این است که هرگام عقب نشینی خامنه ای، قطب بندی درون ولایت را عمیق تر می کند. از این جهت بیهوده نیست اگر گفته شود، قطب بندی نه با احمدی نژاد که با خود مقام معظم شکل گرفته و هر روز عمیق تر می شود.

پانویس

*علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل عاملی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی (درگذشت روز عید غدیر سال ۹۴۰ قمری در نجف)، از علمای بزرگ عصر صفوی بود که از وطن خود، جبل عامل در لبنان مهاجرت کرد و ابتدا به عراق رفت و سپس در پی دعوت شاه اسماعیل صفوی برای تبلیغ و ترویج تشیع به ایران آمد.

شاه طهماسب او را به عنوان نایب امام زمان، صاحب حقیقی دولت خواند و لذا او اختیارات واقعی را در دست گرفت. محقق کرکی درباره ولایت فقیه می گوید: «...باید در دل بذر حکومت مستضعفین را کاشت و برای عملی شدن آن گام برداشت. ما بر این عقیده ایم که فقیه جامع شرایط باید بپا خیزد و به عنوان حاکم جامعه اسلامی مقتدر و استوار رهبری را بدست گیرد و اسلام را به عنوان یک اندیشه مهم سیاسی و اجتماعی مطرح کند و آن را بسان نظام کاملی برای اداره جوامع بشری عرضه کند. اختیارات حکومتی رسول الله را امامان معصوم یکی پس از دیگری دارا هستند و فقیه جامع شرایط نایب امام معصوم است و تمام اختیارات حکومتی او را داراست.» (عماریون، چهارشنبه ۷ مهر ۱۳۹۵)



سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

زنان در مسیر رشایی

اسد طاهری

سالروز تولد یک پیشاهنگ حق رای زنان

دویچه وله، ۱ مهر - ۲۲ سپتامبر ۱۸۵۷: ۱۵۹ سال پیش در چنین روزی "آنیتا آگسبورگ" (Anita Augsborg) در "وردن" در شمال آلمان زاده شد و تا پایان عمر به تلاش برای احقاق حق رای زنان در آلمان و کشورهای گوناگون پرداخت.



پدر آنیتا آگسبورگ وکیل آزاده ای بود و دخترش را تا وقتی به سن بلوغ برسد، در دفتر وکالتش آموزش داد و به کار مشغول کرد. سپس آنیتا به برلین رفت و دوره آموزگاری برای دبیرستانهای دخترانه را دید، اما همزمان به مدت پنج سال به آموزش و کار به عنوان هنرپیشه تیاتر پرداخت.

۳۰ ساله بود که با یکی از دوستانش، "سوفیا گودستیکر" (Sophia Goudstikker)، به مونیخ رفت و دوره عکاسی دید و آتلیه عکاسی "الویرا" (Elvira) را برپا کرد و همه متنفذان و سرشناسان سرزمین باواریا از جمله خانواده پادشاه آن سرزمین را به این آتلیه کشاند.

۳۴ ساله بود که به جنبش تلاش برای حقوق برابر زنان با مردان پیوست و از آن پس همه کوشش خود را برای به دست آوردن حق رای زنان به کار بست. او برای تدقیق کار خود تصمیم به تحصیل در رشته حقوق گرفت و چون در آلمان آن زمان زنان را به آسانی به دانشگاه راه نمی دادند، به این منظور به سوئیس رفت.

آنیتا آگسبورگ در دانشگاه زوریخ رشته حقوق را به پایان رساند و ۴۱ ساله بود که به عنوان نخستین آلمانی زن، دکترای حقوق گرفت. سپس به برلین رفت و تا روی کار آمدن نازیها در راستای لغو قانونهای زن ستیز و تصویب قانونهایی به سود زنان نقش تعیین کننده ای ایفا کرد.

آنیتا آگسبورگ همواره علیه جنگ و نظامی گری هشدار می داد، ۱۰ سال پیش از روی کار آمدن نازیها، در یک نامه رسمی از دولت خواسته بود که "آدولف هیتلر اتریشی را به علت تحریک و اخلال عمومی" از کشور آلمان اخراج کند. با قدرت گیری نازیها، او به همراه دوست دیرینه اش، "مینا کاور" (Minna Cauer)، به زوریخ پناه برد و تا پایان عمر به تلاش خود برای احقاق حق رای زنان در کشورهای گوناگون ادامه داد. آنیتا آگسبورگ در ۸۶ سالگی در سوئیس درگذشت.



زندان زنان قرچک؛ گزارشی شوکه کننده

کانون صنفی معلمان ایران، ۴ مهر - ندامتگاه شهری که با نام "زندان زنان قرچک" شناخته و همچنین به "کهریزک زنان" شهرت دارد، در کیلومتر ۱۷ بزرگراه تهران - ورامین و قبل از شهر قرچک واقع شده است. این زندان به دلیل موقعیت جغرافیایی بیابانی، مساحت کم، جمعیت بالا، آب شور و کمبود امکانات بهداشتی،

خشونت و عدم تفکیک زندانیان، شرایط غیرقابل تحملی را برای زندانیان خود از جمله "شیوع بیماریهای خطرناک" به وجود آورده است. تعداد نفرات بسیار در یک مساحت محدود با وضعیت بهداشتی نامناسب جا داده شده اند و فقط چهار دوش حمام که فقط به مدت یک ساعت آب گرم دارد، برای ۱۸۹ نفر موجود است. کمبود تخت موجب می شود که بسیاری از زندانیان به صورت ردیفی وسط سالن، روی زمین بخوابند.

زندان قرچک آب شوری دارد که مشکلات عدیده پوستی و بهداشتی را به همراه آورده، وضعیت تغذیه و دارویی نامناسب و عدم امکانات دارویی و رسیدگی به بیماران به شیوع بسیاری بیماریهای خطرناک دامن زده است. آمار هپاتیت و ایدز در زندان مخوف قرچک بسیار بالا است که یک دلیل آن عدم رسیدگی به بیماران است.

رفتار ناشایست زندانبانان با زندانیان که همراه با توهین و تحقیر و هتک حرمت و گاهی ضرب و شتم است، آثار روانی مخربی را بر روی آنها بر جا گذاشته است. زنان زندانی در معرض انواع فشارها و تعدیات جنسی قرار دارند.

عدم انتقال زندانیان مبتلا شده به بیماریهای روانی، مشکلات بسیاری برای دیگران ایجاد می کند و اکثرا به تجاوز و قتل و درگیری در زندان می انجامد. زندانبانان این زندانیان را به عنوان عامل خشونت و شکنجه سایر زندانیان به کار می گیرند.

اعتراض به وضعیت غذا و هر گونه اعتراض دیگری، انتقال به سلول انفرادی که وضعیت اسفباری دارد را به همراه دارد. مسوولان زندان تهدید می کنند که در صورت اعتراض، معترضان به سلول انفرادی زندانی روانی فرستاده خواهند شد تا بدین وسیله آنها را از اعتراض باز دارند.

دو زن بدن ساز ایرانی به دادسرا احضار شدند



دوپیچه وله، ۸ مهر - دو زن ورزشکار ایرانی به دلیل شرکت در مسابقه زیبایی اندام در خارج از کشور به دادسرا احضار شدند.

احضار این دو زن پس از انتشار تصویرهایی از این مسابقه در فضای مجازی انجام شده است.

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، سه شنبه ۳۰ شهریور ماه گزارش داد که دو زن بدن ساز ایرانی و چهار مرد که ظاهرا آنها را آموزش داده و به مسابقات برون مرزی اعزام کرده اند، به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شدند.

این خبرگزاری نوشته است: "تصاویر حضور این زنان به صورت نیمه عریان در شبکه های اجتماعی پخش شده است و بعد از انتشار این تصاویر، پرونده ای در شعبه ویژه جرایم دادسرای فرهنگ و رسانه تشکیل شد."

بنابر این گزارش، این چهار مربی تا انجام مراحل تحقیقات و بازپرسی ممنوع الکار و ممنوع الخروج شدند. نام و مشخصات این شش ورزشکار اعلام نشده است.

روز بین المللی دختر بچه ها؛ یونیسف: دختران ۴۰ درصد بیشتر از پسران به کارخانگی مشغول هستند

بی بی سی، ۱۶ مهر - همزمان با روز بین المللی "دختر بچه ها" در ۱۱ اکتبر، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل



(یونیسف)، در گزارشی گفته است که دختران به طور متوسط ۴۰ درصد بیشتر از پسران کارخانگی می کنند، بدون آن که دستمزدی دریافت کنند.

به گفته یونیسف این موضوع تأثیری جدی بر توانایی یادگیری دختران و لذت بردن از دوران کودکی دارد.

براساس این گزارش، میزان کار با بالا رفتن سن دختران افزایش می‌یابد به طوری که دختران ۵ تا ۹ ساله، ۳۰ درصد در امور خانه داری مشغول هستند، در حالی که وقتی به ۱۴ سال می‌رسند این میزان کار به ۵۰ درصد می‌رسد. در گزارش یونیسف همچنین آمده است که کارهایی نظیر آب آوردن یا جمع آوری هیزم و مواد سوختی دختران را بیشتر در معرض خطر خشونت‌های جنسی قرار می‌دهد.

در سومالی دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله ۲۶ ساعت در هفته مشغول کارخانگی هستند که این میزان بیشتر از هر کشور دیگری است. بورکینافاسو و یمن هم از جمله کشورهایی هستند که اختلاف بین ساعات کاری دختران و پسران در آن زیاد است.

دولت آلمان لایحه برابری دستمزد زنان و مردان را تصویب کرد

دوپیچه وله، ۱۶ مهر - پس از سالها اختلاف و بحث‌های مداوم سرانجام احزاب حاکم در آلمان توافق کردند که زنان و مردان



برای کار یکسان از دستمزد یکسان برخوردار شوند. این مصوبه با وجود محدودیت‌هایش مورد حمایت اتحادیه‌های کارگری نیز قرار گرفته است.

از این پس تمام شرکت‌هایی که بیش از ۵۰۰ شاغل دارند، موظفند که به زنان و مردان برای کار یکسان، دستمزد و حقوق یکسان پردازند. در مورد

شرکت‌هایی با بیش از ۲۰۰ کارمند، این مصوبه پس از در نظر گرفتن تعرفه‌های حقوقی موجود و مشاوره با شورای کارکنان می‌تواند اجرایی شود.

"توماس اوپرمان"، رییس فراکسیون حزب سوسیال دمکرات، ضمن دفاع از مصوبه دولت تصریح کرد که این تصمیم سبب بهبود دستمزد دستکم ۱۴ میلیون زن در آلمان می‌شود.

به گفته وی، زنان در آلمان به طور متوسط ۲۱ درصد کمتر از مردان برای شغل یکسان دستمزد دریافت می‌کنند. اتحادیه‌های کارگری آلمان نیز از این مصوبه پشتیبانی کرده و آن را "گامی مهم در برقراری عدالت" میان زنان و مردان و "شفافیت" در زمینه پرداخت حقوق و مزایای کارکنان در آلمان خوانده‌اند.

پاکستان قانون علیه قتل‌های ناموسی را تصویب کرد

ایسنا، ۱۶ مهر - سه ماه پس از قتل ناموسی یکی از ستاره‌های زن پاکستانی به دست برادرش، دولت این کشور قانونی علیه قتل‌های ناموسی را تصویب کرد.

"قندیل بلوچ"، ستاره زن پاکستانی، در ژوئیه سال جاری میلادی به دست برادرش کشته شد و این قتل ناموسی باعث شد تا توجه جامعه بین الملل به این نوع قتلها در پاکستان معطوف شود. قانون منع آزادی قاتلان ناموسی در پاکستان پس از مدتها توسط مجمع ملی این کشور تصویب شده است. زنان پاکستانی مدتها بود که به دنبال تصویب چنین قانونی بودند تا به قتل‌های ناموسی در این کشور پایان دهند که هر ساله باعث کشته شدن صدها تن می‌شود.

"عایشه سروری"، فعال حقوق زنان و ستون نویس پاکستانی، گفته است: "این گامی به سوی مسیر درست است. ما باید به راه خود ادامه دهیم و عقب نشینی نکنیم."

اما یک فعال دیگر حقوق زنان گفته است که این قانون هنوز آنچنان که باید برای دفاع از حقوق زنان در پاکستان کافی نیست، چون به قاضیها امکان می‌دهد که درباره ناموسی بودن یا نبودن قتل تصمیم‌گیری کنند.

تاکنون عامل قتل ناموسی در صورت بخشش از سوی سایر اعضای خانواده، مشمول مجازات نمی شد. اما براساس قانونی که روز پنجشنبه تصویب شد، قاتل ناموسی حتی در صورت بخشیده شدن از سوی خانواده، به حبس ابد محکوم می شود.

چرا فقط زنان ایرانی اجازه ورود به ورزشگاهها را ندارند؟

خبرآنلاین، ۲۰ مهر - دیدار تیمهای تایلد و عراق از بازیهای مرحله مقدماتی جام جهانی امروز به دلیل شرایط امنیتی در کشور عراق، در ایران و در ورزشگاه دستگردی برگزار شد. نکته قابل توجه این مسابقه حضور بانوان طرفدار عراق در ورزشگاه بود. حتی بانوان تایلدی هم امروز در دستگردی بودند. طبق قانون، اتباع خارجی که در کشور ما هستند برای ورود به ورزشگاهها فقط نیاز به پاسپورت دارند. بانوان عراقی و تایلدی هم با حفظ حجاب توانستند این بازی را بدون ممنوعیت از نزدیک تماشا کنند. در بازیهای لیگ جهانی والیبال هم چنین اتفاقی برای بانوان خارجی افتاده بود.

یهودیان بنیادگرا زنان را از تردد در خیابانهای اصلی قدس منع کردند

ایسنا، ۲۶ مهر - بنیادگرایان یهودی به زنان در محله "ما شاریم" قدس تاکید کرده اند از خیابانهای اصلی این منطقه که محل سکونت آنان است استفاده نکرده و برای رفت و آمد از خیابانهای فرعی عبور کنند. علت این ممنوعیت برگزاری مراسم دینی جشن "سوکوت" قید شده است.



دادگاه عالی در اسراییل شش سال قبل جداسازی جنسیتی در خیابانهای اسراییل را منع کرد، اما یهودیان افراطی که اقدام به نصب این پوسترها کرده اند، به دنبال ادامه روند جداسازی زنان از مردان در خیابانهای اسراییل به ویژه در جریان برگزاری این مراسم هستند. "هیدوش" که یک سازمان برای برگزاری کمپینهای آزادی مذهب و

برابری است، درخواستی را به شورای حقوقی قدس فرستاده تا به این وضعیت رسیدگی کند. "خاخام اوری رگف"، مدیر این سازمان، گفت: "نمی توان در خیابان اصلی یک شهر شاهد طرد زنان باشیم."

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چالشهای معلمان در مهر ماه

فرنگیس بایقره

تجمع آموزشیاران پیش دبستانی مقابل مجلس

ایرنا، ۴ مهر - جمعی از آموزشیاران پیش دبستانی بار دیگر جهت تعیین تکلیف استخدامی مقابل مجلس اعتراضی بر پا کردند. آنها خواهان اجرای ماده ۱۷ و اجرای اصلاحیه تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق تدریسی و آموزشیاران نهضت سواد آموزی در وزارت آموزش و پرورش شدند.

تجمع سراسری بازنشستگان فرهنگی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی



ایلنا، ۶ مهر - بازنشستگان فرهنگی در سراسر کشور تجمع کردند. در تهران این تجمع از ساعت ده صبح مقابل مجلس شورای اسلامی شروع شد و در آن بیش از چند صد معلم بازنشسته شرکت کردند. خواسته اصلی بازنشستگان آموزش و پرورش، همسان سازی مستمری و مزایای کلیه مستمری مزدبگیران دولت و افزایش سطح دریافتی معلمان بازنشسته است. همچنین معلمان بازنشسته در بسیاری از شهرهای دیگر کشور از جمله کرمانشاه، مشهد و تبریز نیز دست به تجمع زده اند. بازنشستگان آموزش و پرورش می گویند تکریم بازنشستگان، توجه به وضعیت معیشت آنان است.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی گیلان مقابل استانداری

حقوق معلم و کارگر، ۱۵ مهر - جمعی از مربیان پیش دبستانی در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

مربیان پیش دبستانیهای گیلان و سراسر کشور در سال گذشته نیز بارها با برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی و استانداریها خواستار تحقق وعده استخدام خویش از سوی نهادهای مربوطه بوده اند. این مربیان تاکنون جواب مثبتی از سوی مسوولان دریافت نکرده اند.



گزارشی از تجمع معلمان بازنشسته

دانشجو آنلاین، ۲۶ مهر - امروز معلمان بازنشسته از سراسر کشور طبق فراخوانی مقابل دفتر سازمان برنامه و بودجه جمع شدند. جمعیت معلمان بازنشسته بسیار زیاد و چشمگیر بود. تعداد پوسترهایی که خواسته های معلمان روی آنها نوشته شده بود، بسیار زیاد و در

دستان معلمان بازنشسته توجه همه را جلب می کرد. گرچه تجمع طبق فراخوان باید با سکوت می بود، اما تنها چیزی که وجود نداشت سکوت بود! معلمان فریاد می زدند: "خط فقر سه میلیون، حقوق من یک میلیون"، "معیشت منزلت سلامت

حق مسلم ماست"، "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "حقوق ما ریالی، خرج ما دلاریه"، "بیمه رایگان برای بازنشستگان"، "اگر صندوق خالی، اینهمه اختلاس چیه"، "اگر صندوق خالی، این همه دزدی چی چیه؟"، "عدالت عدالت، نوبخت خجالت خجالت"، "حکومت عدل علی، این همه بی عدالتی"، "نوبخت بیا پایین. اگر من نبودم تو پشت میز نبودی".

معلمان از شهرهای تهران، کرج، ساوه، قائم شهر، سنندج، خرم آباد، کرمانشاه و شهرهای اطراف تهران در این تجمع شرکت داشتند. آقای خرسندی بالای یک ماشین رفت و قطعنامه را با صدای بلند خواند. بالاخره به معلمان بازنشسته خبر دادند که نوبخت می خواهد همه را ملاقات کند و معلمان با یک پیاده روی منظم و با هم وارد سازمان برنامه و بودجه شدند و در سالن آمفی تئاتر نشستند. همکاران هدف از تجمع را توضیح دادند و نوبخت را ملزم به جوابگویی کردند. نوبخت با یک سخنرانی تکراری همراه با منت برای معلمان کرد که با مخالفت حاضران در سالن روبرو شد. همکاران مازندرانی و لرستانی از طریق تریبون سالن مشکلات معلمان را مطرح کردند. ساعت سه بعد از ظهر معلمان که به نوبخت گفته بودند اگر توجه نشود می روند و مجدداً بر می گردند، سالن را ترک کردند.

تجمع مربیان پیش دبستانی گلستان برای چهارمین بار در یک هفته



ایلنا، ۲۸ مهر - مربیان پیش دبستانی استان گلستان برای چهارمین بار در هفته گذشته تجمع کردند. در این تجمع که مقابل استانداری استان گلستان انجام شد، حدود ۵۰ نفر از مربیان پیش دبستانی شرکت داشتند. پس از برگزاری تجمع، معترضان با مسوولان آموزش و پرورش و نمایندگان از استانداری نشستی را برگزار کردند که در این نشست مقرر شد به وضعیت استخدامی مربیان پیش دبستانی در هفته آینده رسیدگی شود. مربیان پیش دبستانی می گویند براساس بخشنامه دولت، خواستار جذب در آموزش و پرورش هستیم.

تجمع مربیان پیش دبستانی مازندران

فارس، ۳۰ مهر - روز پنجشنبه ۲۹ مهر، مربیان پیش دبستانی مازندران در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل آموزش و پرورش این استان زدند. مدت دو سال از تصویب قانون حق التدریس مربیان پیش دبستانی می گذرد، ولی هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. یکی از مربیان باسابقه در این باره گفت: ما مربیان مظلوم پیش دبستانی پس از سالها خدمت صادقانه به حق اندک خود قانع شدیم و این مصوبه حداقلی از سوی آموزش و پرورش مازندران اجرا نشده است.

درندگان اقتصادی در شکارگاه صندوق ذخیره فرهنگیان

منصور امان

فراسوی خبر... سه شنبه ۲۷ مهر

پس از چپاول میلیاردی سرمایه کارگران در صندوق تأمین اجتماعی توسط پایوران و مدیران حکومتی، اینک پرونده غارت دارایی به امانت گذاشته شده معلمان در صندوق ذخیره فرهنگیان در برابر چشم جامعه ورق می خورد.

مجلس مَلاها روز یکشنبه ۲۵ مهر به گونه رسمی گشوده شدن یک پرونده دیگر فساد کلان حکومتی را اعلام کرد و از قصد خود برای "تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان" خبر داد. نهاد مزبور رسیدگی به "وضعیت حسابها و داراییهای صندوق، معرفی مدیران با استفاده از پارتی و لابی، حقوق، اضافه کار و تسهیلات اعضای اصلی صندوق و مدیران" و جز آنها را موضوع و هدف این اقدام اعلام کرد.

پیشتر، در راستای تهاجم باند ولی فقیه به مدیران ارشد دولت آقای روحانی، منابع وابسته به آن از بازداشت مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان، آقای شهاب الدین غندالی، به همراه همسر و پسرش به اتهام سند سازی و برداشت مبالغ کلان از این صندوق خبر داده بودند. همزمان، "دریافتهای نجومی" هیات مدیره این بنگاه مالی و مدیران شرکتهای تابعه آن نیز به سطح رسانه ها کشانده شده بود.

با این حال چنین می نماید که غارت داراییهای زحمتکشان فرهنگی بسا فراتر از لفت و لیس "عادی" مدیران تربیت شده توسط "نظام" باشد. از آنهم بدتر، طنابی که باند آقای خامنه ای برای رقبایش گره زده، می تواند دور گردن خودش حلقه بزند.

چه، در کشمکش کنونی فاش گردیده که در طول دوره صدارت گماشته آقای خامنه ای بر منصب ریاست جمهوری، بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان از داراییهای صندوق زیر عنوان وام و تسهیلات به گونه بی بازگشتی به غارت رفته است. نام آقای بابک زنجانی، "سرباز ولایت" و ویتترین "سرداران" آن، با دریافت ۲۲۰ میلیارد تومان "وام" در این رسوایی نیز دیده می شود. یک کلاش دیگر حکومتی که هویت او اما محرمانه مانده است، به همین گونه به میزان ۱۲۵ میلیارد تومان صندوق ذخیره فرهنگیان را سبک کرده است. مبالغ مزبور از طریق "بانک سرمایه"، یک زیر مجموعه صندوق، بدون وثیقه یا گرفتن ضمانت به حساب آدمکهای دستگاه آقای خامنه ای واریز شده است.

پیرامون رقم دقیق غارت امانت فرهنگیان و رشد آن در دوره دولت حُجت الاسلام روحانی که به گفته یکی از نمایندگان "اصولگرا" به هفت هزار میلیارد تومان رسیده، ارقام گوناگونی ذکر می شود که بی تردید بخشی از این آشفته گویی، هدفمند و به قصد گل آلود کردن آب است. روشن اما این واقعیت است که همچون تاراج تأمین اجتماعی، پرونده فساد کلان کنونی نیز پس از پایان تاریخ مصرف باندی آن به بایگانی سپرده شده و کار از همانجایی که متوقف شده بود، از سر گرفته خواهد شد.

کمتر از هر مدعی دیگر، مجلس مَلاها با ژست "تحقق و تفحص" اش می تواند وعده پیگیری چیزی و پیگرد کسی را بدهد. موضوع "تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان" همچون مُرغ تُخم طلا بین دوره های مختلف مجلس دست به دست شده و از یکی به دیگری به ارث می رسد بدون آنکه سرانجام مُنتهی به تغییر و اصلاحی در سازوکار صندوق گردد و یا دستکم مانع غارت بیشتر آن شود. گذشته از این، تجربه فساد مالی در تأمین اجتماعی که حداقل ۳۷ نماینده مجلس در آن شریک بودند، اعتبار زیادی به نهاد مزبور برای پدیدار شدن در نقش دادستانی فساد حکومتی نمی دهد.

چپاول بی دریغ و بی مکافات داراییهای کارگران و معلمان، یک بار بیشتر منافی که حکومت در جلوگیری خشونت بار از سازمان یابی صنفی کارورزان و سرکوب مطالبه آنان برای ایجاد تشکلهای مستقل دارد را به گونه بی پرده به نمایش گذاشته است. درندگان اقتصادی در حاشیه امنی که با سلب حقوق و خلع ید از جامعه برای خود ایجاد کرده اند، به شکار می روند.

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

تجمع و تحصن در سه دانشگاه بزرگ کشور

صبح روز ۴ مهر، دانشجویان سه دانشگاه بزرگ کشور در اعتراض به هزینه های سنوات و وضعیت خوابگاهها تجمع و تحصن کردند. (ایلنا، ۴ مهر)



*** تحصن امیرکبیریه‌ها در اعتراض به هزینه های سنوات**
در دانشگاه امیرکبیر دانشجویان نسبت به هزینه های سنوات معترض بوده و بر این باورند که؛ در حالی که وزارت علوم تحصیل رایگان در ترم پنجم کارشناسی ارشد را مجاز می داند، اما دانشگاه

صنعتی امیرکبیر تصمیم به اخذ هزینه از دانشجویان جهت تحصیل در ترم پنجم می گیرد. در بخشی از بیانیه ای که دانشجویان امیرکبیر به همین مناسبت صادر کرده اند، آمده است: "شورایعالی برنامه‌ریزی آموزشی در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ آیین نامه جدیدی را برای دوره های کاردانی و کارشناسی (پیوسته و ناپیوسته) تصویب کرده است. در این آیین نامه، مدت سنوات مجاز تحصیلی برای دوره کارشناسی هشت و نیم سال تعیین شده است. این در حالی است که تعداد دانشجویانی که مدت زمان تحصیل شان ۹ یا ده سال و نیم به طول می انجامد، رقم کوچکی نیست."



* تجمع دانشجویان دانشگاه بهشتی در اعتراض به وضعیت خوابگاهها

از سوی دیگر نیز تجمع دانشجویان دانشگاه بهشتی در اعتراض به وضعیت خوابگاهها طی روزهای ۳ و ۴ آبان با حضور ۲۰۰ دانشجو برگزار شد.

یکی از دانشجویان این دانشگاه که در تجمع حضور داشت گفت: "امسال دانشگاه بهشتی مزاد ظرفیت پذیرش کرده، اما به این

دانشجویان گفته شده که ۱۰ مهر به بعد خوابگاه به آنها تعلق می گیرد و در حال حاضر دانشجویانی که از شهرستان به تهران آمده اند، سرگردان هستند. از طرفی خوابگاههایی که برای دانشجویان جدید ورود در نظر گرفتند، حدود ۲ ساعت با دانشگاه فاصله دارد."

این دانشجوی معترض اضافه کرد: "خواسته دانشجویان این است که حداقل خوابگاههایی نزدیک به دانشگاه به آنها داده شود."

* تجمع دانشجویان شریف در اعتراض به حذف قوانین مربوط به سنوات تحصیلی

حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف در اعتراض به هزینه های سنوات مقابل درب اصلی دانشگاه و دفتر ریاست آن اعتراض و تجمع کردند.

دبیر شورای صنفی دانشگاه شریف علت اعتراض این دانشجویان را حذف قوانین مربوط به سنوات تحصیلی عنوان کرد. مومنی گفت: "دانشگاه صنعتی شریف در کمال تعجب امسال ثبت نام دانشجویی را که تحصیلش به ترم ۵ کشیده شده است، منوط به پرداخت رقم جریمه ای حدود یک میلیون تومان کرده است؛ یعنی دانشجو ابتدا باید آن جریمه را بپردازد تا سپس بتواند در ترم جدید ثبت نام کند. آنهم در شرایطی که دانشجوی مورد بحث، دانشجوی روزانه "دانشگاه دولتی" صنعتی شریف است." بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۶ مهر تجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به حذف هزینه‌های سنوات تحصیلی برای سومین روز متوالی ادامه پیدا کرد.

تفسیر تازه وزارت علوم از آموزش رایگان

معاون آموزشی وزیر علوم با هدف شفاف سازی درمورد هزینه سنوات دانشجویان، توضیحاتی را در مورد آیین نامه های جدید آموزشی ارایه کرد.

دکتر مجتبی شریعتی نیاسر گفت: "مدت مجاز تحصیلی برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ۸ ترم، برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ۴ ترم و برای دانشجویان مقطع دکتری ۸ ترم است و امری که در آیین نامه آموزشی تحت عنوان آموزش رایگان مطرح می شود، مربوط به دانشجویانی است که در بازه زمانی مذکور به تحصیل خود پایان می دهند." معاون آموزشی وزیر علوم ادامه داد: "اما ممکن است یک دانشجو در بستر قانونی بیش از سقف مجاز را صرف تحصیلات کند. اگر این موضوع به دلیل عوامل خارج از اختیار دانشجو باشد، برای مثال استاد راهنما تشخیص دهد که مدت تحصیل دانشجویی باید بیش از حد قانونی باشد، هزینه نباید توسط دانشجو پرداخت شود. اما اگر عواملی در طولانی تر شدن مدت تحصیل دانشجویان دخیل باشد که در اختیار خود فرد است، هزینه تحصیل باید توسط خود دانشجو پرداخت شود." (ایسنا، ۴ مهر)

۸۴ موسسه اعزام دانشجو لغو مجوز شدند

گروه کار نظارت بر عملکرد موسسات وزارت علوم، فهرست ۸۴ موسسه لغو مجوز شده اعزام دانشجو به خارج را اعلام کرد، از این تعداد ۲۷ موسسه اعزام دانشجو تا اطلاع ثانوی تعلیق شده و ۵۷ موسسه فاقد اعتبار اعلام شدند. موسسات مزبور با توجه به ضوابط و مقررات، اجازه هیچگونه فعالیت در زمینه اعزام دانشجو از قبیل مشاوره، عقد قرارداد و... نخواهند داشت.

وزارت علوم می گوید، متقاضیان تحصیل در خارج از کشور که از طریق موسسات اعزام دانشجو اقدام می کنند، قبل از هر اقدامی ابتدا دانشگاه معتبری را از روی لیست اداره دانش آموختگان وزارت علوم انتخاب کنند، سپس به لیست موسسات خدماتی اعزام مجاز و غیر مجاز که در وب سایت اداره بورس دانشجویان خارج وزارت علوم منتشر شده مراجعه کرده و هیچ آدرس دیگر را قبول نکنند. (خبرگزاری مهر، ۹ مهر)

تجمع دوباره دانش آموختگان نفتی مقابل وزارت نفت

دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه صنعت نفت بار دیگر در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع کردند.

چندی پیش دانش آموختگان صنعت نفت در راستای پیگیری اجرایی شدن وعده دولت و وزارت نفت برای استخدام شان در شرکت ملی نفت، به مدت سه هفته مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند. آنها با وعده نمایندگان مجلس به حل مشکل شان، بیانیه ای مبنی بر تعلیق تجمعات خود صادر کردند تا مسوولان ذی ربط خواسته شان را پیگیری کنند. فارغ التحصیلان دانشکده صنعت نفت معتقدند که طبق آیین نامه این دانشکده باید با شرط معدل و پس از فارغ التحصیلی به استخدام وزارت نفت درآیند؛ البته روند استخدام آنها انجام شده که با دستور بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت، این روند متوقف شده است. (تسنیم، ۱۰ مهر)

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر

تعدادی از دانشجویان دانشکده مکانیک و صنایع دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی صبح روز ۱۰ مهر، برای ابراز مطالبات صنفی و اعتراض به نحوه رسیدگی مسوولان به آن تجمعی را در محوطه دانشگاه برگزار کردند.



همزمان با برگزاری جشن ورودیهای جدید دانشکده مکانیک و صنایع دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان در محوطه این دانشکده در ارتباط با کیفیت غذای دانشگاه، مشکلات خوابگاه و جریمه های سنوات اعتراض خود را به گوش مسوولان رساندند.

دانشجویان همچنین در ادامه اعتراض خود ظرفهای غذا را پس از دریافت از سلف، از خروجی سلف تا درب دانشگاه بر روی زمین قرار دادند. (ایسنا، ۱۰ مهر)

ابلاغ همه ممنوعیتها در اردوهای دانشجویی

آیین نامه اردوهای دانشجویی ابلاغ شد. براساس این آیین نامه، برگزاری اردوهای خارج کشور برای دانشجویان ممنوع شد و همچنین همراه داشتن سازهای موسیقی و دخانیات در اردوها مصداق تخلف است. ماده یازدهم آیین نامه تاکید کرده است، برگزاری اردوهای دانشجویی، به صورت مختلط مجاز نیست.

براساس تبصره دوم از بخش دوم آیین نامه، رعایت اصل کاهش اختلاط غیرضروری و توجه به ضوابط و ارزشهای اسلامی در زمینه اسکان و ایاب و ذهاب ضروری است.

براساس ماده سی و سوم آیین نامه، به منظور پیشگیری از شکل گیری محافل خارج از شئون دانشگاه در اردو به همراه بردن سازهای موسیقی و دخانیات ممنوع است.

همچنین براساس ماده سی و پنجم، ترویج فیلم و عکس از هر اردو یا سفر دانشجویی که به نحوی به دانشگاه و دانشجویان و یا ارکان آن نسبت داده شود و منافای شوونات اسلامی و دانشگاهی باشد، تخلف محسوب می شود و کمیته انضباطی دانشگاه باید با ترویج دهندگان برخورد مقتضی کند.

براساس ماده بیست و نهم آیین نامه، چنانچه تخلفی در اردوها صورت پذیرد، مرجع تشخیص، شورای فرهنگی دانشگاه و مراجع رسیدگی به آن کمیته انضباطی دانشگاه، هیات نظارت بر تشکلهای اسلامی، هیات رسیدگی به تخلفات اداری است. (خبرگزاری مهر، ۱۲ مهر)

۴۰ تشکل دانشجویی خواستار آزادی بی قید و شرط یاشار سلطانی شدند

چهل تشکل دانشجویی در بیانیه ای ضمن تاکید بر "آزادی بی قید و شرط یاشار سلطانی"، روزنامه نگار زندانی و مدیر مسوول وب سایت "معماری نیوز"، تاکید کردند: "چندی پیش یاشار سلطانی به اتهام شفاف سازی لیست واگذاریهای شهرداری تهران" بازداشت شد و اکنون نیز در بازداشتگاه به سر می برد.

دانشجویان تاکید کردند: "یاشار سلطانی تنها به مجری ساختن روح قانون اساسی که همان آگاهی بخشی به مردم است، اقدام کرده و هیچگونه عنوان مجرمانه را نمی توان بر او وارد دانست. اینک برآنیم تا حمایت خود را از او اعلام داریم و خواستار تحقق آزادی بی قید و شرط ایشان و شفاف سازی پرونده های پایمال کنندگان بیت المال باشیم."

آنها افزودند: "دانشجویان وظیفه قانونی و اخلاقی خود می دانند که با هرگونه پایمال شدن حقوق شهروندان مقابله نمایند و به مسوولانی که ودیعه نگاه داران بیت المال هستند، یادآوری نمایند که بر حسب جایگاه شان، آنها هستند که در موضع اتهام ایستاده اند و باید هر لحظه برائت خود را با شفاف سازی امور اعلام بدارند." (سحام نیوز، ۱۸ مهر)

تجمع دانشجویان دختر نیشابور در اعتراض به وضعیت خوابگاه ها

دانشجویان دختر دانشگاه نیشابور در اعتراض به وضعیت خوابگاهها و بالا رفتن هزینه های آن، روزهای ۲۶ و ۲۷ مهرماه در محوطه دانشگاه تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسوولان به این موضوع شدند.

یکی از دانشجویان می گوید: "بسیار درس خواندم تا بتوانم در دانشگاه دولتی پذیرفته شوم که این همه هزینه پرداخت نکنم، اما هزینه خوابگاهها بسیار بالاست. من که از روستا آمدم و پدرم کشاورز است این همه هزینه خوابگاه را از کجا بیاورم. اگر قرار بود تا این اندازه هزینه کنم که در همان دانشگاه آزاد شهر خودم تحصیل می کردم، با این وضعیت اگر خانه بگیریم خیلی به صرفه تر است."

یک دانشجوی رشته هنر هم می گوید: "آن قدر با کمبود فضا مواجه هستیم که حتی تخته طراحی خودمان را نمی توانیم بگذاریم و طراحیهایمان را انجام دهیم. اتاق ۴ نفره را ۶ نفره و ۶ نفره را ۸ نفره کرده اند و کارگاه را نیز اتاق درست کرده اند. روی فرش سوسک ریز دارد و نظافت خوابگاه بسیار نامطلوب است."

تجمع دانشجویان تا حدود ساعت ۱۴ ادامه یافت، در پایان توسط شورای صنفی دانشجویان بیانیه ای خوانده شد و طوماری نیز خطاب به نمایندگان مجلس نیشابور امضا گردید. (ایسنا، ۲۸ مهر)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

کارورزان سلامت

امید برهانی

نامه یک پرستار به نظام پرستاری: استخوان مان خرد شده

خانه پرستار، ۲ مهر - یک پرستار در نامه ای به شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار و قائم مقام سازمان نظام پرستاری، نوشت: "صدای خرد شدن استخوانهای همکاران تان در بخشهای درمانی را کی خواهید شنید؟"

در نامه مهدی فلاح، پرستار مرکز آموزشی و درمانی شهدا تبریز، آمده است: "سازمان نظام پرستاری با داشتن دهها هزار نیروی داوطلب عضو، پشتوانه عظیمی از انرژی را یدک می کشید که به نظر اینجانب تا به امروز در استفاده از آنها و مدیریت زمان بر حل مشکلات ضعف و کاستی فراوانی داشته است."

وی می افزاید: "به نظر می رسد سازمان در انجام امور خود به نوعی به روزمرگی مبتلا شده است و فعالیتهای خود را صرفاً معطوف به چانه زنی در مورد چند موضوع کرده است، حال آنکه پرستاران منتظرند هر روز روشهای جدید مواجهه با مشکلات طاقت فرسا از سوی سازمان ارایه شود."

این پرستار خطاب به مسوولان سازمان می گوید: "آقایان بس کنید کلمات کلیشه ای را! شلاق تحقیر و تهمت مدیران و روسای بیمارستانها را از سر پرستاران دفع کنید. به فکر هزاران شرح وظایف تحمیلی و غیر مرتبط با حرفه پرستاری



باشید، به فکر طلاقهای عاطفی و حقوقی همکاران با خانواده های شان باشید، به فکر اضافه کارهای تحمیلی باشید، به فکر حق الزحمه های عقب افتاده باشید، به فکر رفتار پلیسی و امنیتی با پرستاران باشید، به فکر بیماریهای جسمی و روحی همکاران تان باشید."

تجمع پزشکان درمانگر اعتیاد در اعتراض به نحوه نظارت وزارت بهداشت

خانه ملت، ۵ مهر - جمعی از پزشکان متخصص درمانگر اعتیاد در اعتراض به نحوه نظارت وزارت بهداشت بر فعالیت آنها و همچنین صدور مجوز توزیع داروی شبه هرویین در داروخانه ها، صبح روز ۵ مهر، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. نماینده این تجمع کنندگان گفت: "وزارت بهداشت خلاف قانون اساسی و توصیه های رهبری اقدام به برون سپاری کرده و برای بازرسی از مراکز ترک اعتیاد با جایی قرارداد بسته که حدود دو میلیارد تومان هزینه آن شده، در حالی که خود وزارتخانه پرسنل مربوطه را دارد و می توانست این هزینه را صرف ترک اعتیاد معتادان کند."



وی در ادامه به دستورالعمل توهین آمیزی که برای نحوه بازرسی از فعالیت پزشکان متخصص درمانگر اعتیاد صادر شده اشاره کرد و یادآور شد: "طبق این دستورالعمل، پرونده پزشکان و فعالیت آنها ملاک بازرسی نیست و بازرسیها از همسایه ها و افراد غیر پزشک درباره پزشکان پرس و جو می کنند و می توانند امتیاز منفی به آنها دهند، در حالی که در هیچ جای دنیا اینگونه نیست و پرونده پزشکی ملاک و معیار و حتی سند قابل اتکا در محکمه است." این نماینده تجمع کنندگان در پایان تصریح کرد: "از طرف دیگر، در صورتی که اطلاعات بیماران باید محرمانه مانده و فاش نشود، وزارت بهداشت سامانه ای طراحی کرده که همه اطلاعات بیماران اعم از اسم و رسم، آدرس و کد ملی آنها باید در آن ثبت شود که با این شیوه دیگر هیچ بیمار معتادی به علت عدم اطمینان به پزشک و این سامانه، اقدام به مراجعه و درمان نمی کند."

نظام پرستاری خواستار توقف اجرای طرح کمک پرستار شد

باشگاه خبرنگاران، ۶ مهر - محمد علی آدابی، رییس سازمان در مورد ضرورت توقف اجرای طرح کمک پرستار گفت: "سالانه ۸ الی ۱۰ هزار دانشجوی پرستاری با نگرانی شدید از آینده شغلی فارغ التحصیل می شوند. در چنین شرایطی هنوز شرح وظایف مشخصی برای کمک پرستاران مشخص نشده و همین موضوع نگرانیهای جامعه پرستاری را افزایش می دهد."

وی ادامه داد: "با توجه به وضعیت کنونی، تعریف دقیق شرح وظایف کمک پرستاران مهمترین محور مطالبات مان است، در غیر این باید این طرح متوقف شود زیرا آنها شرح درستی و روشنی از وظایف شان ندارند و دقیقاً در امور تخصصی پرستاری به طور مداوم مداخله می کنند."

کارانه پرستاران ارومیه هفت ماه است که پرداخت نشده

نظام پرستاری، ۱۲ مهر - عضو هیات مدیره نظام پرستاری ارومیه از پرداخت نشدن کارانه ۷ ماه و اضافه کاری ۳ تا ۴ ماهه پرستاران خبر داد. مسعود مجرد تاخیر در پرداختیها را ناشی از بدهی سازمانهای بیمه گر دانست و گفت: "هنوز اختلاف پرداختیها و تبعیض همچنان پابرجاست."

وی افزود: "به رغم ادعای برخی که کارانه پرستاران با اجرای طرح تحول سلامت ۲ تا ۳ برابر می شود، اما در عمل چنین نشد. اضافه کار در مراکز درمانی به معنای کار مفت کردن است و پرسنل ناچار برای جبران حقوق ناکافی خود ناگزیر از اضافه کار هستند."

مجرد ادامه داد: "به عنوان مثال فردی با ۲۰ سال سابقه کار و با ۱۶۰ ساعت موظفی در ماه، دریافتی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دارد. میزان اضافه کار همین فرد با ۱۷۰ ساعت در ماه در نهایت یک میلیون تومان خواهد شد، به عبارتی اضافه کار به معنای جبران کمبود نیرو با هزینه کمتر است."

عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور با بیان اینکه طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد مخالف قانون ارتقا بهره وری است، تصریح کرد: "طبق قانون ارتقاء بهره وری، هر پرسنل مجاز است حداکثر ۸۰ ساعت اضافه کار در ماه با اجازه کارفرما داشته باشد، اما در طرح قاصدک (پرداخت مبتنی بر عملکرد)، با افزایش میزان عملکرد فرد، میزان کارانه با ضریب افزایش می یابد."

نشست سراسری فعالان صنفی پرستاری سراسر کشور در تهران



خانه پرستار، ۱۴ مهر - اولین نشست سراسری فعالان صنفی کشور در سالن اجتماعات سازمان نظام پرستاری برگزار شد. در این نشست صنفی، جمعی از فعالان پرستاری از چهار گوشه کشور دور هم جمع شدند و به بیان نقطه نظرات خود پرداختند. فلاح، فعال صنفی پرستاری تهران، اولین سخنران نشست بود که گفت: "فعالان صنفی پرستاری کشور اکنون گردهم آمده

اند تا به مدیران، مسوولان، برنامه ریزان و تمامی افراد درگیر و ذینفعان نظام سلامت کشور بگویند که درد های نظام سلامت را می شناسند."

ظلی، فعال پرستاری تبریز، سخنران بعدی بود. او پیشنهاد کرد: "شورا های صنفی توسط فعالان صنفی در بیمارستانها تشکیل شود. به عنوان نمونه در تبریز این کار صورت گرفت و از هر بخشی یک فعال صنفی معرفی شد و شورایی در بیمارستان شکل گرفت و نماینده ای به هیات مدیره نظام پرستاری اعلام شد."

خانم باروئی، فعال صنفی بعدی از خطه خراسان و مشهد بود که با اشاره به حضور گسترده پرستاران در تجمع فعالان صنفی مشهد در مقابل دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: "کمیته مطالبات پرستاری خراسان از اولین تشکلهای خود جوش صنفی در حوزه پرستاری بود که با کار تشکیلاتی و گروهی خود در حوزه فعالیت های صنفی پرستاری توانست در انتخابات دوره چهارم نظام پرستاری کاملاً موفق عمل کند."

قاسم پور دیگر سخنران این نشست صنفی از فارس بود که به تجربه شورای کارکنان بیمارستان نمازی شیراز اشاره کرد و گفت: "این شورا به تناسب کارکنان هر واحد یک نماینده در آن شورا دارد و به عنوان مثال پرستاری ۵ نماینده و رادیولوژی و آزمایشگاه هر کدام یک نماینده دارند و نگرهبانی و خدمات و واحد های مختلف و این شورا بین ۱۳ تا ۱۵ عضو دارد و مهر ماه امسال انتخابات این شورا است و این نمونه خوبی است."

خانم اکبرزاده، فعال صنفی جوان مازندران، که تازه شش ماه از ترک محیط دانشجویی و ورود او به عرصه کار و تلاش می گذرد، از لزوم توجه ویژه سازمان به ورود دانشجویان در فضای صنفی گفت: "دانشجویان به علت روحیه خاص عدالت جوی خود بسیار می توانند در زمینه مطالبات صنفی موثر باشند، زیرا که دغدغه های یک پرستار شاغل را ندارند."

در ادامه این جلسه و در بخش پرسش و پاسخ، فعالان صنفی با طرح سوال و پرسش و پاسخ و بحث‌های گروهی خود به نقش و جایگاه و خواسته‌ها و مطالبات صنفی پرستاری پرداختند.



اعتصاب یک روزه در بیمارستان نمازی

خبر جنوب، ۲۲ مهر - سرپرست بیمارستان نمازی شیراز گفت: "بیمه خدمات درمانی بیش از یکسال و تامین اجتماعی شش ماه، پولی به این مرکز آموزشی-درمانی پرداخت نکرده و مشکل موجود باعث نگرانی ما و سایر مسوولان شده است." دکتر محمدرضا ادراکی افزود: "پزشکان بیمارستان نمازی یک سالی است که به جز حقوق ماهانه، دریافتی دیگری نداشته‌اند و حتی طی این مدت کارانه آنها واریز نشده است."

وی گفت: "به همین دلیل پرسنل بیمارستان در اعتراض به وضعیت پرداختها، یکرز دست از کار کشیدند. هرچند با این وجود، تمامی خدمات و جراحیهای اورژانسی بدون هیچ وقفه‌ای در بیمارستان نمازی انجام می‌شود." سرپرست بیمارستان نمازی شیراز ادامه داد: "علاوه بر کارانه، اضافه کاری پرسنل بیمارستان نمازی را شش ماه و اضافه کاری پزشکان را یکسال است به آنها پرداخت نکرده ایم که همین مساله انگیزه و کارکرد آنها را تحت تاثیر قرار داده و از مسوولان کشوری مربوطه خواستار رفع مشکل هستیم." دکتر ادراکی گفت: "با توجه به اینکه بیمارستان به طور کلی کمبود اعتبار ندارد، حتی اگر ۵ ماه از مطالبات ما واریز شود، امکان پرداخت سریع کارانه و اضافه کاری‌ها برای ما فراهم می‌شود."

وی رقم بدهی سازمانهای بیمه‌گر به بیمارستان نمازی را ۱۷۰ میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: "این بدهی بالا مشکلات بسیاری در زمینه خرید دارو، تجهیزات و لوازم مصرفی پزشکی به وجود آورده و وضعیت به نحوی نامطلوب است که شرکتهای دارویی و تجهیزات پزشکی، اقلام مورد نیاز را مانند قبل به ما ارایه نمی‌دهند."

اعتراض شماری از مردم شهر دندی نسبت به وضعیت بهداشتی درمانی

خبرگزاری فارس، ۲۲ مهر - در جریان بازدید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مرکز بهداشتی درمانی دندی، شماری از مردم دندی نسبت به وضعیت بهداشتی درمانی این منطقه اعتراض کردند. از جمله مطالبات مردم در این تجمع اعتراضی نبود پزشک متخصص، پزشک عمومی و ماما و دوری مرکز بهداشتی درمانی از روستاهای منطقه بود.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پاسخ به مطالبات مردم اظهار کرد: "این توقعات منحصر به شهر دندی نیست، بلکه همه کشور این توقعات را دارند. انجام این کارها و تامین اعتبار، متخصص و تجهیزات باید نسبی باشد. این نسبی بودن به معنای آن است که وضعیت موجود را با گذشته مقایسه کنیم."

وی اظهار کرد: "به من گزارش داده‌اند که سه پزشک در اینجا داریم که دو دندانپزشک هفته‌ای دو روز به آنجا می‌روند." معترضان سخنان وی را رد کرده و حضور سه پزشک را در این منطقه خلاف واقعیت خواندند. وزیر در پاسخ به آنها گفت: "با این سخنان، گزارشی که به من داده‌اند، خلاف واقع بوده است که اگر این گونه باشد، دستور بررسی آن را می‌دهم."

تجمع اعتراضی دستیاران تخصصی کودکان

خبرگزاری فارس، ۲۴ مهر - جمعی از دستیاران تخصصی کودکان از شهرهای مختلف همچون بندرعباس، کرمان، اصفهان، اهواز، تهران و ... صبح روز ۲۴ مهر با تجمع مقابل ساختمان وزارت بهداشت نسبت به تغییر دوره‌های آموزشی بدون اطلاع قبلی به دانشجویان اعتراض کردند.

مریم از دستیاران تخصصی کودکان که ورودی سال ۹۳ به این رشته است، در ارتباط با این تجمع اظهار داشت: دستیاران تخصصی کودکان ورودی سال ۹۳، تا سال سوم دوره آموزشی خود بر مبنای دوره سه ساله باید ادامه تحصیل می‌دادند؛ ولی اجرای برنامه چهارساله جهت این ورودی با اصول عدالت آموزشی مغایرت داشته و همه ما معترضان درخواست داریم برنامه چهارساله مورد نظر از ورودی سال ۹۴ به بعد اجرایی شود.

عدم پرداخت ۸ ماه معوقات پرستاران گرگانی

گلستان ما، ۲۹ مهر - جمعی از پرستاران زحمتکش شهرستان گرگان قصد برگزاری تجمعی اعتراض آمیز جهت دریافت معوقات ۸ ماهه خود داشتند که با میانجیگری یکی از کارکنان بیمارستان این تجمع لغو شد. این پرستاران برای چندمین بار به طرح ناعادلانه قاصدک واکنش نشان دادند.

یکی از پرستاران دلیل این تجمع را ناعادلانه خواندن طرح قاصدک که چند سالی است در دولت تدبیر و امید در بیمارستانها اجرایی می‌شود، دانست. به گفته این پرستار با شروع طرح قاصدک کلیه اضافه کاریها نیز در قالب این طرح گنجانده شده است.

پرستار دیگری با تاکید به سخنان همکارش مبنی بر ناعادلانه بودن طرح قاصدک گفت: این طرح قرار بود مشکلی از مشکلات پرستاران را بر طرف نماید اما در عمل خود به بزرگترین مشکل تبدیل شده است.



برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۵

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۱۲ حرکت اعتراضی

*روز پنجشنبه اول مهر، کارگران چندین شرکت پیمانکاری پتروشیمی ایلام برای دومین روز متوالی در اعتراض به سه ماه معوقات مزدی و عدم تحقق وعده‌های کارفرما در داخل دفاتر شرکت پیمانکاری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران به نمایندگی از دیگران گفت: این اعتراضات از بامداد روز چهارشنبه آغاز شد و کارگران چندین شرکت پیمانکاری زیرمجموعه شرکت پتروشیمی ایلام در آن حضور داشتند، اما با حضور نماینده کارفرمای اصلی در جمع کارگران و نشان دادن چک پرداخت مطالبات، به کار بازگشتیم.

*روز پنجشنبه اول مهر، اعتصاب کارگران قراردادی شرکت ارسا ساختمان، یکی از پیمانکاران آزاد راه تهران شمال، به علت عدم دریافت مطالبات مزدی سومین روز را پشت سر گذاشت. به گزارش ایلنا، این کارگران شرایط معیشتی خود را ناگوار توصیف کرده و گفتند که باتوجه به آغاز سال تحصیلی جدید توان تامین مایحتاج اولیه تحصیلی فرزندان شان را ندارند.

روز شنبه ۳ مهر، اعتصاب کارگران پروژه آزاد راه تهران - شمال که از ۳۰ شهریور آغاز شد، پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت.

*روز جمعه ۲ مهر، جمعی از اهالی قزوین به منظور حمایت از حفظ باغستانهای سنتی قزوین تجمع و طوماری را امضا کردند. به گزارش شاخص، این تجمع اعتراض آمیز خطاب به تصرف کنندگان باغات سنتی و تغییر کاربری این باغات استان قزوین است. این باغها ۲۵۰۰ هکتار هستند که شاید در کل دنیا از نظر تراکم درختان، وسعت باغستان، سطح زیر کشت و تعداد باغدارانی که در آن فعالیت دارند نمونه باشد.

*صبح روز شنبه ۳ مهر، جمعی از کارگران کارخانه اسپیدار ساوه در اعتراض به عدم پرداخت ۱۵ ماه حقوق، با حرکت از مقابل این واحد تولیدی و تجمع در مقابل فرمانداری ساوه خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. به گزارش ایسنا، این شرکت یکی از واحدهای تولید کننده انواع ظروف چینی بهداشتی است که از شرکتهای فعال شهر صنعتی کاوه به شماره می رود و در چند سال گذشته به دلیل برخی مشکلات از جمله کاهش نقدینگی و نیز نبود بازار مصرف مناسب دچار چالش شده است.

*کارگران کارخانه سیمان آریا اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت یک سال حقوق شان در روز شنبه ۳ مهر، دست به اعتصاب زدند و مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش جوان، این چهارمین تجمع کارکنان کارخانه سیمان آریا طی امسال برای دریافت حقوق و مطالبات خود است.

*صبح روز شنبه ۳ مهر، جمعی از کارگران روزمزد مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراج ناگهانی خود، مقابل ساختمان اداری مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی با اعلام این خبر گفت: از اول مهر کارفرما بدون پرداخت هیچ گونه دستمزد و حق بیمه از ورود کارگران به محل کارشان جلوگیری کرده است.

*صبح روز شنبه ۳ مهر، تعدادی از مهندسان ناظر جهاد کشاورزی خوزستان در اعتراض به استخدام نشدن خود، مقابل سازمان جهاد کشاورزی خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از مهندسان ناظر که خواست نامش فاش نشود گفت: از سال ۱۳۹۰ تاکنون به ما وعده جذب در این وزارتخانه داده شده ولی هنوز اقدامی در این زمینه نشده است.

*روز شنبه ۳ مهر، جمعی از رانندگان کامیون در اعتراض به وضعیت باربریها در بیرجند مقابل استانداری خراسان جنوبی تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از رانندگان معترض در این تجمع اظهار داشت: کارخانه های تولیدی بیرجند از قبیل کویر تایر و کاشی فرزاد با باربریهای غیر بومی قرارداد بسته اند و بارشان را به کامیونهای غیر بومی می دهند در نتیجه ۱۲ باربری مجاز در بیرجند در حال تعطیلی و ورشکستگی است.

*روز شنبه ۳ مهر، پذیرفته شدگان آزمونهای استخدامی سال ۱۳۹۱ در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. به گزارش اهواز نوین، تاکنون ۴ سال از آزمون استخدامی استانداری و دستگاههای اجرایی خوزستان برای استخدام ۱۱۶۸ جوان خوزستانی می گذرد و وعده حل مشکل در آینده تنها پاسخ مدیران دولت و تدبیر و امید است که مقصر را دولت گذشته می دانند.

*صبح روز شنبه ۳ مهر، کارگران اخراجی شهرداری یاسوج در اعتراض به اخراج خود مقابل ساختمان شورای اسلامی این شهر تجمع کردند. به گزارش کبنا نیوز، این کارگران که بیش از ۱۳ سال سابقه کار در شرکتهای پسماند شهرداری یاسوج داشتند، از این شرکتهای اخراج شدند. تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شهرداری یاسوج روز یکشنبه ۴ مهر برای دومین روز متوالی ادامه پیدا کرد.

*روز یکشنبه ۴ مهر، تعدادی از کارگران ایستگاه طبرسی خط دوم قطارشهری مشهد طی یک تجمع اعتراضی خواستار پرداخت به موقع حقوق خود شدند. به گزارش ایرنا، سخنگوی شرکت قطارشهری مشهد در این باره گفت: تمام صورت وضعیتهای شرکت قطار شهری با قرارگاه خاتم الانبیا به عنوان پیمانکار خط دوم پرداخت و تسویه شده است اما برخی از پیمانکاران ایستگاهها به دلیل انجام برخی هزینه ها در ایستگاه، در پرداخت حقوق کارگران تاخیر کرده اند.

*جمعی از بازرسان صنعت، معدن و تجارت در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی در روز یکشنبه ۴ مهر، دست به تجمع مقابل مجلس زدند. به گزارش ایرنا، معترضان خواهان تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود در این وزارتخانه شدند.

*روز یکشنبه ۴ مهر، اهالی روستای خیرآباد در اعتراض به قطع آب مقابل استانداری خراسان رضوی اجمع کردند. به گزارش ایسنا، این تجمع در واکنش به برخی مشکلات آب روستای خیرآباد بوده و در رابطه با یکی از چشمه های آب این روستاست.

*جمعی از صیادان و لنج داران بوشهری روز یکشنبه ۴ مهر، مقابل درب فرمانداری بوشهر تجمع کردند. به گزارش گام نیوز، این تجمع به دلیل مبلغ بیمه بالای لنج و عمل نکردن بیمه به تعهد خود در پرداخت خسارت صورت گرفت. یکی از لنج داران عنوان کرد: سالانه حدود هفت الی هشت میلیون تومان بابت بیمه لنج خود پرداخت می کنیم ولی تا کنون چندین بار به لنج ما خسارت بدنی و آتش سوزی وارد شد و بیمه هیچ هزینه ای رو پرداخت نکرد و هر سری که مراجعه می کنیم عنوان می کنند که تنها اگر در دریا اتفاقی برای شناور شما بیفتد و یا غرق شود بیمه پاسخگو است و نسبت به حوادثی که در اسکله بیفتد تعهدی ندارد.

*روز یکشنبه ۴ مهر، کارگران شرکت نصب نیرو کهنوج به دلیل عدم دریافت حقوق خود در ۶ ماه گذشته در محوطه شرکت تجمع کردند و از ورود کارمندان به نیروگاه برق جلوگیری کردند. به گزارش شوباد، این کارگران علت تجمع را عدم پرداخت حقوق ماههای گذشته خود می دانستند و در پی مطالبات خود که از ماهها بدون نتیجه باقی مانده بودند. یکی از کارگران عنوان نمود: با اینکه ما کارگران با تمامی جان و دل کار کرده ایم اما چندین ماه است که حقوق دریافت نکردیم.

*صبح روز یکشنبه ۴ مهر، تعدادی از کارگران فنی واحد بهره برداری شرکت پاکینه شوی (جام) واقع در شهرک صنعتی خرمشهر به دلیل مشکلات تولید آن شرکت در مقابل فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، ظاهراً صدای اعتراض کارگران آنجا بلند شد که کارفرما در اواخر ماه گذشته اعلام کرد: به دلیل پرداخت حق بیمه این کارگران به سازمان تامین اجتماعی، پرداخت دستمزدها با یک ماه تاخیر مواجه خواهد شد.

*صبح روز یکشنبه ۴ مهر، جمعی از کارگران پستهای فشار قوی برق مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان خواسته خود را اجرای طرح قرارداد دائم عنوان کردند و گفتند: با چندین سال سابقه کار در یکی از سخت ترین مشاغل، از امنیت شغلی بی بهره ایم و خواستار تبدیل قرارداد به قرارداد دائم هستیم. روز دوشنبه ۵ مهر، برای دومین روز متوالی کارگران پستهای فشار قوی برق مقابل سازمان مدیریت تجمع کردند. این کارگران از شهرهای مختلف برای پیگیری مطالبات خود به تهران آمدند.

*اعتصاب و تجمع شبانه روزی کارگران آزاد راه تهران - شمال در روز دوشنبه ۵ مهر، هفتمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش ایلنا، کارگران معترض از جانب کارفرما تهدید به اخراج شدند. یکی از کارگران این واحد صنعتی از عملی نشدن وعده های کارفرما و بی توجهی مسئولان استانی برای پی گیری مطالبات کارگران خبر داد. به غیر بحث تاخیری که در پرداخت معوقات مزدی وجود دارد کارگران از وضعیت غذا و بهداشت در استراحتگاه خود ناراضی هستند.

*صبح روز دوشنبه ۵ مهر، کارگران شهرداری شوشتر به دلیل اعتراض به وضعیت شغلی و امنیت شغلی خود دست از کار کشیده و مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران به این موضوع اعتراض دارند که ابتدا

در نیمه دوم سال ۹۴ از پیمانکار به شهرداری ملحق شده اند و بار دیگر در نیمه دوم سال جاری (قرارداد شهریور ماه به بعد) بار دیگر به پیمانکار سپرده شدند.

*روز دوشنبه ۵ مهر، کارگران کارخانه فولاد بویرصنعت یاسوج برای هشتمین بار در اعتراض به عدم پرداخت بیش از یک سال حقوق جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد و صدا و سیمای استان تجمع کردند. به گزارش کبنانیوز، یکی از این کارگران گفت: قبل از تجمع در مقابل استانداری برای پیگیری مطالباتمان به سازمان بازرسی مراجعه کردیم، آنجا هیچ بی احترامی نکردیم و فقط برای دریافت مطالباتمان تجمع کردیم اما به پلیس تلفن کردند که ما را دستگیر کنند.

*روز دوشنبه ۵ مهر، دستفروشان اهوازی برای چهارمین بار در دو هفته گذشته در اعتراض به آنچه سامان نیافتن دستفروشان این شهر عنوان کردند در برابر ساختمان استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از دستفروشان که در این تجمع حاضر شده بود گفت: امروز به همراه صد نفر از دستفروشان در مقابل استانداری تجمع کردیم که یگان حفاظت استانداری ما را متفرق کرد.

*صبح روز دوشنبه ۵ مهر، کشاورزان بهبهانی همزمان با سفر وزیر بهداشت به این شهرستان دست به تجمع اعتراضی در ورودی شهر بهبهان زدند. به گزارش ایسنا، کشاورزان معترض به بی آبی با تجمع در ورودی این شهر، جاده را بر این هیأت که استاندار آنها را همراهی می کرد بستند و خواستار صحبت با وی برای رفع مشکلات و انتقال به هیأت دولت شدند. در سال جاری کشاورزان با آگاهی نسبت به مشکلات کم آبی تنها در حدود ۱۵۰۰ هکتار از اراضی خود را کشت کردند اما با عدم رهاسازی آب از سد کوثر در دو ماه اخیر محصولات این اراضی رو به نابودی است.

*ظهر روز دوشنبه ۵ مهر، جمعی از اهالی روستای همه کسی بخش بهار همدان مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش فارس، نماینده معترضان در خصوص علت این تجمع، گفت: پست بانک، شعبه ای در روستای همه کسی افتتاح کرد و تعدادی از اهالی این روستا اقدام به افتتاح سپرده سرمایه گذاری در آن کردند. در این پست بانک با سوء استفاده، دفترچه دستی صادر می شد؛ از ۶ ماه پیش نیز پست بانک مرکزی با این شعبه قطع همکاری کرده و اهالی روستا را در جریان این امر مهم قرار نداده بود.

*روز سه شنبه ۶ مهر، جمعی از کارگران اخراج شده نساجی بروجرد به دلیل عدم بازگشت به کار در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند. به گزارش بازتاب بروجرد، ۲۹ اسفند سال گذشته ۴۸۳ تن از کارگران کارخانه نساجی بروجرد با سابقه های متفاوت به دلیل اجرای طرح توسعه و نوسازی کارخانه لغو قرار داد شدند و قرار شد ۶ ماه بعد از اخراج یعنی اول مهر ۹۵ همه کارگران اخراجی دو باره بازگشت به کار شوند. اما موعد وعده ها به سر رسید و اول مهر با دلهره های فراوان برای کارگران از راه رسید، باز هم کارگران مورد بی مهری قرار گرفتند و انگار نه انگار که قرار بود کارگران به کار بازگردند.

*روز یکشنبه ۴ مهر، جمعی از متقاضیان مسکن مهر پردیس با حضور در مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی خواستار تحویل واحدها یا بازگرداندن پولهای شان شدند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان در اعتراض خود شعار می دادند: «دعوی این دو دولت چه کار داره به ملت؟!»، «بدون هر هیاو مسکن مهر ما کو؟!»، «روحانی روحانی کلید خونمون کو؟!» تجمع کنندگان خواستار دیدار با وزیر راه و شهرسازی شدند. روز سه شنبه ۶ مهر، متقاضیان مسکن پردیس، برای دومین بار مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

*روز سه شنبه ۶ مهر، جمعی از متقاضیان آزمون استخدامی نیروگاه لوشان و خانواده های آنان در اعتراض به نتیجه آزمون جلوی درب ورودی این نیروگاه تجمع کردند. به گزارش زیتون خبر، اوایل مرداد ماه امسال آزمون جذب ۱۲ نگهبان و چند تن جوشکار و راننده و ... به نمایندگی شرکت گیل پاک شمال برای جذب در نیروگاه لوشان برگزار شد. هرچند تا دو روز پیش یعنی دو ماه بعد از گذشت آزمون از اعلام نتایج خبری نبود اما روز دوشنبه ۵ مهر نتایج این آزمون اعلام شد. برای ۱۸ فرصت شغلی نیروگاه لوشان بیش از ۹۰۰ تن ثبت نام نموده بودند که این تعداد داوطلب برای ۱۸ فرصت شغلی آمار قابل تاملی است.

*کارگران فضای سبز منطقه ۳ شهرداری دزفول به دنبال چند روز اعتصاب در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت چند ماه حقوق و دیگر مطالبات شان، صبح روز پنجشنبه ۸ مهر، دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض پس از چند روز اعتصاب با دریافت مبلغ ۳ میلیون ریال به عنوان علی الحساب به سر کار خود بازگشتند.

*روز پنج شنبه ۸ مهر، همزمان با سفر وزیر کار به بجنورد جمعی از متقاضیان کار دست به تجمع مقابل کارخانه پتروشیمی خراسان زدند و مانع ورود کامیونها به داخل کارخانه شدند. به گزارش بجننا، اهالی روستای قره خان بندی بجنورد خواستار استخدام بیکاران این روستا در کارخانه پتروشیمی خراسان بودند. روستای قره خان بندی در سه کیلومتری کارخانه پتروشیمی خراسان قرار دارد و از توابع بخش گرمخان شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی است.

*صبح روز جمعه ۹ مهر، خیابان ۲۶ ولنجک شاهد تجمع چند ساعته اعضای شرکت تعاونی مسکن وزارت دارایی و همچنین خانواده آنان در اعتراض به برخی نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی بود. به گزارش جام جم آنلاین، یکی از اعضای این تعاونی مسکن گفت: مطابق اسناد رسمی این ملک در سال ۱۳۸۵ توسط تعاونی مسکن وزارت دارایی خریداری شد و با توجه به آشنایی اعضای تعاونی به تمام قوانین و مقررات شهری و ملکی، در هنگام خرید، زمین مورد نظر هیچگونه ایراد قانونی نداشته است. وی افزود: در آن سال، آقای علی دایی (فوتبالیست) هم معرف این زمین بود و هم به عنوان وکیل مالک زمین یعنی آقای توکلی، زمین را به تعاونی فروخت که امضای ایشان پای قرار داد موجود است. آقای دایی حتی چند تن از فوتبالیستهای تیم ملی را بدون هیچ وجه نقدی عضو تعاونی کرد به این بهانه که کار پروژه سریع تر پیش رود. نه تنها کار پیش نرفت بلکه آن افراد پول سهم خود را هم نپرداختند. آقای دایی واسطه این افراد بوده و اگر آنها پول سهم خود را ندهند ما مجبور هستیم که از طریق قانون یقه آقای دایی را بگیریم.

*پیش از ظهر روز شنبه ۱۰ مهر، عده ای از مغازه داران هندیجان با توجه به همین مشکلات و فشار بانکها برای پرداخت اقساط عقب مانده آنها ناشی از رکود بازار در چهار راه فرمانداری تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. به گزارش فارس، چند ماهی است که دریابانی و گمرک این شهرستان به نام مبارزه با قاچاق کالا مانع از تخلیه شناورهای تجاری که بیشتر آنها بعد از چندین ماه از کشور دویی یا کویت برگشته اند، شده و صاحبان این شناورها علاوه بر خسارات مالی ناشی از توقف کالاهای موجود در شناورها، باید کرایه افراد نگهبان این کالاها را پرداخت کنند.

*روز شنبه ۱۰ مهر، تعدادی از کارگران حمل بار فرودگاه مهرآباد در اعتراض به اخراج ناگهانی خود مقابل ساختمان ترمینال شماره ۲ تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با بیان این که دست کم در چهار سال گذشته رابطه استخدامی آنها بدون پرداخت مزد معین از سوی پیمانکار ادامه پیدا کرده بود، گفتند: در این مدت دریافت انعام بابت حمل بار مسافران تنها محل اصلی درآمدهای ما بود.

*به گزارش ایسنا، روز یکشنبه ۱۱ مهر، تعدادی از رانندگان اتوبوس در مشهد در اعتراض نسبت به نحوه محاسبه و پرداخت حقوق شان برای دومین روز دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

*به گزارش اقتصاد آنلاین، روز یکشنبه ۱۱ مهر، اعضاء تعاونی مسکن مسکن برق تهران، فاز ۵ هشتگرد دست به تجمع اعتراضی مقابل مجلس زدند.

*روز یکشنبه ۱۱ مهر، اهالی شهر و روستاهای مسیر رودخانه «علا»، از دهستان «رود زیر» صیدون تا رامهرمز با برگزاری تجمع خواستار جلوگیری از احداث سد و برداشت آب این رودخانه شدند. به گزارش کبنا نیوز، رودخانه علا که از کوههای «هفت چشمه» و «گندم کار» حوزه خوزستان سرچشمه می‌گیرد، قرن‌هاست که مسیری طولانی و پر پیچ و خم را طی می‌کند تا در مسیر طولانی خود شهرها و روستاهای زیادی را از نعمت آب خود بهره‌مند سازد.

با توجه به کاهش شدید آب این رودخانه و خشکسالی و مشاهدات میدانی، مسئولان منطقه «دیشموک» از استان کهگیلویه و بویراحمد در حال احداث آب بند و نصب تاسیسات پمپاژ آب برای برداشت آب از این رودخانه هستند که در صورت بروز این اتفاق موجب کاهش شدید آب این رودخانه در پائین دست و تضييع حقوق مردم پائین دست رودخانه که طبق قانون مدنی و اساسی اولویت استفاده از این آب را دارند، می‌شود.

*صبح روز دوشنبه ۱۲ مهر، جمعی از کارگران رسمی و پیمانکاری برق منطقه ای کرمان در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و برای همسان سازی حقوق و دستمزد دست به تجمع مقابل شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان زدند. به گزارش کرمان ۱۴۰۰، این تجمع کنندگان از مسئولان استان کرمان خواهان رسیدگی به مشکلات شان بودند و طبق گفته یکی از تجمع کنندگان این چند مین بار است که چنین تجمعاتی را در کرمان برگزار می کنند ولی تا کنون مشکلات آن ها برطرف نشده است.

*روز سه شنبه ۱۳ مهر، صدها تن از کارکنان شرکتهای پیمانکاری مخابرات از سراسر کشور در مقابل مجلس رژیم دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارکنان خواهان حذف شرکتهای پیمانکاری، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و به رسمیت شناخته شدن شان به عنوان نیروی کار کارفرمای اصلی یعنی شرکت مخابرات و انعقاد قرارداد مستقیم با آن هستند.

*صبح روز یکشنبه ۱۱ مهر، کارگران خشمگین مجتمع صنعتی آلومینیوم المهدی - هرمزآل به دنبال واریز حقوق شهرویشان، در اعتراض نسبت به کاهش حقوق دست به تجمع زدند و با بستن درب کارخانه مانع از خروج شمش تولیدی شدند. به گزارش ایسنا، کارگران تجمع کننده گفتند: حقوق شهرویشان به میزان ۳۰ درصد کاهش یافته است. روز سه شنبه ۱۳ مهر، حرکت اعتراضی این کارگران سومین روز خود را پشت سر گذاشت.

*ظهر روز سه شنبه ۱۳ مهر، جمعی از کارگران شهرداری بیجار در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق دست از کار کشیده و در پارکینگ شهرداری تجمع کردند. به گزارش فارس، این کارگران و پرسنل شهرداری با تحصن در پارکینگ شهرداری، از انجام وظایف خود از جمله پاکسازی سطح شهر و جمع آوری زباله به نشان اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۶ ماه خود سر باز زدند.

*صبح روز سه شنبه ۱۳ مهر، تعدادی از قبول شدگان آزمون استخدامی دستگاههای اجرایی خوزستان در اعتراض به آنچه که جذب نشدن خود در ادارات عنوان شده، مقابل ساختمان استانداری در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از معترضان گفت: در آزمون استخدامی دستگاههای اجرایی استانداری در سال ۹۱ شرکت کردیم و قبول شدیم و تمامی مراحل استخدامی را انجام داده ایم اما هنوز ما را جذب کار نمی کنند.

*روز سه شنبه ۱۳ مهر، جمعی از اعضای تعاونی مسکن شرکت ملی نفت به نمایندگی از ۸۰۰ خانوار در مقابل وزارت نفت تجمع کردند و خواستار ورود وزیر برای حل این مساله شدند. به گزارش ایرنا، طبق گفته معترضان، ۸۰۰ خانوار درگیر این مساله هستند و مبلغ این تخلف نیز نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان است.

*صبح روز سه شنبه ۱۳ مهر، جمعی از کارگران شرکت سپنتا که از سال ۹۴ تاکنون حقوق شان با وعده های بی اساس مدیران پرداخت نشده جهت اعلام اعتراض مقابل فرمانداری اهواز تجمع کردند. به گزارش اهواز نوین، کارگران معترض گفتند: اما به هر دلیلی از سال ۹۴ تا الان ما را با انواع گفته های پوچ وعده داده اند.

*صبح روز سه شنبه ۱۳ مهر، تعدادی از کارگران شرکت گلریس ابهر در اعتراض برای گرفتن حقوق از دست رفته خود، در محل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ابهر ۲۴، کارگران که همواره قربانی بی برنامهگی و سیاستهای مدیریتی نادرست مدیران بالادستی خود بوده اند، چندین ماه است که نانی سر سفره خانواده خود نبرده و همچنان در طلب حق قانونی خود سنگ بر در بسته می کوبند تا از این راه بتوانند حداقل فریاد اعتراض خود را به گوش مسئولان استانی برسانند.

*روز چهارشنبه ۱۴ مهر، جمعی از کارگران منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس مقابل استانداری هرمزگان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران معترض، پلاکاردهایی با عنوانهای «خصوصی سازی نمی خواهیم» در دست داشتند. در این تجمع، کارکنان، نگران آینده این مجتمع صنعتی بودند و اضافه کردند: همان طور که با وعده خصوصی سازی و بهبود امور مجتمع آلومینیوم المهدی هرمزغال را واگذار و در پی آن شاهد سرگردانی و کاهش حقوق کارگران و بی ثباتی در آن هستیم، نمی خواهیم چنین موضوعی در منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس رخ دهد.

*روز سه شنبه ۱۳ مهر، برای بار دیگر جمعی از کارگران کارخانه آونگان اراک در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل استانداری مرکزی زدند. به گزارش ایرنا، این کارگران در پی پرداخت نشدن حقوق معوق خود در ماههای گذشته از مسئولان خواستند تا با بررسی وضعیت کارخانه آونگان، تنگناهای پیش روی کارگران این واحد بزرگ تولیدی را رفع کنند.

روز چهارشنبه ۱۴ مهر، برای دومین روز متوالی، کارگران این کارخانه دلیل پرداخت نشدن ۲۲ ماه از حقوق و مزایای خود مقابل استانداری مرکزی تجمع کردند.

شرکت آونگان بزرگترین سازنده دکل های انتقال نیرو در خاورمیانه بود که بعد از واگذاری به بخش خصوصی با مشکلات اقتصادی مواجه شده است.

*صبح روز چهارشنبه ۱۴ مهر، کارگران فروآلیاژ ازنا با تجمع در درب ورودی کارخانه از عدم تعیین تکلیف و چشم انداز اخراج شان اعتراض کردند. به گزارش ازنا خبر، جمعی از کارگران صنایع فروآلیاژ ازنا برای اولین بار در اعتراض به تعطیلی و اخراج مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند.

*روز پنجشنبه ۱۵ مهر، تعدادی از رانندگان اتوبوس شهری حمل و نقل شهرداری رشت با ۱۰ اتوبوس به دلیل عدم دریافت معوقات و حقوق ماهیانه ۴ ماه اخیر خود در میدان دکتر حشمت رشت تجمع اعتراض آمیز کردند. به گزارش تسنیم، یکی از رانندگان معترض با اشاره به اینکه ۴ ماه است که حقوقی از سوی شهرداری رشت به آنها پرداخت نشده است، اظهار داشت: آیا مسئولان می‌توانند ۴ ماه بدون حقوق را تصور کنند؟

*به گزارش ایرنا، کارگران پیمانکاری شرکت پتروشیمی اروند روز پنجشنبه ۱۵ مهر، نسبت به پاسخگو نبودن مسئولان شرکت و کسر حقوق و مزایای خود اعتصاب کردند.

کمپین «نه به تانکر مرگ» در مریوان

پیش از ظهر روز سه شنبه ۱۳ مهر، اهالی مریوان در اعتراض به وضعیت جاده های این شهرستان در مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش تسنیم، مردم شهرستان مریوان با حضور و تجمع در چندین مسیر مختلف در داخل شهر مریوان ضمن ابراز نارضایتی از وضعیت جاده های مواصلاتی، با سر دادن شعار «نه به تانکرهای حامل سوخت»، خواستار تسریع در ساخت جاده مریوان-سنندج و همچنین ممانعت از ورود تانکرهای حامل سوخت از مرز رسمی باشماق شدند.

عصر روز پنجشنبه ۱۵ مهر، مردم شهرستان مریوان با حضور و تجمع در میدان ملا بیسارانی شهرستان مریوان ضمن ابراز نارضایتی از وضعیت جاده های مواصلاتی مریوان سنندج که در حادثه ناگوار چند هفته قبل شاهد واژگونی تانکر حامل سوخت که در دو کیلومتری روستای نگل منجر به فوت ۴ نفر از همشهریان مریوانی شد، خواستار تسریع در ساخت جاده مریوان، سنندج شدند. در این روز نیروهای سرکوبگر ۵ تن از فعالان کمپین «نه به تانکر مرگ» را بازداشت کردند. به گزارش سایت جوانه ها، فضای شهر مریوان در روز جمعه ۱۶ مهر به شدت امنیتی شد و نیروهای گارد ویژه و ماموران لباس شخصی در نقاط حساس شهر مستقر شدند.

روز شنبه ۱۷ مهر، هر یک از فعالان بازداشت شده با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

*روز شنبه ۱۷ مهر، کارگران کارخانه اشی مشی شلمزار در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دستمزد دست به تجمع مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری زدند. به گزارش جهانبین نیوز، گروه تولیدی بازرگانی اشی مشی یکی از بزرگترین کارخانجات تولید مواد غذایی در ایران است که در سال ۱۳۷۱ فعالیت خود را با تولید انواع اسنک (غلات حجیم شده) آغاز کرده است. این کارخانه در شهرکرد، کیلومتر ۳۰ جاده خوزستان، شلمزار، جنب دریاچه واقع شده است.

*روز یکشنبه ۱۸ مهر، جمعی از کارگران کارخانه آونگان اراک در اعتراض به عدم پرداخت ۲۲ ماه حقوق و دیگر مطالبات شان برای بار دیگر دست به تجمع مقابل استانداری مرکزی زدند. به گزارش ایرنا، این کارگران گفتند: کارگران این شرکت تولیدی از مسئولان می خواهند که راهکار عملی در تحقق مطالبات معوق ۲۲ ماهه حقوق و مزایای آنان داشته باشند، چرا که شرایط سختی را می گذرانند.

*صبح روز شنبه ۱۷ مهر، کارگران اخراجی پتروشیمی جم، به همراه خانواده های شان به تهران آمدند و مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان که ۴ ماه پیش به بهانه تغییر مقررات و با وجود عدم خاتمه قرارداد، از کار بیکار شدند گفتند، پیگیریهای آنها در استان بوشهر تاکنون بی نتیجه مانده است.

روز یکشنبه ۱۸ مهر، این کارگران برای دومین روز متوالی مقابل مجلس تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۱۸ مهر، اهالی روستاهای لوداب (گردنگاه، سر گردنگاه، دره بنگر و چانگ) جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کبنانیوز، یکی از اهالی این روستا اظهار کرد: این روستاها از یک جاده ارتباطی برخوردار هستند و متأسفانه به دلیل وضعیت بد این جاده تنها با «الاغ» و «قاطر» می‌توانیم، عبور و مرور می‌کنیم.

یکی از اهالی روستای «دره بنگرو» بخش لوداب از توابع شهرستان بویراحمد نیز بیان کرد: مسئولان مرتب در شعارها و سیاستهای کاری خود اعلام می کنند که باید از مهاجرت روستائیان جلوگیری شود، اما این وضعیتی که جاده ارتباطی ما دارد خلاف آن چیزی است که مسئولان می گویند.

*پیش از ظهر روز پنج شنبه ۲۲ مهر، اهالی روستای کمجان و شهر طرقرود نطنز در اعتراض به بهره برداری بی رویه معادن این روستا با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان نطنز و سردادن شعارهایی خواهان تعطیلی معادن این روستا شدند. به گزارش نطنزنا، گروهی از تجمع کنندگان در اعتراض به معادن برای برگزاری جلسه با فرماندار نطنز وارد فرمانداری شدند و بعد از حضور برخی از تجمع کنندگان در فرمانداری نطنز، اعضای شورای تامین شهرستان نطنز هم وارد فرمانداری نطنز شده و با بعضی از تجمع کنندگان تشکیل جلسه دادند.

*روز چهارشنبه ۲۱ مهرماه مردم میناب در اعتراض به بی آبی شدید در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمع زنان نقش مهمی ایفا کردند. لازم به ذکر است که مردم میناب مراجعات مکرری هم به فرمانداری و اداره آب این شهر داشته اند ولی تاکنون به جایی نرسیده است.

*اهالی روستای سراوان رشت روز پنج شنبه ۲۲ مهر با تجمع اعتراضی در محل دفن زباله سراوان خواستار توقف آلودگی محیط زیست در این منطقه شدند. به گزارش رشت پرس، اهالی این روستا خواستار توقف روند تجمع زباله های استان گیلان در این محل شدند.

*روز شنبه ۲۴ مهر، جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی اروند واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به کاهش دستمزد و مزایای خود تجمع اعتراض آمیز برپا کردند. به گزارش مانا، کارگران شرکت پتروشیمی اروند می گویند چند ماه است که میزان حقوق دریافتی شان کاهش یافته و تاکنون علت این اقدام از سوی مسئولان شرکت پتروشیمی اروند اعلام نشده است. این کارخانه طبق اصل ۴۴ قانون اساسی اواخر پارسال از سوی سازمان خصوصی سازی از چرخه دولتی خارج و به بخش خصوصی واگذار شد.

*روز دوشنبه ۱۹ مهر، تعدادی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای دومین روز متوالی اقدام به اعتصاب و تجمع مقابل ساختمان اداری این مجتمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند؛ دلیل اعتراض ما کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه عدم دریافت ۲ تا ۴ ماه مزد معوقه به همراه پرداخت نشدن دست کم شش ماه حق بیمه کارگران روزمزدی به تامین اجتماعی است که کارفرما از پرداخت آن به کارگران خوداری می کند. روز شنبه ۲۴ مهر، صدها کارگر این مجتمع علیرغم پرداخت بخشی از مطالبات شان و وعده پرداخت باقیمانده حقوق معوقه شان، به دلیل بی اعتمادی به وعده های مدیریت به ششمین روز پیایی اعتصاب شان ادامه دادند. در این روز جلسه مذاکره میان نمایندگان مدیریت و کارگران برگزار شد که نتیجه آن خاتمه موقت اعتراض کارگران بود. در جلسه مذکور مقرر شد که دستمزد عقب افتاده ماههای شهریور و مهر نیز در فاصله روزهای پنجم تا دهم و بیست و پنجم تا سی ام آبان پرداخت شود.

*صبح روز دوشنبه ۲۶ مهر، کارگران بیکار شده کارخانه دیار خودرو در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و ماهها عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان و همچنین بی تفاوتی مسئولان طراز اول شهرستان دست به تجمع مقابل فرمانداری گلپایگان زدند. به گزارش بیان گلپایگان، کارگران این شرکت خودرویی عدم دریافت هشت ماه حقوق و دستمزد، با توجه به وضعیت بد معیشتی و مشکلات عدیده اقتصادی و عدم تمدید دفترچه های بیمه خود را به علت کوتاهی این شرکت در

پرداخت حق بیمه آنان، یکی از مطالبات خود بیان نمودند و خواستار رسیدگی مسئولان شهرستان برای دریافت مطالبات خود شدند.

*روز دوشنبه ۲۶ مهر، اعتصاب کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز برای سومین روز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مقابله با خطر اخراج و بیکاری دست از کار کشیده و در کارخانه تجمع کردند. به گزارش کارگران کرمان، یکی از کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز گفت: مسئولان مرتب به ما وعده و وعید می دهند یک بار وعده دریافت حقوق، یک بار وعده به کارگیری و جذب نیروها، اما آبی از این مسئولان گرم نمی شود و تنها حرف می زنند.

*صبح روز دوشنبه ۲۶ مهر، جمعی از پاکبانان و کارگران فضای سبز شهرداری نوشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل ساختمان شهرداری زدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان با بیان اینکه حدود ۳ ماه حقوق دریافت نکرده اند، خواستار رسیدگی شهردار و مسئولان شورای اسلامی شهر نوشهر شدند. پاکبانان و کارگران فضای سبز شهرداری با یک شرکت خصوصی به نام نوآوران ساحل گستر قرارداد دارند.

*روز دوشنبه ۲۶ مهر، جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه صابون سازی خرمشهر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی برای بار دیگر مقابل فرمانداری خرمشهر اجتماع کردند. به گزارش جوان، کارگران بیکار شده شرکت صابون سازی خرمشهر چهار سال است که به امید راه اندازی مجدد کارخانه صابون سازی و دریافت مطالبات خود هستند و بارها دست به تجمع اعتراضی زده اند.

*صبح روز دوشنبه ۲۶ مهر، تعدادی از رانندگان تاکسیهای فرودگاههای مهرآباد و خمینی مقابل سازمان تاکسیرانی دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، معترضان خواسته خود را تغییرات شرایط شغلی عنوان کردند و گفتند یکی از تصمیماتی که به آن معترضین جداسازی اشتغال در دو فرودگاه تهران است، به این معنا که با تصمیم سازمان قرار است تاکسیرانان فرودگاه خمینی حق کار در مهرآباد را نداشته باشند و بالعکس.

*روز سه شنبه ۲۷ مهر، همزمان با آغاز بررسی لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار جمعی از کارگران تهران با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران دست به تجمع در مقابل مجلس زدند. در این تجمع کارگران شعار می دادند: لایحه این دولت بردگی کارگر، معیشت منزلت حق مسلم ماست، قرارداد موقت بردگی کارگر، اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار، امید کارفرماها کارگر خاموشه، تدبیر دولتمردان کارگر ارزونه، کارفرمایان بدانند کارگر خاموش نمی شه، دولتیان بدانند کارگر ارزون همیشه و... در این تجمع پلاکاردهای زیادی به چشم می خورد که بر روی آنها مطالبات کارگران و شعارهایی در اعتراض به لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار نوشته شده بود: بر روی بنر بزرگ این تجمع نوشته شده بود: ما خواهان اجرای فوری ماده ۴۱ قانون کار برای افزایش فوری دستمزدها، بر چیده شدن قراردادهای موقت، حق برپائی تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار به نفع یک زندگی انسانی برای کارگران و مزد بگیران زحمتکش هستیم.

*روز سه شنبه ۲۷ مهر، کارگران اخراجی شهرداری یاسوج برای بار دیگر برای بازگشت به کار و اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان و عدم پاسخگویی مسئولان طراز اول یاسوج و استان کهگیلویه و بویراحمد دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به فارس، در ماه گذشته پیمانکار جدید شهرداری جمعی از کارگران خدماتی و باسابقه شهرداری را به دلیلی که مشخص نشد از کار اخراج کرد.

*صبح روز سه شنبه ۲۷مهر، کارگران پتروشیمی پردیس در اعتراض به قطع کارانه شهریور ماه و تنزل شغلی تعدادی از همکاران شان دست از کار کشیده و در داخل ساختمان ریاست پتروشیمی پردیس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این اقدام اعتراضی امروز پس از آن صورت گرفته است که مدیریت این واحد صنعتی در ادامه سیاست بی اعتنایی این نسبت به خواسته های کارکنان معترض، مزایای بهره‌وری آنها را قطع کرد. تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی پردیس با دخالت نیروی سرکوبگر انتظامی در منطقه ویژه پارس جنوبی - عسلویه بدون نتیجه پایان یافت.

*به گزارش نوا جنوب، روز سه شنبه ۲۷ مهر، تعداد زیادی از اهالی شهرکهای اسدی برازجان مجاور پل بسیج با حضور مقابل درب شورای شهر برازجان اعتراض شدید خود را به عملکرد ضعیف شهرداری برازجان و بی توجهی و تبعیض بسیار شدید شورا و شهرداری نسبت به شهرکهای اسدی و مناطق اطراف بلوار بسیج اعلام کردند.

*به گزارش ذاکرنیوز، روز چهارشنبه ۲۸ مهر کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز با هماهنگی کارگران شیفت شب کار و شیفت صبح کار در محل شرکت تجمع کردند که با حضور مدیر عامل و برخی از معاونان شرکت، معترضان خواسته های خود مطرح کردند و اظهار داشتن: چرا باید خانواده های ما از بی پولی و دریافت نکردن حق و حقوق ما از این شرکت مایوس و در جامعه تحقیر شوند.

*روز چهارشنبه ۲۸ مهر، جمعی از اهالی محمد شهر به دلیل مشکلاتی که برای آب این منطقه به وجود آمده بود مقابل فرمانداری کرج تجمع کردند. به گزارش تیتریک، این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی و مجموعه فرمانداری به پایان رسید.

*سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: حکم زندان دو فعال کارگری را محکوم می کنیم

طبق این احکام بدوی، این دو فعال کارگری به دلیل فعالیت صنفی هر یک به تحمل یازده سال زندان محکوم شده اند. اینگونه احکام نقض ابتدایی ترین حقوق کارگری و بطور مشخص کلیه مقاوله نامه های بنیادین سازمان جهانی کار می باشند که دولت جمهوری اسلامی ایران هر ساله در مجامع بین المللی ادعا دارد که آنها را مراعات می نماید. این در حالی است که هر کارگری در ایران می داند که هیچ یک از مقاوله نامه های بین المللی مربوط به ابتدایی ترین حقوق کارگری از جمله حق تشکل و آزادی انجمن توسط وزارت کار و مجموعه دستگاههای امنیتی کشور مراعات نمی گردند و فعالین کارگری به انحای مختلف در معرض تعقیب، اذیت و آزار، اخراج و زندان قرار دارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکومیت احکام صادره علیه نامبردگان، خواهان آزادی بی قید و شرط همه کارگران و فعالین کارگری می باشد.

چهارشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۵ - ۱۹ اکتبر ۲۰۱۶

*روز دوشنبه ۵ مهر، کارگران پتروشیمی پردیس به علت خلف وعده مدیران این شرکت در جهت رفع کاستیها و بهبود شرایط کاری دست به اعتصاب غذا زدند. به گزارش نفت ما، مدیر عامل این شرکت ۲ ماه پیش نامه ای را با دست خط خود برای امور مالی، اداری و خدمات شرکت نوشته تا خواسته های پرسنل بررسی و حداکثر تا ۱ مهر به اجرا شود که در عمل هیچ اقدامی برای کارگران صورت نگرفته و در مقابل تعدادی از کارگران این شرکت از فعالیت خود در این شرکت تعلیق شدند.

روز پنج شنبه ۲۹ مهر، اعتراضات کارگران پتروشیمی پردیس وارد بیست و چهارمین روز خود شد.

رویدادهای هنری ماه

فتح الله کیائیهها

هردم ازین باغ بری می رسد

تازه تراز تازه تری می رسد

در خبرهای هنری خواندیم که گویا دولت تدبیر و امید در یک کشاکش و رقابت تنگاتنگ با ائمه جمعه و جماعت به تدبیری هوشمندانه دست یازید و نه تنها توانست در کورس قهرمانی قلع و قمع هنر و هنرمند و هنر دوست بر رقیب دیرینه اش امامان جمعه (بخوانید خوانین جدید ولایات ام القرا) پیروز شود، بلکه بر اساس نظر جمعی از کارشناسان توانسته نور امید را در دل دردمند کفن پوشان قداره بند ولی معظم، نه تنها روشن که چونان هاله ای از نور نشانده و به امت مستضعف نشان دهد که معنی تدبیر و امید "همینه که ما می گوئیم، نه آنکه شما فکر کرده بودید..." و اما اصل خیر:

سینماها در ایام سوگواری تعطیل... و این بدان معنی است که: در تاریخ حیات جمهوری اسلامی، برای اولین بار و در دولت روحانی است که سینماها در ایام عاشورا و تاسوعا تعطیل می شوند. و تو خود حدیث مفصل بخوان از حکایت دولت تدبیر و امید.

تیاتر، سینما

تیاتر کارگران و رنجبران با یکی از هنرمندان قدیمی و پر شر و شورش وداع کرد. به خلاصه ای از زندگی نامه "داریو فو" اشاره ای گذرا می کنیم. بخوانید:

داریو فو صحنه را ترک کرد

"داریو فو"، برنده نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۷، تصادفا در روز اعلام برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۶ درگذشت.

او ۸۰ نمایشنامه نوشت و بسیاری از اپراها را کارگردانی کرد و جدا از ترانه سرایی، مقالات سیاسی و کتابهای متنوعی هم در عرصه آموزش تاتر از خود برجای گذاشت.



فو، نقال داستانهای اعتصاب کنندگان از کارخانه ای به کارخانه دیگر بود و در کارناوالهایش حتی از فروش محصولات کارخانه ها برای کمک به کارگران اعتصابی دریغ نمی کرد. تاتر او "تاتر کمون"، کمپانی فوورمه" نام داشت و در میان کارگران و زندانها و کارخانه ها اجرا می شد.

اما از بهترین کارهای او می توان از "مرگ تصادفی یک آنارشیست" نام برد که بارها به خاطرش تهدید به مرگ شد. داستان تلخ و واقعی "جوزپه پینلی"، کارگر راه آهن، که به جرم بمب گذاری دستگیر شد و در بازداشت مرد در حالی که هیچ ربطی به بمب گذاران واقعی نداشت. به تازگی دولت ترکیه از اجرای چهار نمایش او جلوگیری کرد. روز ۱۵ اکتبر، در شبه ای بارانی، هزاران نفر با سرود پارتیزانی "بلاچاو"، داریو فو را در آخرین سفرش بدرقه کردند.

یک جایزه دیگر برای ژولیت بینوش

براساس گزارش یورو نیوز، جایزه اروپایی جشنواره بین المللی فیلم "میشکولتس" در مجارستان به "ژولیت بینوش"، هنرپیشه فرانسوی، اهدا شد. این جشنواره امسال از ۱۹ تا ۲۸ شهریور برگزار شد.

ژولیت بینوش که سابقه بازی در فیلمهایی چون "بیمار انگلیسی" و "آبی" را در کارنامه خود دارد، به عنوان یکی از مدافعان حقوق زنان و آزادی بیان شناخته می شود.

موسیقی

ارشاد: اجازه نمی دهیم در مشهد و قم کنسرت برگزار شود

در جهان موسیقی همچنان دولت تدبیر و امید مغلوب امامان جمعه است. حسین نوش آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد، می گوید که سیاست این وزارتخانه در دولت حسن روحانی از ابتدا اینگونه بوده که برای برگزاری کنسرت در دو شهر مذهبی مشهد و قم مجوز ندهد و تاکنون هیچ کنسرتی در این دو شهر برگزار نشده است.



"پایکوبی مانند یک روس" جنجال آفرید

"رابی ویلیامز"، خواننده و ترانه سرای پاپ و راک بریتانیایی، به خاطر آخرین ویدیو کلیپ خود با نام "پایکوبی مانند یک روس" اعتراض بسیاری از رسانه های روسیه را برانگیخته است. این کلیپ نخستین آهنگ از یازدهمین آلبوم تازه او با نام "نمایش سرگرمی سنگین" است. در این کلیپ وی نقش یک ثروتمند متنفذ را بازی می کند. شعرهای این آهنگ در برگیرنده جمله هایی بسیار تند و انتقادی نسبت به ساختار سیاسی روسیه است.

انتشار آلبوم جدیدی از رولینگ استونز

بر اساس گزارش صدای آمریکا، "رولینگ استونز" به دوران گذشته طلایی اش باز می گردد. گروه راک بریتانیایی با وجود این که در سالهای گذشته خیلی فعال بود و نشانه ای از بازنشستگی نشان نمی داد، ولی مدتها بود که آلبومی منتشر نکرده بود. اکنون گروه بعد از تقریباً ده سال، اولین آلبوم ضبط شده در استودیو اش را راهی بازار کرد. آلبوم "بلو اند لونسام" (Blue and Lonesome) یا به اصطلاح "غمناک و دلتنگی آور" یک آلبوم دوازده ترانه ای شامل ترانه های سبک بلوز است که گروه آنها را در سالهای اول تشکیل شان بازخوانی کرده بود، که دسامبر سال گذشته تنها در عرض سه روز ضبط شدند.

هنرهای تجسمی، نقاشی، معماری

کشف اتفاقی دو تابلوی مسروقه ونسان ونگوگ

اما در دنیای شاهکارهای نقاشی خبری جالبی از یورونیوز پخش شد مبنی بر آن که پلیس ایتالیا دو نقاشی از هنرمند هلندی، "ونسان ونگوگ"، را به طور تصادفی و طی عملیاتی علیه مافیای "کامورا" در شهر ناپل کشف کرده است. این دو نقاشی ارزشمند با نامهای "چشم انداز دریا از شووانینگن" و "خروج از کلیسای نئونان"، سال ۲۰۰۲ از موزه ونگوگ آمستردام به سرقت رفته بودند.



تابلوی جعلی ۸ میلیون پوند فروش رفت

خبر جالب دیگر آن است که گویا اثر نقاش هلندی، "فرانس هالس"، که میلیونها پوند به فروش رسیده بود، جعلی است. به گزارش بی بی سی موسسه حراج "ساتبیز" لندن اعلام کرد که یکی از تابلوهای فرانس هالس، نقاش برجسته هلندی، که حدود ۸ میلیون و پانصد هزار پوند به فروش رسیده بود، جعلی است.

ساتبیز اعلام کرد نتیجه آزمایش روی این تابلوی نقاشی تحت عنوان "مرد ناشناس" نشان داد که این اثر بدون شک جعل شده است. محققان این موسسه گفته اند موادی که در خلق این تابلو به کار رفته، از انواع جدید آن است و در نتیجه ممکن نیست اثر متعلق به قرن هفدهم باشد.



جایزه معماری آقا خان برای پل طبیعت

"پل طبیعت" یکی از شش برنده جایزه معماری "آقاخان" شد. این پل در سال ۱۳۹۳ افتتاح شد.

پل طبیعت، ساخته لیلیا عراقیان، مهندس ایرانی، است و یک سازه سه طبقه در اراضی عباس آباد است که برای عبور پیاده از بالای بزرگراه مدرس ساخته شده است. عابران با گذر و توقف بر روی این پل شاهد مناظر شهر تهران از ارتفاع ۴۰ متری سطح زمین خواهند بود.

طول این پل ۳۰۰ متر و وزن سازه اش ۲۰۰۰ تن است. پل طبیعت بزرگ ترین پل پیاده ایران محسوب می شود. جایزه معماری آقاخان به منظور شناسایی و تشویق ایده های ساختمانی که به طور موفقیت آمیزی توانسته است به نیازها و خواسته های جوامعی که در آنها مسلمانان بیشترین حضور را دارند پاسخ بدهد، تاسیس شده است.

ادبیات

انتشار مجموعه شعرهای لیلا محمودی

انتشارات "لیان" مجموعه شعرهای لیلا محمودی، شاعر شیرازی، را در قالب کتابی با عنوان "زوم" منتشر کرد. به گزارش "مهر"، در کتاب شعر زوم که حاوی ۱۰۳ قطعه از سروده های لیلا محمودی، شاعر شیرازی، است، مفاهیم ساختاری وجهی آشکارا و عینیت مند دارند؛ شعر به شدت نوستالژیکی که به واسطه مشابهتهای استعاری، نموده های هستی و هست مندی را باز می نماید. شعرهای محمودی موضوع گرا و رئالیستی است که هر واژه در آن ساختار متعارف دارد.

اهدای جایزه به سایه با سخنرانی حداد عادل

هوشنگ ابتهاج (ه.الف.سایه)، شاعر برجسته، برگزیده بیست و سومین جایزه تاریخی - ادبی دکتر محمود افشار یزدی، کتابدار فقید، شد.

در مراسمی که به همین مناسبت در کانون زبان فارسی واقع در باغ موقوفات دکتر افشار و در حضور جمعی از اهالی فرهنگ و مقامات حکومتی برگزار شد، جایزه مزبور به این شاعر نامدار اهدا شد. در این مراسم چهره هایی از اهالی فرهنگ، از جمله دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و مصطفی محقق داماد حضور داشتند. همچنین تنی چند از مقامات همچون علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی، غلامعلی حدادعادل، رییس فرهنگستان زبان و ادب، احمد مسجدجامعی و رییس کتابخانه ملی حضور داشتند و به ایراد سخنرانی پرداختند.



باب دیلن نوبل گرفت

"باب دیلن" یکی از مشهورترین و تاثیرگذارترین ترانه سراها و آهنگسازان آمریکایی، برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

آکادمی نوبل، دیلن را به خاطر خلق "بیان شاعرانه نوین در ترانه سرایی آمریکایی" تقدیر کرد و او را لایق این جایزه دانست.

اما کارهای باب دیلن در چارچوب رمان، شعر و داستان نویسی معمول ادبیات قرار نمی گیرد و همین باعث انتقاد بسیاری از افراد شده و دریافت این جایزه را بحث برانگیز کرده است.

شعر ماه

در پایان روایت هنر در ماه گذشته شعر زیبایی در حکایت سنگسار را از فرح شهابی انتخاب کرده ام که می خوانید:

روسی

در گیل نشسته
سنگسار را
می شنوی؟
در یورش باد
مرگ از یاد می برد
هرزگی تو را
در انبوهی بی مردمی و دستان آلوده
غم خویش مخور
زمین اجدادی
دیرست که سوخته
هر سنگی به تو می خورد
اختری خاموش می شود
سر شکسته ایم
چون روسپی سالهای سنگ



مدیر ارشاد قم را زدوبند از شهر بیرون کرد

منصور امان

فراسوی خبر... سه شنبه ۲۰ مهر

همانگونه که انتظار می رفت "دولت تدبیر و اعتدال" در برابر فشار محافل قدرت در قم نیز عقب نشست و طلب اضافی مدعیان را با برکناری مدیر محلی خود تا سکه آخر پرداخت کرد. بیرون رانده شدن مقام دولتی از شهر، تابلوی مسافت تازه ای در مسیر پس روی توقف ناپذیر آقای روحانی در پهنه سیاست داخلی نصب کرده است.

برخلاف حمله سازمان داده شده در مشهد که خسارت آن واژگونی روند تصمیم گیری و خلع ید از دستگاه بوروکراسی در تعیین فرآیندها و تنظیمات جاری را در بر گرفت، این بار در قم آقای روحانی ناچار گردید حتی از این نقطه نیز یک گام عقب تر رفته و افزون بر وانهادن اختیار تصمیم گیری، حق عزل و نصب در ساختار دیوانسالاری را نیز واگذار کند.

این در حالی بود که دولت با برخاستن اولین موج انتقاد، از زبان مدیر نگون بخت خود، شتابان به پوزش خواهی از "مراجع عظام تقلید و اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" رفته بود. حجت الاسلام روحانی اما خیلی زود باید درمی یافت خراجی که دیروز پرداخت کرده، امروز دیگر برای خرید رضایت مدعیان کافی نیست. آیت الله صافی گلپایگانی، اراذل و اوباش حکومتی را به میدان فرستاد و آیت الله محمد یزدی تاکید کرد: "مدیرکل ارشاد باید استعفا دهد و از قم برود. این بحث با غذرخواهی حل شدنی نیست."

اگرچه فشار باند حاکم و آلیگارهای محلی محدودیت در اعمال قدرت را به دولت جناح میانه حکومت تحمیل می کند، اما مطالبات آنها "دولت اعتدال" را غافلگیر نمی کند، چرا که جلب تفاهم رقبا و مدعیان، فاکتور اصلی در مکانیزم دولتمداری

آن است. تنها گله مندی که آقای روحانی می تواند داشته باشد، افزایش پیوسته صورت حسابی است که برایش فرستاده می شود؛ مشکلی که در ذات هر تفاهم فاسدی لانه کرده است.

چه، جناح میانه حکومت به خوبی حاضر است برای حفظ اهرمی که به دست آورده، در بازار تقسیم قدرت و ثروت به هر زدوبندی دست بزند. مشهد و قم اولین ایستگاه های "تدبیر و اعتدال" در مسیر راه پیمایی آن به سوی واحه امن در برهوت پُر کمین "نظام" نیست. از گشایش فضای امنیتی "و" "پایان حصر" و تا "گشت ارشاد" و ممنوعیت زنان از ورود به ورزشگاه ها، تاریخ تجاری دولت حجت الاسلام روحانی و دوستان عمری به درازی خود آن دارد.

آنچه که در این معاش یکنواخت دستخوش تغییر گردیده، توجیه اشتغال بدان است. جناح میانه حکومت و زاییده های "اصلاح طلب" آن دیروز تقدّم دستیابی به توافق هسته ای را روی پیشخوان می گذاشتند و امروز ضرورت حفظ آن را از آستین بیرون می آورند.



اعتراف سرکرده سپاه به دخالت جنایتکارانه در حلب

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۱۶ مهر

روز پنجشنبه ۱۵ مهر، استفان دی میستورا نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه، در رابطه با نابودی کامل شهر حلب در سوریه، هشدار داد. وی گفت: «حداکثر ظرف دو تا دو ماه و نیم، بخش شرقی حلب به ویژه قسمت تاریخی آن به طور کامل نابود خواهد شد.»

جنگنده های هوایی روسیه با کمک پیاده نظام رژیم ایران در روزهای اخیر از بمباران و خمپاره باران بیمارستانها هم دریغ نکردند و با شقاوت و بیرحمی به بهانه جنگ با داعش، به تداوم جنایت و نسل کشی ادامه می دهند.

صحنه گردانان جنایات جنگی هر کدام برای جنایت خود بهانه ای می آورند. سخن پراکنیهای اخیر پاسدار قاسم سلیمانی، پاسدار جعفری و بشار اسد تاییدی بر نقش جنایتکارانه در سرکوب مردم به بهانه رویارویی با داعش است.

بر اساس خبر خبرگزاری حکومتی مهر روز پنجشنبه ۱۵ مهر، بشار اسد در گفتگویی با یک روزنامه دانمارکی بمباران بیمارستانها را تکذیب کرده و این کار را خلاف منافع خود دانسته است. نکته مضحک از حرف او اینست که وی دلیل ادامه حیات تا کنونی خود را «مقبولیت» اش در اروپا و بین مردم اعلام می کند. وی گفت: «من سوپر من نیستم». البته این اخلاق همه دیکتاتورها است که واقعیت را آن گونه که منافع شان ایجاب می کند ارائه دهند.

حرفهای قاسم سلیمانی در رابطه با نقش «لشکر انصار الحسین» و کمک بی دریغ نظامی و مالی و نیرویی طی ۵ سال به بشار اسد، علت چنین مداخله پر هزینه ای را بر ملا می کند و در ضمن سندی بر نقش جنایتکارانه جمهوری اسلامی در سوریه است.

قاسم سلیمانی مساله سوریه را دیکتاتوری و بشار اسد نمی داند. وی می گوید: «ما در آنجا فقط از سوریه دفاع نمی کنیم از اسلام و جمهوری اسلامی دفاع می کنیم.» وی ادعا می کند که داعش برای مقابله با جمهوری اسلامی ایجاد شده است. می توان نتیجه گرفت که داعش نتیجه دیکتاتوری و دخالتهای رژیم در منطقه و به ویژه در سوریه و عراق است. به عبارتی اگر رژیم ولایت فقیه دست به «صدور ارتجاع» نمی زد اوضاع منطقه بدین گونه نبوده و داعشی هم نبود. این نتیجه قبل از این که حرف من باشد نتیجه حرفهای قاسم سلیمانی است.

حرف قاسم سلیمانی سرگرده سپاه قدس، با حرف سرکرده سپاه پاسداران، جعفری را با هم جمع ببندیم، نگرانی نماینده سازمان ملل در امور سوریه، روشن می شود. بدون کوتاه کردن دست رژیم از سوریه و همه کسانی که از دیکتاتوری بشار اسد حمایت می کنند، راهبردی عملی برای کاهش درد و رنج مردم وجود نخواهد داشت.

جعفری سرکرده سپاه پاسداران روز چهارشنبه ۱۴ مهر گفت: «صدور انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی است.» وی حوادث و رویدادهای کنونی را «حاصل انتقال درس مقاومتی» دانست که رژیم بنیادگرای ولایت فقیه به دنیا (کشورهای مسلمان) صادر کرده است.



در مسیر سوریه ای کردن یمن

منصور امان

فراسوی خبر... یکشنبه ۲۵ مهر

رژیم جمهوری اسلامی در نزدیکترین مسیر برای ایجاد یک کانون بحران خونین بین المللی تراز سوریه ای قرار دارد. در دو هفته گذشته عقبه بحران سازی رژیم مَلاها در یمن به گونه پیوسته به سمت بالا در حرکت بوده است. آقای خامنه ای و همدستان آشکارا بر آتش جنگی که در فاصله نه چندان زیادی از سواحل ایران شعله ور ساخته اند، بنزین می ریزند. روز ۱۰ مهر، زمانی که بنیادگرایان حوثی یک کشتی اماراتی را با موشک زمین به دریا هدف قرار دادند، تحولی که از چند ماه پیش تر با تحویل موشکهای بُرد بالا به آنان از سوی حاکمان ایران آغاز گردیده بود، به نُقطه بلوغ رسید. حمله مزبور نشان از چراغ سبز سرمایه گذار به بُنگاه حوثی برای گسترش تحریکات موشکی می داد؛ اقداماتی که پیشتر با پرتاب موشکهای بالستیک به مناطقی در عمق خاک عربستان آغاز شده بود.

تا این هنگام، جنگ سالاران اُم اَلقرا مُراقب بودند که در خلیج عدن و تنگه باب المندب که یک مسیر بین المللی کشتیرانی شناخته می شود، دست به تحریکات جنگی نزنند. این احتیاط بیش از همه مدیون توافق هسته ای باضافه یک هشدار جدی آمریکا در سال گذشته مبنی بر پرهیز از دست زدن به چنین ماجراجویی بود.

حمله موشکی حوثیها به کشتی اماراتی، پایان توافق نانوشته مزبور را اعلام می کرد و می توانست به عنوان شناسه ای از حرکت رژیم مَلاها به سوی افزایش بار تنش به حساب بیاید؛ یک ارزیابی بدبینانه که تنها در فاصله چند روز با شلیک موشک به یک ناوشکن آمریکایی دُرستی آن تایید شد.

واکنش شدید آمریکا به این اقدام تحریک آمیز و دادن پاسخ نظامی بدان با انهدام چند تاسیسات راداری حوثیهای تحت اَلحمایه آقای خامنه ای، می تواند یک استثنای مُهم در سیاست کاخ سفید مبنی بر پرهیز از مُداخله مُستقیم در کانونهای بحران منطقه به حساب بیاید. این همان استراتژی است که آمریکا در یک کانون بحران دیگر، سوریه، از جُمله با نگاه به حل بحران هسته ای رژیم مَلاها و مساله عراق پی گرفته است.

ماجراجویی نظامی مَلاها در یمن، دفاع از سیاست مزبور را برای آقای اوباما ساده تر نکرده است. او اکنون با مُنتقدانی در صف خود روبرو است که موشک پرانی حوثیها را شاهدهی بر تایید نگرانی در باره استفاده حاکمان ایران از فُرصت سیاسی و منابع مالی آزاد شده در پی توافق هسته ای برای صُدور بحران و جنگ افروزی در منطقه معرفی می کنند.

چنین می نماید که محفل زهر خورده زیر "خیمه نظام" مُشکل زیادی با تحویل سند و مدرک برای اثبات چنین اتهامی ندارد، چرا که با چنگ و دندان برای توازن یافتن پس از اسقاط "تضمین امینتی" اش تلاش می کند.

گزینه حاکمان کشور برای پُر کردن حُفره اقتدار و ثبات شان، هزینه کردن مخارج هسته ای برای بهبود شرایط زیست و کار جامعه نیست، در انگاشتهای آنها خرج منابع مالی و نفتی آزاد شده برای خروج کشور از بحران اقتصادی نیز جایی ندارد.

بازندگان دور قُمار هسته ای، امروز برای بقا روی میلیتاریسم و جنگهای فرقه ای شرط بسته اند.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

گفتمان راسان بخشی از مبارزه برای دموکراسی در ایران است

مهدی سامع

کوردستان میدیا، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵

<http://www.kurdistanmedia.com/farsi/idame/25081>

وب سایت کوردستان میدیا در رابطه با مبارزات نوین حزب دمکرات کوردستان ایران با مهدی سامع، فعال سیاسی چپ مصاحبه ای انجام داده است که عیناً در پی می آید:

۱- شما به عنوان یک فعال سیاسی چپ حوادث اخیر در کوردستان را تا چه حد مثبت ارزیابی می نمایید؟

اجازه بدید قبل از پاسخ به سوالهای شما ادای احترام کنم به پیشمرگان شهید کوردستان و به ویژه به پیشمرگان شهید در رویدادهای اخیر و تسلیت بگم به خانواده های آنان، به حزب دمکرات کوردستان ایران و به مردم ایران و به همه ی آزادپخواهان.

من پس از خیزش دوباره (راسان) با یک سری تحلیلهای و اظهار نظرهایی برخورد کردم که گرچه تازگی ندارد، ولی تأسف آور است. روح دایی جان ناپلئون در پیکر برخی از نیروهای سیاسی بد جوری رسوخ کرده است. همزمان یک نوع مُدگرایی در تحلیل هم در این سالها رواج پیدا کرده و آن چه دیده نمی شود نقش مردمی است که علیه ستم مبارزه می کنند.

یادمان هست که قبل از تسلیم خامنه ای و نوشیدن جام زهر از جانب او، بیشتر نیروهای سیاسی ایران همسو با استبداد مذهبی حاکم ادعا می کردند که «هر نوع تحریم به زبان مردم ایران و به سود رژیم است».

برخی کمی تخفیف می دادند و فقط با تحریمهای اقتصادی و تکنولوژی مخالفت می کردند. به روی خودشان هم نمی آوردند و هنوز هم نمی آورند که چرا وقتی دولت محمود احمدی نژاد طی هفت سال بیش از هزار میلیارد دلار درآمد ارزی داشت، وضعیت مردم فلاکتبارتر شد؟ به این سوال هم جواب نمی دادند که ماجراجویی اتمی جمهوری اسلامی را چگونه باید مهار کرد؟ برخی برای این که به این سوالها جواب مشخص ندهند اصلاً منکر این می شدند که رژیم ایران به دنبال ساختن بمب هسته ای است.

به هر حال تحت فشار تحریمها که فقط در سال آخر ریاست احمدی نژاد جدی شد، خامنه ای مجبور به عقب نشینی شد و همین نیروها به روی خود نیاوردند که اگر تحریمها نبود چه فجایعی سرزمین و مردم ما را تهدید می کرد. در حقیقت زندگی مردم چه در شرایط تحریم و چه غیر تحریم روند رو به قهقرا داشته و دارد. ولی تحریمها به خصوص وقتی سال آخر پای تحریم نفتی و بانکی به میان آمد، حکومت را مجبور به کوتاه آمدن کرد. ولی نیروهای مخالف تحریم قضا یا را برعکس می دیدند و مُد هم شده بود که تحریمهای ظالمانه در مورد عراق را دلیل صحت نظرات خود کنند.

و باز یادمان هست که در همان سالها مرتب از نزدیک بودن «حمله نظامی» حرف زده می شد و تحلیل و تز صادر می شد. وقتی خبرگزاری رسمی روسیه بنا به دلایل قابل فهم که به بازیهای حکومت روسیه مربوط بود، یک خبر آبکی در مورد امکان حمله به ایران انتشار می داد، این دسته از جریانهای سیاسی شروع می کردند هشدار دادند و بسیج کردن و تقلید از جنبش پرتوان و میلیونی ضد جنگ علیه حمله به عراق با آکسیونهای چند نفره و حداکثر چند ده نفره. آن موقع هم «خطر حمله به ایران جدی است» مُد شده بود و ما شاهد چه تحلیلهای طولانی بودیم و چه انرژیهایی که به سود رژیم، البته بیشتر ناآگاهانه، به هدر رفت. بعداً هم که مشخص شد که خیال خامنه ای از بابت حمله نظامی کاملاً آسوده بوده، برخی ابلهانه ادعا کردند که مخالفت آنان باعث شد که آمریکا به ایران حمله نکند و بازهم به روی خودشان نیاوردند که چه سر و سر پنهانی بین آمریکا و ولایت خامنه ای وجود داشته است.

اکنون هم مُد روز «عربستان و جنگ نیابتی» است که مدیا را مزین به تحلیلهایی کرده که رسالت آن تنها و تنها انکار نقش مردم و تبلیغ بی عملی و تسلیم است. لنین در جایی فراخوان می دهد که «علیه تمامی اشکال ستم بپاخیزیم» و

امروز مردمی که می خواهند با ستمگری مبارزه کنند، به عنوان کسانی معرفی می شوند که به «نیابت» از جانب عربستان به میدان آمده اند. می بینید که دایی جان ناپلئون هنوز زنده است. این ظالمانه ترین برخورد با خیزش مردمی است.

برخلاف این دسته از تحلیلها به گمانم رویداد راسان نه فقط یک گام مثبت در جنبش آزادیبخش مردم ایران، که یک گام ضروری در پاسخ به نیازهای مردم محروم کردستان است. مردمی که چوبه های دار را می بینند و روزانه تازیانه را بر پیکر خود لمس می کنند، اکنون با خیزش دوباره ای روبرو می شوند که امید بخش است. این حق مردم است که در مبارزه علیه تمامی اشکال ستم، از همه تاکتیکها آگاهانه و خردمندانه استفاده کنند و این وظیفه هر مدعی مبارزه برای آزادی و دموکراسی است که از این مبارزه حمایت کند و به آنانی که در این راه هزینه های سنگین می پردازند یاری رسانند.

۲- مبارزات نوین حزب دمکرات در چهارچوب گفتمان «راسان» چه تأثیری را بر جریان دموکراسی در ایران دارد؟

گفتمان راسان بخشی از مبارزه برای دموکراسی در ایران است. یک جریان خارج از مبارزه مردم ایران نیست که بر مبارزه مردم ایران برای دموکراسی تأثیر بگذارد. به بیان دیگر هر کانون مبارزه در ایرانی که ملیتهای مختلف ساکن آن هستند و می خواهند در کنار هم زندگی کنند و از حقوق برابر و بدون تبعیض برخوردار باشند، جزئی جدایی ناپذیر از یک کل واحد است. هر مبارزه در هر گوشه ای از ایران وارد شریان یک پیکر واحد می شود. بیهوده نبود که راسان با استقبال گسترده در میان زندانیان سیاسی در سراسر ایران روبرو شد.

۳- آیا خیزش حزب دمکرات به ایجاد جبهه ای متحد علیه رژیم ایران منجر خواهد شد؟

من همیشه طرفدار اتحاد و کار جبهه ای بوده ام و اکنون هم به طور شفاف و به قول معروف تمام قد طرفدار طرح جبهه همبستگی که از جانب شورای ملی مقاومت ایران اعلام شده هستم. اما به گمانم قبل از بحث جبهه باید بین نیروهایی که بدون شکاف خواهان سرنگونی نظام حاکم بر کشور هستند، برخی از مسائل حل شود. مرزبندی ها روشن شود، حداقلها مشخص شود و به ویژه نیاز مشترک به طور جدی درک شود.

بنابراین باید با گامهای سنجیده این راه را پیمود. البته قبل از آن می توان برخی همکاریها، به طور مثال تبادل اطلاعات در مورد توطئه های رژیم و یا همکاری در افشای رژیم در صحنه بین المللی، داشت. یک نمونه برجسته از همکاری عملی را برخی از زندانیان سیاسی با دیدگاهها و وابستگیهای متفاوت به طور مداوم انجام می دهند که دستگاه امنیتی ولایت خامنه ای از این بابت بسیار گزیده شده است.

۴- دیدگاه کلی شما در مورد خیزش حزب دمکرات در این مقطع زمانی چه می باشد؟

فکر می کنم به این سوال در ابتدا پاسخ داده باشم. فقط یک نکته اضافه کنم. من بارها و به مناسبتهای مختلف گفته ام که مبارزه با استبداد مذهبی حاکم یک مبارزه لوکس، پاستوریزه شده و حرکت در یک اتوبان چند بانده نیست. پیکاری است سخت و با هزینه های کلان. در اطلاعیه های حزب دمکرات کردستان ایران و اظهار نظرهای مسئولان حزب می بینم که به این هزینه سنگین آگاهی دارند و به آن تأکید می کنند. در پیکارهای بی امان علیه استبداد دینی که بدون اغراق پدرخوانده داعش است، آگاهی به هزینه ها در تمامی پیکر جنبش نقش تعیین کننده دارد.

با تشکر از شما و با آرزوی موفقیت و پیروزی برای جنبش راسان

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

به جنبش دادخواهی جانباختگان قتل عام ۱۳۶۷ پیوندیم



کشتار سیاه ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ ننگین‌ترین جنایتی است که رژیم ضدبشری حاکم نسبت به مردم ایران مرتکب شده است. این قتل‌عام گسترده که نظیرش در هیچ کجای دنیای معاصر وجود ندارد، با فتوای خمینی و مدیریت فرزندش احمد خمینی و نزدیک‌ترین یارانش یعنی هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای صورت گرفت و توسط شقی‌ترین حاکمان شرع و دادستان‌های سفاک و با معاونت وحشی‌ترین مأموران شکنجه و اعدام زندانیان، اجرایی شد.

در این قتل‌عام سیاه، بهترین و آگاه‌ترین فرزندان مردم ایران، که بر آرمان آزادی هم‌میهنانشان پای فشردند، سر به دار

شدند و آخوندهای حاکم توانستند با اعمال سرکوب و ارباب و دست‌یازیدن به زشت‌ترین شیوه‌های تبلیغاتی، بر تیره‌ترین جنایت باور ناکردنی خود پرده‌ای سیاه بکشند.

اما امروز، پس از گذشت ۲۸ سال از آن فاجعه، خون شعله‌ور شهیدان آزادی اوجی تازه گرفته و با کارزار دادخواهی خانواده شهیدان و بویژه با انتشار نوار گفتگوی آقای حسینعلی منتظری - قائم‌مقام خمینی در آن زمان - با تعدادی از مجریان بالای حکومتی دست‌اندرکار اصلی قتل‌عام در زندان‌های تهران، جنبش دادخواهی بازتاب گسترده اجتماعی در داخل ایران و دیگر کشورهای جهان یافته است.

تلاش‌های گوناگون و متعدد در این زمینه به حدی گسترده و تاثیرگذار بوده است که حتی بسیاری از مقام‌ها و وابستگان رژیم نیز هرکدام بنا بر عللی خواستار توضیح در باره چند و چون این جنایت شده‌اند و تا آنجا پیش‌رفته‌اند که از ضرورت عذرخواهی از قربانیان سخن می‌گویند. البته خامنه‌ای و رفسنجانی و مجلس خبرگان آخوندی از این جنایت حمایت کرده‌اند و آخوندهای جنایتکاری مانند مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری کابینه روحانی به جنایت خود افتخار می‌کنند تا شاید بتوانند گسترش اعتراض در درون نظام را مهار کنند.

دادگاه‌های آینده تاریخ و زمانی که این جانیان در مقابل عدالت قرار گیرند، نشان خواهند داد مدال‌هایی که جلادان برای مشارکتشان در این جنایت، بر عبای خود می‌آویزند، جز ننگ ابدی نخواهد بود. درست نقطه‌ی مقابل این جنایتکاران، مجاهدان و مبارزانی هستند که در آن روزهای تیره به دار آویخته شدند. آنان قهرمانان ملی و سرداران پیشتاز آزادی میهن هستند و دیر نیست که عکس‌های آنها زینت بخش تمامی کوچه‌ها و خیابان‌های میهن گردد.

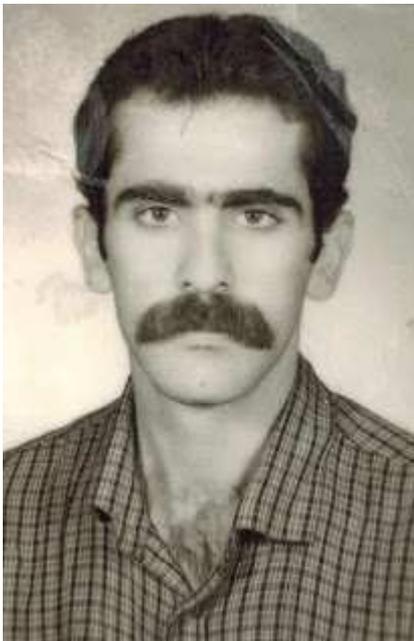
وظیفه انسانی، ملی، و انقلابی همه ما روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، ورزشکاران و همه کسانی که با نفی سلطه جابرانه استبداد دینی، خواستار آزادی ایران هستند، ایجاب می‌کند که به دادخواهی قیام کنیم و به این رژیم ضد انسانی هیچ فرصتی برای گریز از عدالت ندهیم.

ما امضا کنندگان این فراخوان، اعلام می‌کنیم باید همه فشارهای داخلی و بین‌المللی را بر گردانندگان رژیم آخوندی حاکم بر ایران متمرکز کرد تا اسامی و مشخصات همه قتل عام شدگان و تاریخ اعدام و محل دفن آنها را ارائه کنند. ما از کمیسر عالی حقوق بشر، شورای حقوق بشر، مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد می‌خواهیم یک هیات تحقیق مستقل و بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایت بزرگ تعیین کنند، این قتل عام بی سابقه را به عنوان جنایت علیه بشریت برسمیت بشناسند و ترتیبات ضروری برای تشکیل یک تریبونال بین‌المللی و قرار دادن آمران و عاملانش در مقابل عدالت را به عمل بیاورند.

ما تا قرار گرفتن مسئولان این جنایت در برابر عدالت از پای نخواهیم نشست. این کارزار بخش مهمی از مبارزه ما برای لغو احکام ضد انسانی اعدام، قصاص، مجازاتهای ضد انسانی و قرون وسطایی مانند قطع دست و پا و در آوردن چشم از حدقه و همچنین مبارزه ما برای برچیدن بساط دیکتاتوری دینی و استقرار دموکراسی مبتنی بر جدائی دین از دولت است. ما از همه‌ی ایرانیان آزادی خواه و مدافع حقوق بشر می‌خواهیم با امضای این فراخوان به جنبش دادخواهی شهیدان قتل عام ۱۳۶۷ بپیوندند.

برای پیوستن به جنبش دادخواهی به وبلاگ زیر مراجعه کنید
<http://jonbesh-dadkhahi-iranian.blogspot.fr>

شهادت فدایی در آبان ماه



رفیق لقمان مداین

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - محمد رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مجید راشدی - مهران محمدی - مجید شریفی - ابراهیم شریفی - داریوش مولوی - منیژه طالبی - جهان بخش طغیانی - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا نصیری مقدم - سوزان نیکزاد - هوشنگ والی زاده - عزیز پور احمدی - علی بهروزی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - منصور اسکندری تربقانی - علی اصغر غلامی - عثمان کریمی - محمد حسین خادمی - نصرت رئیسی - علی برنشان - محمد قادری - مینا سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد پیل افکن - مظفر قادری - عبد الله کردستانی - حسین رکنی - مهین جهانگیری - علی رضا شفیعی - علی اصغر ذاکری - فرج الله نیک نژاد - هوشنگ احمدی - هادی اشکانی - پرویز کرمی - محمد جلیوند - بهنام موحد - جهانشاه نجفی - ژیلارجایی - محمد بهرامی - علی ململی - چگنی - رضا مستعان - مسعود شریفیان - حسن جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا

کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

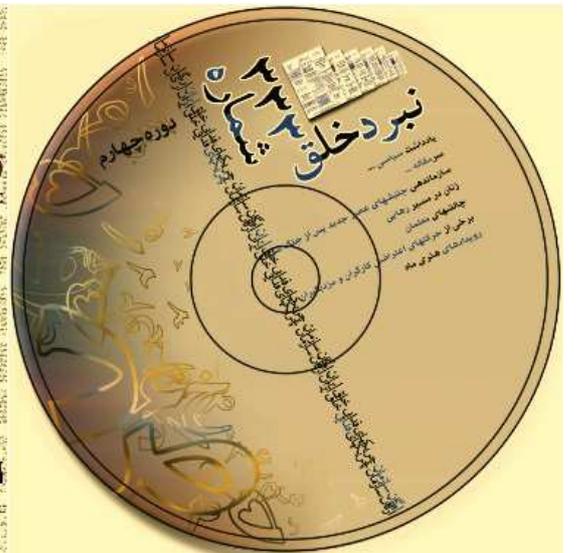
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 376 22 October 2016

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org